

حقوق زنان، حقوق بشر است

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

نیویورک و ژنو

۲۰۱۴

توجه

تعابیر به کار رفته و موضوعات ارائه شده در این نوشتار متضمن بیان هیچ گونه نظری از سوی دبیرخانه سازمان ملل متحد درباره وضعیت حقوقی کشور، سرزمین، شهر یا منطقه خاص، یا مقامات آنجا، یا مربوط به تحدید حدود و مرزهایش نیست.

نشانه های اسناد سازمان ملل متحد از حروف بزرگ همراه با ارقام تشکیل شده و اشاره به چنین ارقامی نشانگر ارجاع به سند سازمان ملل متحد است.

HR/PUB/14/2
UNITED NATIONS PUBLICATION
SALES NO. E.14.XIV.5
ISBN 978-92-1-154206-6
E-ISBN 978-92-1-056789-3
© 2014 UNITED NATIONS

همه حقوق از آن به این اثر در سراسر جهان محفوظ است

فهرست مندرجات

مقدمه.....

1. پشتیبانی از حقوق بشر زنان در حقوق بین الملل

الف. اسناد بین المللی حقوق بشر

ب. اسناد منطقه ای

2. تعهدات جهانی.....

الف. اعلامیه و برنامه اقدام وین

ب. همایش بین المللی جمعیت و توسعه

ج. اعلامیه و برنامه اقدام پکن

د. اهداف توسعه هزاره

ه. همایش سازمان ملل متحد در توسعه پایدار

3. ارکان سازمان ملل متحد.....

الف. شورای حقوق بشر و ساز و کارهای آن

ب. شورای امنیت

ج. کمیسیون درباره وضعیت زنان

4. مفاهیم کلیدی.....

الف. افتراق عمومی و خصوصی

ب. جهانشمول بودن حقوق بشر

ج. نبود تبعیض و برابری بین زنان و مردان

د. برابری و انصاف

ه. جنسیت

و. بین المللی بودن و اشکال گوناگون تبعیض

5. چهارچوب حقوق بشر در عمل.....

الف. حقوق زنان در زندگی عمومی و خصوصی

ب. حقوق و سلامت جنسی و باروری

ج. حق زنان به سطح شایسته زندگی

د. خشونت علیه زنان

ه. اثر مهاجرت و جابجایی در بهره مندی زنان از حقوقشان

و. حقوق بشر زنان در کشمکش ها و بحران ها

ز. دسترسی زنان به عدالت

مقدمه

رسیدن به برابری زنان و مردان و از بین بردن همه اشکال تبعیض علیه زنان از حقوق اساسی بشر و ارزش‌های سازمان ملل متحد است. با این حال، زنان سراسر جهان به طور نظام مند از زیر پا نهاده شدن حقوق بشر در زندگی شان رنج می‌برند و تحقق حقوق بشر زنان همواره به عنوان یک اولویت مطرح بوده است. دستیابی به برابری بین زنان و مردان نیازمند آگاهی فراگیر است و از راه‌هایی حاصل می‌آید که زنان تبعیض را تجربه می‌کنند و از برابری محروم می‌شوند تا بتوان برای تهیه راهبردهای شایسته و از بین بردن این تبعیض‌ها اقدام کرد.

سازمان ملل متحد دارای پیشینه‌ای طولانی در پرداختن به حقوق بشر زنان بوده و در دهه‌های اخیر در تامین حقوق زنان سراسر جهان پیشرفت‌های بسیاری کرده است. با این حال، شکاف‌های مهم باقی مانده و حقیقت‌های زندگی زنان همواره با پیدایی تبعیض‌های تازه علیه آنان که به گونه منظم آشکار می‌شود در حال تغییر است. برخی گروه‌های زنان، در بین دیگر حوزه‌ها، با اشکال دیگری از تبعیض بر پایه سن، قومیت، شهروندی، آیین، وضعیت سلامت، وضعیت زناشویی، تحصیلات، معلولیت و وضعیت اجتماعی و اقتصادی رویارویند. چنین اشکال گوناگونی از تبعیض در تلاش برای پیکار با آن و در زمان طرح راهکارها و پاسخ‌ها در نظر باید گرفته شود.

این مجلد با ارائه مقدمه‌ای بر حقوق بشر زنان و آغاز کردن سخن از مقررات اصلی حقوق بین‌الملل بشر و ادامه بحث به روشن کردن مفاهیمی برای آگاهی کامل از حقوق بشر زنان می‌پردازد. در پایان، گستره‌های انتخاب شده حقوق بشر زنان به همراه اطلاعاتی درباره روند اصلی ساز و کارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد و ساز و کارهای دیگر مربوط به این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرند. هدف از انتشار این مجلد فراهم آوردن آگاهی نخستین از حقوق بشر زنان به عنوان یک کل است، اما به دلیل طیف گسترده مسائل مربوط به حقوق بشر زنان، این نوشتار را نباید فراگیر دانست.

1. پشتیبانی از حقوق بشر زنان در حقوق بین الملل

از زمان تاسیس سازمان ملل متحد، برابری مردان و زنان از اساسی ترین تضمینات حقوق بشری بوده است. منشور ملل متحد مصوب سال ۱۹۴۵، یکی از اهداف خود را تحت عنوان «تاکید بر باور به حقوق اساسی بشر، بر ارج و ارزش انسان، [و] بر حقوق برابر مردان و زنان» بنا کرده است. افزون بر این، ماده ۱ منشور قید می‌کند یکی از اهداف سازمان ملل متحد گسترش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی «دور از نژاد، جنس، زبان یا آیین» است. این ممنوعیت تبعیض بر پایه جنسیت در ماده ۱۳ (وظایف مجمع عمومی) و ماده ۵۵ (ارتقاء حقوق بشر جهانی) تکرار شده است.

در سال ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید. اعلامیه نیز، برابری زنان و مردان در حقوق مندرج در سند» دور از هر گونه تبعیض، از جمله... جنس و...» را اعلام می‌کرد: در تهیه پیش نویس اعلامیه، بحث شایانی درباره استفاده از عبارت «همه مردان» به جای عبارتی خنثی از نظر جنسیت وجود داشت^۱. اعلامیه سرانجام با استفاده از عبارت «همه انسان‌ها» و «همه» به منظور زدودن تردید به اینکه اعلامیه جهانی برای همگان، یعنی مردان و زنان به گونه یکسان، در نظر گرفته شده یا خیر به تصویب رسید.

الف. اسناد بین المللی حقوق بشر

پس از تصویب اعلامیه جهانی، کمیسیون حقوق بشر تهیه پیش نویس دو معاهده حقوق بشری، یعنی میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آغاز کرد. این دو میثاق همراه با اعلامیه جهانی، منشور بین المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند. مفاد دو میثاق، و همچنین دیگر معاهدات حقوق بشری، نسبت به دولتهایی که آن‌ها را تصویب کرده یا به آن‌ها ملحق شده‌اند از نظر حقوقی الزام آور است. کشورهایی که این معاهدات را تصویب کرده‌اند، گزارش‌های دوره‌ای را به ارکان کارشناسی ارائه می‌کنند که به نوبه خود در مراحل مورد نیاز برای برآوردن تعهدات مقرر در معاهدات توصیه‌هایی صادر می‌کنند. این ارکان نظارت کننده بر معاهدات همچنین تفسیرهای معتبری از معاهدات را ارائه می‌کنند و، اگر دولتها توافق کرده باشند، به شکایات اشخاص از موارد نقض ادعایی هم می‌پردازند^۲.

هر دو میثاق با استفاده از همان جمله بندی به منع تبعیض، از جمله بر پایه جنسیت (ماده ۲) پرداخته‌اند، و همچنین حقوق برابر زنان و مردان به بهره بردن از همه حقوق موجود در اسناد (ماده ۳) را تضمین می‌کنند. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله، حق زندگی، آزادی از شکنجه، آزادی از بردگی، حق بر آزادی و امنیت اشخاص، حقوق مربوط به دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های کیفری و مدنی، برابری در پیشگاه قانون، آزادی حرکت، آزادی اندیشه، عقیده و آیین، آزادی

¹ Johannes Morsink, "Women's rights in the Universal Declaration", *Human Rights Quarterly*, vol. 13, No. 2 (May 1991).

² جهت اطلاع بیشتر از معاهدات حقوق بشری رک.

اجتماعات، حقوق مربوط به زندگی خانواده و فرزندان، حقوق مربوط به شهروندی و مشارکت سیاسی، و حقوق گروه‌های اقلیت به فرهنگ، آیین و زبان خود را تضمین می‌کند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان نمونه، حق به کار، حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی، حقوق مربوط به ازدواج، زایمان و مراقبت از کودک، حق برخورداری از سطح شایسته زندگی، حق بر سلامت، حق بر آموزش و حقوق مربوط به فرهنگ و علم را تامین می‌کند.

در سال ۱۹۶۷، کشورهای عضو سازمان ملل متحد، اعلامیه از بین بردن تبعیض علیه زنان را تصویب کردند که اشعار می‌دارد تبعیض علیه زنان جرم علیه آبرو و ارج انسان است و از دولت‌ها می‌خواهد قوانین، آداب و رسوم، مقررات و شیوه‌های موجودی که تبعیض آمیز و علیه زنانند را «لغو کند و پشتیبانی قانونی بسنده برابری حقوقی زنان و مردان را ایجاد کند». کمتر از یک سال بعد، پیشنهادی برای یک معاهده الزام آور حقوقی در حقوق زنان مطرح گردید و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۷۹ به تصویب رسید. مقدمه کنوانسیون روشن می‌کند با وجود اسناد دیگر، زنان هنوز هم از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند.

کنوانسیون ماهیت و معنای تبعیض بر پایه جنسیت را بیان کرده تعهدات دولت‌ها برای از بین بردن تبعیض و دستیابی به برابری بنیادی را وضع می‌کند. مانند همه معاهدات حقوق بشری، دولت‌ها تنها با تصویب مسوول شناخته می‌شوند. با این حال، کنوانسیون تعهدات دولت‌ها را بیان کرده تا نه تنها به قوانین تبعیض آمیز، بلکه به رویه‌ها و آداب و رسوم، و همچنین تبعیض علیه زنان توسط اشخاص خصوصی نیز بپردازد.

با این اصول کلی به عنوان چارچوبی فراگیر، تعهدات خاص دولت‌ها برای از بین بردن تبعیض علیه زنان در گستره‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ۱۶ ماده اساسی وضع شده است. کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی (حق رأی، حق مشارکت در زندگی عمومی، حق اکتساب، تغییر یا حفظ تابعیت در برابر قانون و آزادی جابجایی) و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حق به تحصیل، کار، بهداشت و برخورداری از اعتبارات مالی) را در بر می‌گیرد. این کنوانسیون همچنین به پدیده‌های خاص مانند قاچاق، گروه‌های خاصی از زنان مثل زنان روستایی، و به مسائل خاص که در آن مخاطرات ویژه‌ای در برخورداری کامل زنان از حقوق انسانی شان هست، مانند ازدواج و خانواده، توجه ویژه می‌کند.

کنوانسیون در ماده ۱ تبعیض را تحت عنوان «... هرگونه تمایز، محروم کردن یا ایجاد محدودیت بر پایه جنسیت که اثر یا هدف آن خدشه دار کردن یا ابطال شناسایی، استیفاء یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در گستره‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر گستره دیگر، جدا از وضعیت زناشویی زنان، و بر پایه برابری مردان و زنان بوده است» تعریف می‌کند.

این تبعیض‌ها هر گونه تفاوت در رفتار بر پایه جنسیت را در بر می‌گیرد که:

- زنان را خواسته یا ناخواسته زیان می‌زند؛
- از به رسمیت شناختن حقوق زنان در هر دو گستره خصوصی و عمومی جامعه به عنوان یک کل جلوگیری می‌کند؛
- از اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که زنان نسبت به آن‌ها حق دارند جلوگیری می‌کند.

این کنوانسیون همچنین روش‌های گوناگونی که دولت‌های عضو از آن راه باید تبعیض را از بین ببرند، از جمله از راه وضع قوانین مقتضی منع تبعیض، اطمینان یافتن از پشتیبانی قانونی از حقوق زنان، خودداری از اقدامات تبعیض آمیز، پشتیبانی از زنان در برابر تبعیض توسط هر شخص، سازمان یا شرکت، و اصلاح و یا لغو قوانین، مقررات و مقررات کیفری را مشخص می‌سازد. کنوانسیون پیش بینی کرده است دستیابی به برابری برای بهبودی وضعیت زنان می‌تواند نیازمند اقدام مثبتی از سوی دولت باشد. برای شتاب دادن به برابری راستین زنان در همه گستره‌های زندگی، دولت‌ها مجازند از اقدامات ویژه زمان دار تا زمانی که نابرابری همچنان وجود دارد استفاده کنند. کنوانسیون بدین سان از مفهوم مضیق برابری رسمی فراتر رفته و هدف آن برابری فرصت‌ها و برابری نتیجه‌هاست. اقدامات ویژه زمان دار هر دو برای رسیدن به این اهداف قانونی و لازمند. اصولاً، با رسیدن به وضعیت برابر، این اقدامات باید پایان یابد.

نکته مهم آنکه کنوانسیون مفاد اساسی جدیدی به دیگر اسناد می‌افزاید که آن‌ها هم به برابری و نبود تبعیض پرداخته‌اند. ماده ۵ مقرر می‌کند افزون بر شناسایی برابری حقوقی زنان و ارتقاء برابری عملی شان، دولت‌ها همچنین برای از بین بردن الگوهای اجتماعی فرهنگی و سنتی که قالب‌های جنسیتی زیان بار را تداوم می‌بخشند باید کوشش کنند و چارچوبی کلی در جامعه بنا نهند که تحقق کامل حقوق زنان را شدمی‌تر می‌کند.

کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۲) و کنوانسیون پشتیبانی از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان (ماده ۷) نیز تبعیض بر پایه جنسیت را ممنوع کرده‌اند. کنوانسیون حقوق اشخاص گرفتار معلولیت (ماده ۶) تبعیض‌های بسیاری که زنان معلول در معرض آن قرار دارند را به رسمیت می‌شناسد، و از دولت‌های عضو می‌خواهد با در نظر گرفتن «همه اقدامات لازم برای اطمینان از توسعه کامل، پیشرفت و توانمندسازی زنان» در بهره‌مندی از حقوق بشر به این مهم رسیدگی کنند. در توصیه عمومی شماره ۲۵ (مورخ سال ۲۰۰۰) درباره وجوه جنسیتی تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض نژادی، که بر همخوانی با کنوانسیون بین المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی نظارت دارد نیز وجوه جنسیتی تبعیض نژادی را مورد شناسایی قرار داده و اعلام کرده است «در راه خود برای احتساب عوامل یا مسائل جنسیتی که ممکن است با تبعیض نژادی به هم پیوسته باشد تلاش خواهد کرد.» کمیته ضد شکنجه، که بر کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز

نظارت دارد هم، به گونه منظم به مسائل مربوط به خشونت علیه زنان و دختران پرداخته است.

ب. اسناد منطقه ای

افزون بر معیارهای بین المللی حقوق بشر، پیمان‌های منطقه‌ای حقوق بشری نیز، مقررات بسیار مهمی با هدف گسترش و پشتیبانی از حقوق بشر زنان دربردارند.³

منشور آفریقایی (بانجول) حقوق بشر و ملتها در سال ۱۹۸۱ توسط سازمان یکپارچگی افریقا به تصویب رسید. ماده ۲ آن تبعیض در هر گستره‌ای، از جمله در گستره جنسیت، در بهره‌مندی از حقوق تضمین شده توسط منشور را ممنوع کرده است. ماده ۱۸ به گونه خاص به تعهد کشورهای آفریقایی به «اطمینان از حذف هر گونه تبعیض علیه زنان و همچنین پشتیبانی از حقوق زن و کودک که در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های» بین المللی قید شده است اشاره دارد. پروتکل منشور حقوق زنان در آفریقا - پروتکل ماپوتو- در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید.

منشور سازمان کشورهای آمریکایی در فصل دومش، ماده ۳ (۱)، و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۱ شرط نبود تبعیض را قید کرده است. افزون بر این، در سال ۱۹۹۴ سازمان کنوانسیون بین آمریکایی پیشگیری، مجازات و ریشه کن کردن خشونت علیه زنان (کنوانسیون بلم دو پارا) را به تصویب رسانید.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تبعیض در هر گستره‌ای، از جمله در جنسیت را، در بهره‌مندی از حقوق مندرج در کنوانسیون منع کرده است (ماده ۱۴). از سال ۱۹۹۸ اشخاص می‌توانند شکایت خود بر پایه ادعای زیر پا نهادن کنوانسیون را به دادگاه حقوق بشر اروپا تقدیم کنند. در سال ۲۰۱۱، شورای اروپا کنوانسیون جدید پیشگیری و پیکار با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول) را به تصویب رساند.

سازمان‌های سیاسی منطقه‌ای، از جمله اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا، اتحادیه همکاریهای منطقه‌ای جنوب آسیا، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا و جامعه توسعه جنوب آفریقا، نیز پروتکل‌ها و قطعنامه‌هایی را تصویب و اعلامیه‌هایی مربوط به حقوق بشر زنان را صادر کردند.

³ معاهدات منطقه‌ای حقوق بشر همچنین از سازوکارهای نظارت برای ارزیابی هم خوانی با مفادشان توسط دول تصویب کننده برخوردارند. این سازوکارها عبارتند از: کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر و دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر، شورای اروپا و دادگاه حقوق بشر اروپا. برخی کارهای این سازوکارها در مجلد حاضر اشاره شده است.

2. تعهدات جهانی

حقوق زنان موضوع پاره‌ای همایش‌های بین‌المللی قرار گرفته که تعهدات سیاسی شایان توجهی بر حقوق بشر و برابری زنان ایجاد کرده‌اند. این روند با همایش جهانی مکزیکو سیتی در سال بین‌المللی زنان (۱۹۷۵) آغاز شد که به برنامه اقدام جهانی و نامگذاری ۱۹۷۵-۱۹۸۵ به عنوان دهه ملل متحد برای زنان انجامید. در سال ۱۹۸۰، همایش بین‌المللی زنان دیگری در کپنهاگ برگزار شد و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان برای امضاء باز شد. همایش جهانی سوم درباره زنان در نایروبی برگزار شد، و کمیته رفع تبعیض علیه زنان کار خود را در سال ۱۹۸۲ آغاز کرد. این سه همایش جهانی شاهد کوشش‌های فوق‌العاده از سوی زنان از سراسر جهان بود و گستره را برای همایش‌های جهانی دهه ۱۹۹۰ برای پرداختن به حقوق زنان، از جمله چهارمین همایش جهانی زنان که در سال ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد فراهم کرد (نگاه کنید به موارد زیر). افزون بر این، از حقوق زنان عضو گروه خاص، مانند زنان سالمندتر، زنان اقلیت قومی یا زنان معلول نیز در دیگر اسناد گوناگون سیاست‌های بین‌المللی مانند برنامه‌های بین‌المللی اقدام برای سالمندی (وین، ۱۹۸۲ و مادرید ۲۰۰۲)، اعلامیه و برنامه اقدام دوربان (۲۰۰۱) و برنامه اقدام جهانی درباره معلولین (۱۹۸۲) سخن به میان آمده است.

الف. اعلامیه و برنامه اقدام وین⁴

در سال ۱۹۹۳، همایش جهانی حقوق بشر در وین برگزار شد. همایش به دنبال آن بود که سازوکار حقوق بشر آن زمان مورد بررسی قرار گیرد. کوشندگان حقوق زنان بسیج شدند تا اطمینان حاصل شود حقوق بشر زنان به گونه کامل در دستور کار جامعه بین‌المللی تحت شعار «حقوق زنان حقوق بشر است.» قرار دارد. به ویژه در مسئله خشونت علیه زنان، کوشندگان جامعه مدنی دادگاه‌هایی سازمان دادند تا زیر پا نهادن حقوق زنان، که پیش از این بدان پرداخته نشده بود، چرا که جزئی از فضای خصوصی، تابو یا به سادگی به عنوان بخش پذیرفته شده و گریز ناپذیر زندگی زنان در نظر گرفته می‌شد، در کانون توجهات قرار گیرد. همایش در تصویب اعلامیه و برنامه اقدام وین که اعلام می‌داشت «حقوق بشر زنان و دختران بخشی غیر قابل انکار، جدایی ناپذیر و غیر قابل تفکیک از حقوق بشر جهانی» است (بند ۱۸) پیروز بود و برای از بین بردن همه اشکال خشونت‌های بر پایه جنسیت، تاکید ویژه به عمل آورد. نکته مهم آنکه، برنامه اقدام همچنین «ریشه کن کردن هر گونه تعارض که ممکن است بین حقوق زنان و اثرات زیان بار بعضی رویه‌های سنتی یا عرفی، تعصبات فرهنگی و افراط‌گرایی آیینی بوجود آید» (بند ۳۸) را خواستار شده بود.

⁴ A/CONF.157/24 (Part I), chap. III.

ب. همایش بین المللی جمعیت و توسعه

همایش بین المللی جمعیت و توسعه، که در سال ۱۹۹۴ برگزار شد، نقطه عطفی در حقوق زنان به شمار می‌رفت. در حالی که همایش بر مسائل جمعیتی متمرکز شده بود، جلسه نمایندگان در قاهره توافق کرد که اجلاس جمعیت نه تنها بر شمار مردمان، بلکه مهمتر از آن، درباره خود مردم به بحث پردازد. مسائل مطروح در برنامه اقدام^۵ اساساً به حقوق بشر زنان، از جمله برابری جنسیتی، خانواده، بهداشت باروری، نظارت زاد و ولد و تنظیم خانواده، سلامت زنان، و همچنین مهاجرت و تحصیل زنان پیوند دارد. نکته مهم این است که برنامه اقدام به روشنی در گستره حقوق بشر بوده و اعلام می‌کند که «پیشبرد عدالت و برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان، و از بین بردن گونه های خشونت علیه زنان، و اطمینان یافتن از توانایی زنان برای نظارت بر باروری خود، سنگ بنای جمعیت و برنامه های توسعه ای شمار می‌روند.» همایش همچنین در بیان روشن حقوق توالد و تناسل مهم بود، آنجا که توضیح می‌داد «این امر بر پایه به رسمیت شناختن حق اساسی همه زوج ها و اشخاص برای تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در تعداد، فاصله و زمان تولد فرزندانشان و داشتن اطلاعات و امکانات انجام این کار، و حق دستیابی به بالاترین معیارهای سلامت جنسی و باروری است. حقوق مذکور همچنین حق آنان برای تصمیم گیری درباره تولید مثل دور از تبعیض، اجبار و خشونت را، آن سان که در اسناد حقوق بشر بیان شده است در بر می گیرد.»

برنامه اقدام مجموعه اهداف خاص برای موضوعات زیر است: ارائه آموزش جهانی؛ کاهش مرگ و میر نوزادان، کودکان و مادران؛ و تضمین دسترسی جهانی به مراقبت های بهداشت باروری، از جمله برنامه ریزی خانواده، کمک در زایمان و پیشگیری از بیماری های آمیزشی، از جمله HIV / ایدز، تا سال ۲۰۱۵. همایش های دیگری برای پیگیری و ارزیابی پیشرفت به سوی این اهداف، و سنجش نابرابری و نبود پاسخگویی چالش های مداوم در برابر دستاوردها تشکیل شده است.

ج. اعلامیه و برنامه اقدام پکن^۶

اعلامیه و برنامه اقدام پکن که در ماه سپتامبر سال ۱۹۹۵، در جریان چهارمین همایش جهانی زنان تصویب در ۱۲ گستره اجرای حقوق بشر زنان متمرکز شده است و برنامه کاری برای توانمندسازی زنان ارائه می‌دهد. اعلامیه و برنامه اقدام پکن بر پایه نتایج به دست آمده از سه همایش پیشین جهانی در امور زنان قرار گرفته است، اما به عنوان دستاوردی مهم در بیان آشکار حقوق زنان در قالب حقوق بشر در نظر گرفته شده است. برنامه اقدام مجموعه ای از اهداف راهبردی برای از بین بردن تبعیض علیه زنان و برابری بین زنان و مردان را دربر می‌گیرد. این امر راهبردهای سیاسی و حقوقی در مقیاس جهانی را بر پایه چارچوب حقوق بشری در بر دارد. برنامه اقدام فراگیرترین اعلام تعهد دولتها در گستره حقوق بشر زنان است.

^۵ Report of the International Conference on Population and Development, Cairo, 5–13 September 1994 (United Nations publication, Sales No. E.95.XIII.18), chap. I, resolution 1, annex.

^۶ Report of the Fourth World Conference on Women, Beijing, 4–15 September 1995 (United Nations publication, Sales No. E.96.IV.13), chap. I, resolution 1, annexes I and II.

بررسی‌های بعدی اجرای اعلامیه و برنامه اقدام پکن نشان داد که اگر چه پیشرفت‌های چشمگیری در برخی گستره‌های حقوق بشر زنان بدست آمده، «قوانین تبعیض آمیز و همچنین رویه‌های سنتی و عرفی زیان بار و قالب سازی‌های منفی زن و مرد به ویژه در گستره‌های حقوق خانواده، مدنی، جزایی، کار و قوانین تجاری یا قواعد و مقررات اداری هنوز هم پا بر جاست.»⁷ هر دو بررسی سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ برنامه اقدام این نتیجه رسیدند که برابری اسمی یا راستین در هیچ کشوری در جهان به دست نیامده و بررسی سال ۲۰۱۰ تشخیص داد حتی آنجا که اصلاحات قانونی صورت گرفته است، حقوق مربوط بیشتر به گونه غیرموثری اعمال می‌شود.⁸

د. اهداف توسعه هزاره

در سال ۲۰۰۰، جامعه بین المللی در تحقق هشت هدف زمان دار توسعه تا سال ۲۰۱۵، از جمله هدفی در برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان و همچنین، هدفی در کاهش مرگ و میر مادران به توافق رسید. هفت هدف از این دسته ارقام خاصی برای اندازه گیری پیشرفتشان دارند. اهداف توسعه هزاره اگرچه از دیدگاه حقوق بشری کاستی‌هایی دارند، تعهد سیاسی مهمی بشمار می‌آیند که پشتیبانی بین المللی در برابر برخی از بزرگترین ترین مشکلات جهان را تقویت کرده است.

درباره حقوق زنان، هدف سوم توسعه هزاره گسترش برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان است. با این حال، هدف آن تنها از بین بردن نابرابری جنسیتی در آموزش تا سال ۲۰۱۵ است. در حالی که دسترسی دختران به آموزش و پرورش برای دستیابی به برابری جنسیتی امری بایسته است، این هدف محدود در اندازه گیری پیشرفت و دستیابی به برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان ناکافی است. هدف سوم همچنین در بر دارنده شاخص‌هایی در سهم زنان در اشتغال در بخش غیر کشاورزی و در مجالس ملی است، اما این‌ها فاقد معیار یا ضرب الاجل است. مسائل مهم از جمله خشونت علیه زنان و قوانین تبعیض آمیز مورد بررسی واقع نشده است.

پنجمین هدف توسعه هزاره کاهش نسبت مرگ و میر مادران تا سه چهارم، بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ است. متأسفانه، در نشست عمومی سطوح بالای مجمع عمومی درباره اهداف توسعه هزاره، این هدف به عنوان خارج از مسیرترین همه اهداف شناخته شد، با وجود این حقیقت که دانش و ابزار در دسترسند تا بارداری و زایمان به تجربه‌ای امن برای زنان مبدل گردد. در سال ۲۰۱۰ میلادی، دبیر کل راهبرد جهانی برای بهداشت زنان و کودکان را راه اندازی کرده، اقدامات اساسی به سوی بهبودی سلامت زنان و کودکان در سراسر جهان مقرر ساخت.

همگرایی حقوق بشر و برابری جنسیتی در خلال اهداف توسعه هزاره و در دستور کار توسعه پس از سال ۲۰۱۵ کلید دستیابی به پیشرفت های چشمگیر است.

⁷ General Assembly Resolution S-23/3, annex, para. 27.

⁸ E/2010/4-E/CN.6/2010/02, paras. 307-310.

ه. همایش سازمان ملل متحد در توسعه پایدار

همایش سازمان ملل متحد در توسعه پایدار («ریو + ۲۰») در سال ۲۰۱۲ سران کشورها و دولت‌ها را به برزیل آورد، تا به ارزیابی پیشرفت در اجرای توافقات بعمل آمده از زمان همایش سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۲ درباره محیط زیست و توسعه در ریو دو ژانیرو پردازند. در «ریو + ۲۰»، کشورها تعهد سیاسی شان به توسعه پایدار را تجدید کرده، برای ایجاد مجموعه‌ای از اهداف توسعه پایدار توافق کردند و گستره سیاسی سطح بالایی برای توسعه پایدار فراهم آوردند. نکته مهم آنکه، سند نهایی تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»^۹، نیز دوباره بر تعهدات دولت‌ها به «حقوق برابر زنان، دسترسی و فرصت‌هایی برای مشارکت و رهبری در گستره‌های اقتصاد، جامعه و تصمیم‌گیری سیاسی» تاکید ورزید و شتاب دادن به اجرای تعهدات در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، برنامه اقدام پکن و اعلامیه هزاره را مورد اشاره آشکار قرار داد. سند نهایی همچنین اشعار داشته «برابری جنسیتی و مشارکت مؤثر زنان برای اقدام مؤثر در همه جنبه‌های توسعه پایدار مهم است» و خواستار لغو قوانین تبعیض آمیز و تضمین دسترسی برابر زنان به عدالت می‌شود.

^۹ General Assembly resolution 66/288, annex.

3. ارکان سازمان ملل متحد

الف. شورای حقوق بشر و ساز و کارهای آن

شورای حقوق بشر سازمان بین دولتی اصلی ملل متحد برای گسترش و پشتیبانی از حقوق بشر است. با ۴۷ دولت انتخاب شده از سوی مجمع عمومی، شورای حقوق بشر به گونه منظم گروه‌های مطالعاتی ویژه‌ای جهت بررسی حقوق زنان و همگرایی دیدگاه جنسیتی از زمان ایجاد آن در سال ۲۰۰۶ تشکیل می‌دهد. همچنین قطعنامه‌های بسیاری از سوی شورا و سلف خود، کمیسیون حقوق بشر، وجود دارد که از دولت‌ها می‌خواهد تعهدات مربوط به حقوق زنان را اجراء کنند. این گفت و گوها و قطعنامه‌های حفظ حقوق زنان در دستور کار بین المللی مهم است. شورای حقوق بشر همچنین اختیار دارد جلسات ویژه برای رسیدگی به زیر پا نهادن حقوق بشر و موارد اضطراری را تشکیل دهد. این جلسات ویژه، در برخی موارد، فرصت بررسی موارد زیر پا نهادن حقوق زنان را فراهم آورده اند. به عنوان نمونه، جلسه ویژه در امور دارفور، سودان، به تقدیم گزارش هیئت‌های عالی رتبه درباره وضعیت حقوق بشر انجامید که در آن نگرانی‌های خاص درباره تجاوز و خشونت جنسی، و نبود دسترسی به عدالت در برابر ارتکاب این جنایات مطرح شده است (/ HRC / A / ۸۰ / ۴، بند ۳۹). جلسه ویژه برای جمهوری دموکراتیک کنگو همچنین به تهیه گزارش درباره وضعیتی انجامید که درباره خشونت جنسی و نابرابری جنسیتی ابراز نگرانی شدید می‌کرد (/ HRC / A / ۱۰۰ / ۵۹، بندهای ۳۵-۴۲ و / HRC / A / ۱۳ / ۶۳، بندهای ۲۶-۳۴). افزون بر این، شورای حقوق بشر اخیراً کمیسیون‌های تحقیق در امور لیبی و در امور جمهوری عربی سوریه را تعیین کرده، تا موارد زیر پا نهادن حقوق بشردوستانه و حقوق بشر از سوی همه طرف‌های درگیر که در طول درگیری‌ها داخلی در هر دو کشور در سال ۲۰۱۱ به وقوع پیوسته است را بررسی کنند. بسیاری کمیسیون‌های تحقیق در خشونت‌های جنسی و جنسیتی متخصصی دارند، و گزارش‌هایشان یافته‌هایی در گستره خشونت بر پایه جنسیت و توصیه‌هایی درباره ابعاد جنسیتی پاسخگویی و عدالت انتقالی در بر دارد (/ HRC / A / ۱۹ / ۶۸ و / HRC / A / ۱۹ / ۶۹).

بررسی دوره‌ای جهانی (UPR)، روشی که با تشکیل شورای حقوق بشر ایجاد شده است، هم فرصت‌های مهم برای ارزیابی همخوانی مقررات دولت‌ها با تعهدات بین المللی شان در امور مربوط به حقوق بشر زنان را فراهم می‌آورد. بر پایه این سازوکار، وضعیت حقوق بشر در همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد هر چهار سال و نیم بررسی می‌شود. حقوق زنان در بین مسائل بیشتر طرح شده در توصیه‌های UPR است.

ماموران رویه‌های ویژه توسط شورای حقوق بشر منصوب می‌شوند تا به بررسی مسائل موضوعی خاص یا وضعیت حقوق بشر در کشوری خاص پردازند¹⁰.

آن‌ها پژوهش‌های موضوعی انجام داده، ماموریت‌های کشوری به انجام رسانده، در گفت‌وگو با دولت‌ها در موارد فردی و یا نگرانی‌های ساختاری گسترده‌تر شرکت کرده، در پشتیبانی و کمک به توسعه حقوق بین‌الملل بشر داخل می‌شوند. برخی ماموریت‌های رویه‌های ویژه مانند ماموریت گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن، ماموریت گزارشگر ویژه درباره قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، و ماموریت کار گروه مسئله تبعیض علیه زنان در قانون و در عمل به گونه خاص با حقوق زنان سروکار دارند. دیگر ماموریت‌ها در کار خود به حقوق زنان و جنسیت توجه ویژه نشان داده‌اند، به ویژه در انجام پژوهش‌های موضوعی درباره زنان و حقوق اختصاصی بشر، با اطمینان یافتن از توجه به حقوق زنان در کشورهای محل بازدیدشان، و برقراری ارتباط با دولت‌ها در موارد خاص زیر پا نهادن حقوق بشر زنان.

کار ماموران روش‌های ویژه کمک می‌کند آگاهی بهتری از حقوق بین‌الملل بشر، که بازتاب دهنده تفاسیر در حال تحول برای توجه به تجربه زنان و موارد نفی حقوق بشری شان بوده بدست آوریم. نمونه‌های گوناگون این کمک در زیر مشخص شده است.

ب. شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد یک رشته قطعنامه‌های ویژه مربوط به زنان، صلح و امنیت به تصویب رسانیده است. در سال ۲۰۰۰، شورای امنیت به اتفاق آرا قطعنامه ۱۳۲۵ را به تصویب رساند که در آن خواسته شده بود مشارکت زنان در همه جنبه‌های جلوگیری از وقوع و حل کشمکش‌ها افزایش یابد و دیدگاه جنسیتی در همه تلاش‌های صلح و امنیت سازمان ملل متحد، و همچنین در مذاکرات و اجرای توافقات صلح در نظر گرفته شود. قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) و قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت و گزارش‌های دبیر کل سازمان ملل متحد در این موضوع هم از همه طرف‌های درگیری می‌خواهد اقدامات ویژه پشتیبانی از زنان و دختران در برابر خشونت بر پایه جنسیت در درگیری‌های مسلحانه را انجام دهد، و در همان زمان نقش مهم زنان در فرآیند صلح را به عنوان عوامل تغییر مورد شناسایی قرار دهد.¹¹

ج. کمیسیون درباره وضعیت زنان

کمیسیون وضعیت زنان بموجب قطعنامه ۱۱/۰۲ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد «برای تهیه توصیه و گزارش‌ها به [شورا] در گسترش حقوق زنان در گستره‌های سیاسی، اقتصادی، مدنی، اجتماعی و آموزشی» در سال ۱۹۴۶ گرد هم آمد. کمیسیون همچنین باید به شورا در «مشکلات فوری نیازمند توجه فوری در گستره حقوق زنان» توصیه ارائه دهد. کمیسیون یک بار در سال گردهم می‌آید و نتیجه گیری‌های توافق شده در موضوعات اولویت دار تعیین شده برای هر سال را صادر می‌کند. نتیجه گیری‌های توافقی در بر دارنده ارزیابی پیشرفت، شکاف‌ها و چالش‌ها، و همچنین توصیه‌های قطعی به دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، جامعه مدنی و دیگر ذینفعان است. این کمیسیون همچنین قطعنامه‌هایی در گونه‌های مسائل مربوط به حقوق زنان تصویب می‌کند. کمیسیون در طول تاریخ خود، در گسترش حقوق زنان نقش اساسی داشته، به درج نکات سرنوشت ساز حقوقی و

سیاسی در اسناد بین المللی مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، اعلامیه در باره محو خشونت علیه زنان و اعلامیه و برنامه های اقدام پکن پرداخته است.

4. مفاهیم کلیدی

در گذشته، حقوق بشر به نحوی تفهیم شده بود که زندگی زنان و این حقیقت که زنان به گونه معمول در معرض خشونت، تبعیض و ظلم قرار دارند در شمار نمی‌آمد. در نتیجه، چارچوب‌های حقوق بشری به تجارب زنان تا تقریباً همین اواخر به اندازه بسنده نپرداخته بود. تلاش کوشندگان، سازوکارهای حقوق بشری و دولت‌ها در اطمینان یافتن از اینکه چارچوب حقوق بشر آن اندازه رشد کرده و تنظیم شده تا ابعاد خاص جنسیتی موارد زیر پا نهادن حقوق بشر را به منظور پشتیبانی بهتر از زنان دربرگیرد بسیار مهم بوده است. تضمین موثر حقوق زنان نیازمند آگاهی فراگیر از ساختارهای اجتماعی بنیادین و روابط قدرتی بوده که توانایی زنان برای بهره‌مندی از حقوق بشری شان را تقویت کرده است. این ساختارهای قدرت بر همه جنبه‌های زندگی، از حقوق و سیاست، تا سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، خانواده و زندگی اجتماعی تاثیر گذاشته است.

بخش‌های زیر به بررسی برخی مفاهیم کلیدی می‌پردازد که برای گسترش و پشتیبانی از حقوق بشر زنان بسیار مهم بشمار می‌آید.

الف. افتراق عمومی و خصوصی

حقوق بشر کارگزاران دولتی را به احترام، پشتیبانی و اجرای موازین حقوق بشری و قواعد آن در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی ملتزم کرده است.

از لحاظ تاریخی، این مجموعه قواعد و نظارت همزمان آن بر اقدامات مستقیم عوامل دولت، بر پایه شدت ارتکاب یا قصد مرتکب، از جمله بر قتل، شکنجه و بازداشت خودسرانه متمرکز شده است. تعهد دولت‌ها بر احترام به حقوق بشر، از جمله به حقوق زنان، به تعهد خودداری از انجام هر کاری که می‌تواند این حقوق را نقض کند اشاره دارد. اشتباهی که در گستره خصوصی بدون هیچ گونه مداخله مستقیم ماموران دولت ارتکاب یابد زیر پا نهادن حقوق بشر در نظر گرفته نشده است. با این حال، از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، جنبش حقوق زنان به گونه فزاینده این تفسیر حقوق بشری را به عنوان تداوم زیر پا نهادن حقوق بشر زنان با منشاء تعصب مردانه مورد انتقاد قرار داده است.¹²

اکنون مشخص شده تعهدات کشورها برای پشتیبانی و تحقق حقوق بشر به روشنی‌تر بر دارنده تکلیف پشتیبانی از زنان در برابر زیر پا نهادن حقوق بشر توسط اشخاص ثالث، از جمله در گستره خصوصی و برداشتن گام‌های مثبت برای تحقق حقوق بشر است. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان هم اعمال دولتی و هم خصوصی را پوشش می‌دهد. ماده ۲ (E) به گونه خاص به تعهدات دولت‌ها به برخورد با تبعیض علیه زنان پیوند دارد که هر شخصی، سازمان یا شرکتی مرتکب شده باشد، و ماده ۲ (F) آن پیوند دارد به اصلاح و لغو نه تنها قوانین و مقررات تبعیض آمیز، بلکه آداب و رسوم و شیوه‌ها. ماده ۵ (A) آن از دولت‌ها می‌خواهد «به

¹² Sheila Dauer, "Indivisible or invisible: women's human rights in the public and private sphere", in *Women, Gender, and Human Rights: A Global Perspective*, Marjorie Agosin, ed. (Rutgers University Press, 2001).

تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان، با توجه به دستیابی به از بین بردن تعصبات و همه رسوم دیگر پردازند که بر پایه اندیشه برتری یا فرودستی هر کدام از دو جنس و یا در نقش‌های قالبی برای مردان و زنان» شکل گرفته است.

کمیته رفع تبعیض علیه زنان و همچنین دیگر نهادها و ساز و کارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد مشاهده کرده‌اند دولت‌ها برای رسیدگی به اعمال اشخاص خصوصی تعهداتی دارند. به ویژه، توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) کمیته رفع تبعیض علیه زنان درباره خشونت علیه زنان اشعار می‌دارد «دولت‌ها همچنین ممکن است مسئول اعمال خصوصی باشند در صورتی که موفق به کوشش در جلوگیری از زیر پا نهادن حقوق... نشوند». همچنین، کمیته حقوق بشر در نظر عمومی شماره ۳۱ (۲۰۰۴) خود بر طبیعت تعهد عام حقوقی وضع شده برای کشورهای عضو این میثاق تاکید کرد، دولت‌ها هم به شکل مثبت و هم به شکل منفی متعهدند از زیر پا نهادن حقوق بشر خودداری کرده از جمله با پشتیبانی از صاحبان حقوق مقابل اقدامات ارتكابی اشخاص حقیقی یا حقوقی، حقوق بشر را پشتیبانی و محقق کنند. بموجب حقوق بشر، معیار دقت و سعی برای تعیین این است که آیا دولت گام موثری برای پیروی از تعهدات حقوق بشری‌اش، به ویژه تعهد به پشتیبانی برداشته است یا خیر.

ب. جهانشمول بودن حقوق بشر

از زمان تصویب اعلامیه جهانی، دولت‌ها پیوسته بر جهانی و تفکیک ناپذیر بودن حقوق بشر تاکید کرده‌اند. در همایش جهانی وین، آن‌ها به گونه خاص اذعان داشتند حقوق بشر زنان بخشی از حقوق بشر جهانی است و پس از آن هم از جمله در چهارمین همایش جهانی زنان، بر این مهم دوباره تاکید ورزیدند. همانطور که در بالا ذکر شد، برنامه اقدام وین همچنین به روشنی بر اهمیت ریشه کن کردن «هر گونه تعارض که ممکن است بین حقوق زنان و اثرات زیان بار برخی شیوه‌های خاص سنتی یا عرفی، تعصبات فرهنگی و افراط‌گرایی آیینی بوجود آید» تاکید کرده است.

با وجود این تعهدات دولت‌ها، از زمانی که دولت‌ها تلاش کرده‌اند زیر پا نهادن حقوق زنان تحت عنوان فرهنگ را توجیه کنند مقوله جهانشمولی بیشتر مطرح شده است. گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان در گزارش خود بر رویه‌های فرهنگی درون خانواده که نسبت به زنان خشن بوده (E/CN.4 / ۲۰۰۲/۸۳) به ختنه زنان، قتل‌های به اصطلاح ناموسی زنان، ترجیح اولاد پسر و شکار (تعقیب و آزار) زنان جادوگر به عنوان نمونه‌هایی از آداب و رسومی اشاره می‌کند که به بهانه تعلق به یک فرهنگ خاص از آن دفاع شده است. قالبها و هنجارهای فرهنگی که نقش تجویزی برای زنان در جامعه القاء می‌کنند تاثیر منفی هم بر برخورداری زن از حقوق بشری‌اش دارند. به عنوان نمونه، نبود دسترسی دختران به آموزش‌گاهی اوقات بر این فرض توجیه شده است که آنان به عنوان مادر و همسر، وارد نیروی کار نمی‌شوند و در نتیجه به آموزش نیاز ندارند.

جهانشمولی حقوق بشر و اعتبار آن در یک گستره خاص محلی بیشتر در معرض مجادله و گفت و گو‌هایی نسبت‌گرا بوده که آن‌ها را تحت عنوان

اندیشه‌های خارجی غیرقابل همخوانی با فرهنگ محلی برچسب می‌زند¹³. با این حال، گزارشگر ویژه در گستره حقوق فرهنگی در برابر گفتمان‌هایی که حقیقت ایستا بودن و تغییرات فرهنگ و در طول زمان را نادیده می‌گیرند هشدار داده است. او همچنین به نبود نفوذ زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری اشاره دارد (/ ۶۷A / ۲۸۷) که فرهنگ هر جامعه را تعریف می‌کند.

همانطور که پیش از این ذکر شد، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان از دولت‌ها می‌خواهد به «اقدامات شایسته ای برای تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان، با هدف از بین بردن تعصبات و رسوم و همه شیوه‌های دیگر که بر پایه اندیشه فرودستی یا برتری هر یک از دو جنس و یا در نقش‌های قالبی برای مردان و زنان» شکل گرفته است دست یازند. کمیته، در توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) خود، در اظهارنظر نسبت به ماده ۲ (F، ۵ و ۱۰ (C) مشعر بر اینکه رویکردها و رویه‌هایی که بر پایه آن زنان وابسته به مردانند از در بند بودن زنان در جامعه پشتیبانی می‌کنند، و در نتیجه حقوق زنان، برابری جنسیتی و نبود تبعیض را نادیده می‌گیرند، با ذکر شیوه‌های خشونت و سوء استفاده خانوادگی، ازدواج اجباری، کشتن زوجه بعد از مرگ زوج، حمله با اسید و ختنه کردن زنان این رویه‌ها را نکوهش می‌کند. کمیته همچنین در اظهارنظر بر ماده ۱۲ در حق به سلامت، بیان کرده برخی شیوه‌های سنتی تداوم یافته با فرهنگ و سنت برای سلامت زنان و کودکان زیان بار است. این شیوه‌ها عبارتند از محدودیت‌های رژیم غذایی برای زنان باردار، اولویت برای داشتن اولاد پسر و ختنه یا نقص عضو جنسی زنان.

گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، در گزارش درباره همسویی فرهنگ و خشونت علیه زنان، استدلال می‌کند که ممکن است حقوق بشر را با فرهنگ به مذاکره وارد کرد، و جنبه‌های تبعیض آمیز و ستمگرانه را به چالش کشید در حالی که جنبه‌های مثبت آن را حفظ کرد. او نتیجه می‌گیرد «به خطر انداختن حقوق زنان یک گزینه نیست. بنابراین، چالشی که امروز روبروی ما قرار دارد این است که به فرهنگ‌های متنوعمان احترام بگذاریم و قدردان آن باشیم در حالی که راهبردهای مشترکی برای پایداری در برابر اعمال ستمگرانه تحت عنوان فرهنگ طرح کرده در حالی که دست اندازی اندیشه‌ها برپایه قوم‌مداری را رد می‌کنیم به گسترش و پشتیبانی از حقوق بشر جهانی پردازیم» (/ HRC / ۴A / ۳۴ بند ۷۱)¹⁴.

گزارشگر ویژه در گستره حقوق فرهنگی نیز تعامل اصل جهانشمولی حقوق بشر، به رسمیت شناختن و اعمال حقوق فرهنگی و نیاز به احترام به تنوع فرهنگی را مورد بحث قرار داد (/ HRC / ۱۴A / ۳۶). گزارشگر ویژه گسترش جهانی و پشتیبانی از حقوق بشر، از جمله حقوق فرهنگی و احترام به تنوع فرهنگی را تقویت کننده یکدیگر می‌داند. او با یادآوری اعلامیه و برنامه اقدام وین، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی و قطعنامه

¹³ See "Intersections between culture and violence against women" (A/HRC/4/34).

¹⁴ See also OHCHR, *Fact Sheet No. 23: Harmful Traditional Practices Affecting the Health of Women and Children*, and Committee on the Elimination of Discrimination against Women, general recommendation No. 14 (1990) on female circumcision.

۲۳/۱۰ شورای حقوق بشر ثابت می‌کند احترام به حقوق فرهنگی یا تنوع فرهنگی نباید جهانشمولی حقوق بشر را نادیده انگارد.

ج. نبود تبعیض و برابری بین زنان و مردان

نبود تبعیض بین زنان و مردان و برابری شان از اصول محوری حقوق بشر است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر دو تبعیض بر پایه جنسیت را ممنوع کرده‌اند و تضمین برابری زنان و مردان در برخورداری از حقوق تحت پوشش میثاق را مقرر ساخته‌اند. ماده ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز برابری در پیشگاه قانون و پشتیبانی قانونی یکسان را مقرر نموده است.

تعریف تبعیض در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در بر دارنده گونه های اقدامات تبعیض آمیز ممکن است (هر گونه تمایز، محرومیت یا محدودیت) که هدف و یا اثر راستین تبعیض علیه زنان را آشکارا داشته باشد. کنوانسیون فراتر از دیگر معاهدات حقوق بشر می‌رود، آنجا که به توصیف جزئیات تعهدات دولت و اقدامات لازم الاجراء برای دستیابی به برابری جنسیتی در عمل پرداخته است. این کنوانسیون نه تنها برابری بین زنان و مردان را الزامی کرده، بلکه شیوه‌های تقویت کننده نابرابری زنان را ممنوع کرده است. برابری بنیادین جنسیتی و برابری رسمی جنسیتی، و همچنین تبعیض عملی و تبعیض قانونی، مفاهیم محوری در چارچوب برابری کنوانسیون به شمار می‌روند.

تبعیض و نابرابری به روش‌های گوناگون می‌تواند پیدا شود. تبعیض می‌تواند از راه قانونی و با مقررات مستقیما تبعیض آمیز، مانند زمانی که یک قانون یا سیاست بین گروه‌های خاصی محدودیت، ترجیح و یا تمایز قائل می‌شود، مانند منع زنان از رانندگی، مالکیت زمین و یا به ارث بردن اموال رخ دهد. اطمینان یافتن از برابری رسمی به از بین بردن همه مصادیق تبعیض از منظر قانونی نیازمند است. در حالی که پیشرفت‌های بسیاری برای از بین بردن قوانین تبعیض آمیز شده است، بسیاری از آن‌ها باقی مانده و اصلاحشان باید از اولویت دارترین موضوعات برای دولت‌ها در عمل به تعهدات حقوق بشری شان باشد¹⁵.

قوانین، سیاست‌ها یا برنامه‌ها همچنین می‌تواند اثرات زیان باری بر زنان داشته باشد حتی اگر از لحاظ جنسیتی خنثی به نظر رسد. طرح چنین برنامه‌هایی عملا تبعیض شناخته شده است. به عنوان نمونه، برنامه‌های کمکی که منافع را برای «سرپرست خانوار» توزیع می‌کند، ممکن است زنان را به گونه برابر بهره‌مند نسازد چرا که مردان بیشتر به عنوان سرپرست خانواده محسوب می‌شوند. همچنین، با توجه به نمایندگی

نامتناسب زنان در بین کسانی که در تنگدستی زندگی می‌کنند، طرح اعطای وام‌های دولت برای خرید زمین به سبب هزینه بر بودن ممکن است برای زنان غیر قابل دسترس باشد، اگرچه این طرح برای هم مردان و هم زنان باز گذاشته شده باشد.

دستیابی به برابری اساسی نیازمند در نظر گرفتن نابرابری‌های تاریخی و نیز شرایط کنونی زنان در یک گستره خاص است. برابری بنیادین ممکن است نتیجتاً اقتضای عمل مثبت توسط دولت برای رسیدگی به معایب و نیازهای خاص زنان را داشته باشد.¹⁶ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در بر دارنده برابری بنیادی، شناسایی این امر که قوانین مربوط به جنسیت خنثی می‌تواند اثرات تبعیض آمیز داشته باشند و اینکه برابری رسمی برای پرداختن به آن‌ها کافی نیست. نظر شماره (۲۰۰۴) ۲۵ کمیته عمومی بر ماده ۴ درباره اقدامات ویژه زمان دار و همچنین ماده ۵ در اصلاح الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان، بر تعهد به برابری بنیادین تاکید می‌ورزد.¹⁷

کمیته رفع تبعیض علیه زنان روشن کرده است که، برای رسیدن به برابری راستین، علل بنیادین نابرابری زنان باید مورد رسیدگی و افع گردد. بسنده نیست رفتار یکسان با مردان را تضمین کرد. در نظر این کمیته، کنوانسیون نیازمند آن است که به زنان آغازی برابر داده شود و همچنین اینکه دولت محیط مساعدی برای توانمند سازی زنان باید فراهم سازد تا به (که همچنین به برابری محصول موسوم است) برسد. به گفته کمیته، برابری نتایج پیامد منطقی یا عملی است. اشتباهات تاریخی و نابرابری‌ها را از راه اقدامات ویژه، با دادن مزایا به زنان به گونه زمان دار، و دسترسی آنان به فرصت‌هایی که به گونه سنتی دور از دسترسشان بوده می‌توان اصلاح کرد. دستیابی به برابری اساسی به تغییر در نگرش‌ها، در نقش‌های جنسیتی و در قالبها نیاز دارد؛ تغییر اساسی اجتماعی که منجر به تغییر در حقیقت خارجی زندگی زنان خواهد شد.

منبع:

Committee on the Elimination of Discrimination against Women, general recommendation No. 25 (2004) on temporary special measures.

کمیته حقوق بشر، در اظهار نظر کلی شماره ۱۸ (۱۹۸۹) خود در نبود تبعیض، و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در اظهار نظر کلی خود به شماره ۱۶ (۲۰۰۵) درباره حقوق برابر مردان و زنان برای بهره‌مندی از همه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در اظهار نظر کلی شماره ۲۰ (۲۰۰۹) بر نبود تبعیض در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همان اصل برابری بنیادین را بیان کرده‌اند، آنجا که نبود

¹⁶ See Leilani Farha, "Committee on the Elimination of Discrimination against Women", in *Social Rights Jurisprudence: Emerging Trends in International and Comparative Law*, Malcolm Langford, ed. (Cambridge University Press, 2008), pp. 560–561.

¹⁷ *Ibid.*, p. 562.

تبعیض و بهره‌مندی برابر زنان و مردان از حقوق مدنی و سیاسی، و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تضمین می‌کنند.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در توضیحات کلی خود به شماره ۱۶ (۲۰۰۵) بیان داشت که کشورهای عضو میثاق به از بین بردن تبعیض مستقیم و غیر مستقیم متعهد می‌باشند. آن‌ها باید از درگیر شدن در کوشش‌های تبعیض آمیز خودداری کرده، اطمینان حاصل کنند اشخاص ثالث به شیوه ممنوع تبعیض قائل نمی‌شوند و اقدامات مثبت برای تضمین برابری زنان را بعمل می‌آورند. کمیته همچنین به تشریح چگونگی تعهد به تضمین برابری درباره مقررات گوناگون میثاق می‌پردازد. توضیحات کلی شماره ۲۰ (۲۰۰۹) آن نیز به اهمیت پرداختن به تبعیض مستقیم و غیر مستقیم در قوانین، سیاست‌ها، شیوه‌ها و تبعیض‌های بسیار اشاره داشته است، که یک موضوع به ویژه تاثیر گذار بر زنان است.

هنگامی رخ می‌دهد که تفاوت در رفتار به گونه مستقیم و به روشنی بر تمایزات منحصر بر پایه جنسیت و ویژگی‌های مردان یا زنان اتکاء دارد و به طور عینی قابل توجیه نیست.

زمانی رخ می‌دهد که یک قانون، سیاست یا برنامه تبعیض آمیز به نظر نمی‌رسد، اما اثر تبعیض آمیزی هنگام اجراش دارد. این امر به عنوان نمونه می‌تواند هنگامی رخ دهد که زنان نسبت به مردان در برخورداری از یک فرصت یا منفعت خاص به دلیل نابرابری‌های از پیش موجود محرومند... قانون خنثی از نظر جنسیت گرایي ممکن است نابرابری‌های موجود را منع و یا آن را تشدید کند.

منبع:

Committee on Economic, Social and Cultural Rights, general comment No. 16 (2005).

کمیته حقوق بشر در اظهارات کلی شماره ۲۸ (۲۰۰۰) خود در برابری حقوق زنان و مردان، روشن می‌کند که کشورهای عضو نه تنها باید موانع برابری را حذف کنند، بلکه آن‌ها همچنین به اتخاذ اقدامات مثبت برای تضمین برابری تعهد دارند. کمیته سپس مشخص می‌کند «کشورهای عضو باید اطمینان یابند که رویکرد سنتی، تاریخی، آیینی یا فرهنگی برای توجیه زیر پا نهادن حقوق زنان به برابری در برابر قانون و به بهره‌مندی برابر از حقوق میثاق استفاده نمی‌شود». کمیته پس از آن به تشریح تعهدات خاص برای اطمینان از حقوق برابر زنان در ارتباط با مواد گوناگون میثاق می‌پردازد.

د. برابری و انصاف

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نیازمند آن است که زنان از حقوقی برابر با مردان برخوردار و در بهره‌مندی عملی از همه حقوق خود توانمند باشند. در حالی که معاهدات بین المللی حقوق بشر به

«برابری» اشاره می‌کنند، در بخش‌های دیگر اصطلاح «انصاف» است که بیشتر استفاده می‌شود.

اصطلاح «برابری جنسیتی» در بعضی مواقع در شکلی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به استمرار قالب نقش زنانه در جامعه بیانجامد، یعنی نشان می‌دهد با زنان باید «منصفانه» و هم راستا بانقش‌هایی که بر عهده دارند رفتار شود¹⁸.

این شیوه ادراک، خطر تداوم روابط نابرابر جنسیتی و تقویت قالب‌های جنسیتی مخل به حال زنان را دامن می‌زند. کمیت‌ه رفع تبعیض علیه زنان در توصیه‌های کلی و مشاهدات پایانی درباره کشورهای گوناگون، بر این امر تاکید کرده است، مثلاً در توصیه عمومی شماره ۲۸ (۲۰۱۰) درباره تعهدات بنیادین کشورهای عضو طبق ماده ۲ کنوانسیون، که اشعار داشته «از کشورهای عضو خواسته می‌شود مفاهیم برابری زنان و مردان یا برابری جنسیتی را به طور انحصاری استفاده کنند و از مفهوم تناسب جنسیتی در اجرای تعهدات خود تحت کنوانسیون استفاده نکنند.» برابری جنسیتی به عنوان تعریف حقوقی مورد استفاده در کنوانسیون، نمی‌تواند با تناسب، که یک مفهوم مشروط به معیارهای ذهنی است جایگزین شود¹⁹.

برخی ذی نفعان هم به کارگیری واژه تناسب را بعلت سوء برداشت از اینکه برابری جنسیتی به معنای رفتار یکسان با زنان و مردان است، به جای در نظر گرفتن شرایط راستین زنان و مردان، نیکوتر دانسته اند. همانطور که در بالا توضیح داده شد، برابری بنیادین، معیاری که باید هم راستا باحقوق بشر رعایت شود، نیازمند اقدام برای دستیابی به برابری در نتایج است. این امر می‌تواند چنین معنا داشته باشد که با زنان و مردان به منظور جبران تبعیض تاریخی و یا در شمار آوردن تفاوت‌های زیست‌شناختی زنان، همیشه دقیقاً به یک نحو رفتار نمی‌شود.

" به طور ذاتی، اصل
به این مفهوم است که همه انسان‌ها، بدون در نظر گرفتن
جنسیتشان، در پرورش توانایی‌های شخصی، ادامه مشاغل حرفه‌ای و انتخاب
بدون محدودیت وضع شده توسط قالب‌ها، و از نقش‌های جنسیتی سخت و
تعصبات آزادند." ²⁰ مفهوم برابری بین زنان و مردان مشعر بر هر دو
گونه برابری رسمی و اساسی است.

" ضرورت اخلاقی از بین بردن تفاوت‌های ناعادلانه بر پایه اصول انصاف و عدالت است. انصاف نیازمند تمرکز بر محروم‌ترین و تنگدست‌ترین هاست. بسیاری از {سازمان‌های توسعه محور} انصاف را در راس دستور کار خود قرار داده‌اند. با این حال، از دیدگاه حقوق بشری، تکیه بر انصاف خطرات ویژه‌ای به همراه دارد، چرا که تعریف آن مفهوم انعطاف پذیری است که از نظر حقوقی الزام آور نیست. در حالی که انصاف ممکن است عدالت را به ذهن متبادر سازد، ممکن است خواست‌های حقوقی را اگر به صورت جداگانه از برابری و نبود تبعیض در نظر گرفته شود تعدیل کرده به طور خودسرانه و با توجه به مصالح سیاسی و جهان بینی تعریف شود.²¹"

" در بعضی گستره‌های قضایی برای اشاره به رفتار عادلانه با زنان و مردان، با توجه به نیازهای آنان، استعمال می‌شود. این اصطلاح ممکن است رفتار برابر، یا رفتاری که متفاوت است اما از نظر حقوق، منافع، تعهدات و فرصت‌های معادل را در بر داشته باشد.²²"

ه. جنسیت

جنسیت به هویت‌های اجتماعی، ویژگی‌ها و نقش‌های ساخته شده برای زنان و مردان اشاره دارد. واژه جنس قابل جایگزینی با واژه زنان نیست. معنای اجتماعی و فرهنگی جامعه در تعبیر این تفاوت‌های زیستی، سلسله مراتبی در روابط بین زنان و مردان و در توزیع قدرت و حقوق به نفع مردان و علیه زنان را به وجود آورده است. این موضع گیری اجتماعی زنان و مردان تحت تاثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، آیینی، جهان بینی و زیست محیطی قرار داشته، می‌تواند با فرهنگ، جامعه و اجتماع تغییر یابد.

ساخت‌های جنسیتی پویا و سیالند. آن‌ها در طول زمان تغییر می‌یابند و در فرهنگ‌های گوناگون می‌توانند متفاوت باشند. به عنوان نمونه ای از تفاوت‌های آموخته شده در اجتماع، نقش زنان در بیشتر جوامع به گونه سنتی به مراقبت از خانواده و کودکان محدود شده است، در حالی که نقش مردان تامین معیشت خانواده با کار در خارج از خانه بوده است. در بیشتر جوامع، این برداشت سنتی از نقش‌های زنان و مردان تغییر یافته و به گونه مداوم در حال تحول است.

کند و کاو حقوق بین الملل و قوانین بین المللی حقوق بشر از دیدگاه جنسیتی مهم است، زیرا تحلیل جنسیتی کمک می‌کند تا آگاه شویم چگونه زنان و مردان زیر پا نهادن حقوق بشر را به طور متفاوت تجربه می‌کنند و همچنین تاثیر تفاوت‌هایی مانند سن، طبقه اجتماعی، آیین، فرهنگ و مکان بر این گونه موارد زیر پا نهادن بنظر می‌آید. این امر روابط بر پایه سلسله مراتب و نابرابری و نقش بین مردان و زنان،

²¹ Catarina de Albuquerque, "The Future is Now: Eliminating inequalities in sanitation, water and hygiene", October 2012. Available from www.ohchr.org.

²² Committee on the Elimination of Discrimination against Women, general recommendation No. 28 (2010) on the core obligations of States parties under article 2 of the Convention, para. 22.

ارزش نابرابر داده شده به کار زنان، و دسترسی نابرابر زنان به قدرت و تصمیم گیری و همچنین اموال و منابع را برجسته و بررسی می‌کند. همگرایی جنسیتی یا همگرایی به ارزیابی تأثیر قوانین سیاستها و برنامه‌های گوناگون، بر گروه‌های مردان و زنان، همانطور که در چهارچوب زیر توضیح داده شده کمک می‌کند.

روند ارزیابی پیامدهای دخالت زنان و مردان در هرگونه اقدام برنامه ریزی شده، از جمله قوانین، سیاستها یا برنامه‌ها، در همه گستره‌ها و در همه سطوح است. این راهبردی است برای تبدیل نگرانی و تجربه‌های زنان و همچنین مردان به یک بعد جدایی ناپذیر از طراحی، اجراء، نظارت و ارزیابی سیاستها و برنامه‌ها در همه گستره‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به طوری که زنان و مردان به گونه برابر بهره‌مند شده نابرابری دوام پیدا نکند. هدف نهایی رسیدن به برابری بین مردان و زنان است. همگرایی جنسیتی به عنوان یک راهبرد و روش به طور نظری به معنی تأکید بر تجارب زنان نیست. با این حال، با توجه به تفاوت‌های اجتماعی ساخته شده و روابط بین زن و مرد در بسیاری از جوامع دنیا، در عمل بیشتر به تمرکزی خاص بر زنان منجر می‌شود، چرا که بیشتر به طور منفی بموجب نابرابری‌های جنسیتی موجود تأثیر می‌پذیرند.

جنسیت همچنین یک اصطلاح مهم است برای اینکه در گستره هویت جنسی آگاهی درستی داشته باشیم²³. هویت جنسیتی نشان دهنده احساسی عمیق و تجربه شده از جنسیت خود است، که خواه با جنسیت زیستی اختصاص یافته در هنگام تولد همخوانی دارد و خواه ندارد. هویت جنسیتی از گرایش جنسی، که اشاره به جنسی دارد که شخص به آن جلب می‌شود متفاوت است. به عنوان نمونه، بسیاری اشخاص تغییر جنسیت داده به جنس مخالف گرایش دارند.

و. بین المللی بودن و اشکال گوناگون تبعیض

چندین سطح و شکل همسو در تبعیض همیشه وجود داشته است، اگر چه تنها در دهه‌های اخیر به آنها به گونه گسترده‌تر اذعان شده است. سن، وضعیت اقتصادی، پس گستره نژادی و قومی، آیین، خاستگاه ملی، شهروندی، وضعیت، سلامت، به ویژه HIV / AIDS و معلولیت، و همچنین تنگدستی و گرایش جنسی، نمونه‌هایی از عواملی است که می‌تواند ماهیت تبعیض در برابر زنان را تشدید و یا در غیر این صورت تحت تأثیر قرار دهد²⁴.

در چهارمین همایش جهانی زنان، دولت‌ها اذعان داشتند «بسیاری زنان به سبب عواملی مانند نژاد، زبان، قومیت، فرهنگ، آیین، معلولیت و یا طبقه اجتماعی و اقتصادی خود و یا به علت بومی بودن، مهاجر بودن و

²³ See also OHCHR, *Born Free and Equal: Sexual Orientation and Gender Identity in International Human Rights Law* (HR/PUB/12/06).

²⁴ See OHCHR, "Women facing multiple forms of discrimination", April 2009, available from www.un.org/en/durbanreview2009/pdf/InfoNote_07_Women_and_Discrimination_En.pdf; and Colleen Sheppard, "Multiple discrimination in the world of work", Working Paper No. 66 (Geneva, International Labour Organization, September 2010), available from www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---declaration/documents/newsitem/wcms_170018.pdf.

از جمله جزء زنان کارگر مهاجر بودن، و یا در گروه زنان آواره یا پناهنده قرار داشتن» برای بهره مندی از حقوق بشری شان با موانع اضافی روبرویند. در اعلامیه دوربان، دولت‌ها اعلام کردند که آن‌ها «متقاعد شده‌اند نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و نبود رواداری مربوط به آن خود را به شیوه‌ای متفاوت بر زنان و دختران آشکار می‌کند، و می‌تواند از عوامل منجر به بدتر شدن شرایط زندگی، تنگدستی، خشونت، اشکال بسیار تبعیض و محدودیت یا محرومیت از حقوق بشر شود.» آن‌ها پس از آن «نیاز به همگرایی دیدگاه جنسیتی در سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های اقدام مربوط علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی نبود رواداری برای پرداختن به اشکال گوناگون تبعیض را اذعان داشتند.»

کمیته رفع تبعیض نژادی به این مقوله همچنین در توصیه عمومی شماره ۲۵ (۲۰۰۰) در جنبه‌های جنسیتی تبعیض نژادی پرداخت، که در آن اشاره کرد «تبعیض نژادی همیشه زنان و مردان را به گونه برابر و یا به همان شکل تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. شرایطی وجود دارد که در آن تبعیض نژادی تنها و یا در درجه نخست بر زنان تاثیر می‌گذارد، و یا بر زنان به راه ها گوناگون موثر بوده، و یا به درجه‌های گوناگونی نسبت به مردان تاثیرگذار بوده است. چنین تبعیض نژادی بیشتر تشخیص داده نشده است، اگر هیچ گونه شناسایی و یا اذعان آشکاری به تجارب زندگی گوناگون زنان و مردان در هر دو گستره زندگی خصوصی و عمومی وجود نداشته باشد.»

کمیته رفع تبعیض علیه زنان، در توصیه عمومی شماره ۲۵ (۲۰۰۴) خود، همچنین تاکید کرد دولت‌های عضو باید با تبعیض‌های گوناگون علیه زنان با اتخاذ راهکارهای زمان دار ویژه روبرو شوند. کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت نخستین معاهده الزام آور حقوق بشر است که به روشنی تبعیض‌های بسیار علیه زنان و دختران را مورد بررسی قرار داده، از دولت‌های عضو خواسته است راهکارهایی برای اطمینان از برخورداری برابر زنان و دختران معلول از همه حقوق بشر و آزادیهای اساسی اتخاذ کند.

گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان نیاز به اعمال کند و کاو میان رشته ای هنگام تحقیق درباره خشونت بر پایه جنسیت را برای نشان دادن دسته‌های گوناگون تبعیض علیه زنان اذعان داشته است²⁵. در گزارش اخیر درباره اشکال چندگانه و همسوی خشونت علیه زنان / HRC / A / ۱۷ / ۲۶، گزارشگر ویژه استدلال می‌کند حذف خشونت به اقدامات فراگیر نیاز دارد که به هر دوی نابرابری بین جنسیت و تبعیض بپردازد. این یعنی کند و کاو خشونت بر پایه جنسیت باید عوامل افزایش آسیب پذیری دختران و زنان، مانند موقعیت جغرافیایی، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، اندازه خانوار، روابط زناشویی، دسترسی به مشارکت سیاسی و مدنی، نژاد، رنگ پوست، توانایی‌های فکری و جسمی، سن، مهارت و تسلط به زبان، هویت قومی و گرایش جنسی را در شمار آورد.

²⁵ See "15 years of the United Nations Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences (1994–2009): a critical review". Available from <http://www2.ohchr.org/english/issues/women/rapporteur/docs/15YearReviewofVAWMandate.pdf> (accessed 6 November 2013).

5. چهارچوب حقوق بشر در عمل

از آنجا که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل داده بر همه حقوق بشر بر پایه برابری با مردان محقند، این مجلد بر آن نیست هر مسئله حقوق بشری که به زندگی زنان مربوط می‌شود را پوشش دهد. تمرکز در اینجا بر زندگی عمومی و سیاسی، بهداشت و حقوق جنسی و باروری، حق برخورداری از موازین زندگی شایسته، خشونت علیه زنان، مهاجرت، جنگ و بحران، و دسترسی به عدالت است. در همه این گفتارها، آموزش و پرورش و بستر خانواده به ویژه مربوط بوده در سراسر این مبحث بدان پرداخته خواهد شد.

حق بر آموزش و پرورش در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۳)، کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۲۸)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (ماده ۱۰) و کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت (ماده ۲۴) به رسمیت شناخته شده است. افزون بر فراخواندن به نبود تبعیض در برخورداری از حق آموزش و آموزش ابتدایی رایگان همگانی، حقوق بشر همچنین دولت‌ها را ملزم کرده است به موانع خاصی رسیدگی کنند که دختران و زنان در دسترسی به آموزش با آن روبرو می‌باشند، مانند ازدواج‌های زود هنگام، بارداری، کار کودکان و خشونت. نیازهای دختران گرفتار اشکال گوناگون تبعیض، از جمله در دختران معلول، از مناطق فقیر یا روستایی و از آن به جوامع اقلیت - هم باید در نظر گرفته شود. تضمین برابری در آموزش و پرورش به منابع مالی و همچنین ادامه افزایش آگاهی درباره اهمیت آموزش دختران نیازمند است.

۱۱

حق برابری زنان و مردان در ازدواج و زندگی خانوادگی نیز در اسناد گوناگون حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، کنوانسیون راجع به شهروندی زنان و زن‌شویی، و کنوانسیون رضایت به ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج به رسمیت شناخته شده است. با این حال، در برخورداری از حقوق مربوط به گستره خصوصی، زنان پشت سر مردان قرار دارند. در بسیاری از کشورها، زنان ناگزیرند ازدواج کنند، آنان در امر قیمومت و پذیرفتن فرزندان از همان حقوق برخوردار نیستند، آنان مجاز نیستند شهروندی شان را به فرزندان و همسران خود انتقال دهند، و آنان اهلیت حقوقی برابر ندارند. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان از دولت‌های عضو می‌خواهد «همه اقدامات لازم برای از بین بردن تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی» را اتخاذ کند (ماده ۱۶). این اقدامات در بر دارنده تضمین همان حق به ازدواج آزادانه و همسرگزینی با رضایت کامل، همان حقوق و مسئولیت‌های در طول ازدواج و پس از انحلال آن درباره فرزندان، و همان حقوق فردی یکسان به عنوان زن و شوهر، مثل حق به انتخاب نام خانوادگی، شغل و حرفه است. حقوق مربوط به دسترسی به اموال و سلامت جنسی و باروری، که به گونه جداگانه در این فصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت، نیز در این مجموعه تحت پوشش قرار گرفته است. کمیته رفع تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره ۲۱ (۱۹۹۴) خود درباره برابری در ازدواج و روابط خانوادگی، از کشورها

خواست هر گونه مفهوم نابرابری زنان و مردان در گستره خصوصی مورد تایید قانون، دین و یا عرف را به گونه قاطعانه رد کنند. کميته همچنين اشاره کرد دولت‌ها بايد چند همسری را ممنوع اعلام کنند چرا که با حق یک زن به برابری با مردان در تضاد است و می‌تواند پیامد های عاطفی و مالی جدی برای او و وابستگانش داشته باشد.

الف. حقوق زنان در زندگی عمومی و خصوصی

از لحاظ تاریخی، زنان از زندگی سیاسی و فرایندهای تصمیم گیری کنار گذاشته شده‌اند. پیکار زنان برای شرکت در گستره عمومی و سیاسی به قرون نوزدهم و بیستم بازمی‌گردد و تا به امروز ادامه داشته است.

در زمان جنگ جهانی اول، چند نظام مردمسالاری پارلمانی حق رای زنان را به رسمیت شناختند. در سال ۱۹۴۵، زمانی که سازمان ملل متحد درست شدن شد، بیش از نیمی از ۵۱ کشور تصویب کننده منشور هنوز هم رای دادن زنان را اجازه نمی‌دادند و یا تنها حق رای محدودی برایشان قائل بودند.²⁶

بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود سهم باشد. یکی از نخستین وظایف کمیسیون وضعیت زنان نگارش کنوانسیون ۱۹۵۲ حقوق سیاسی زنان بود²⁷. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان بر کنوانسیون پیشین افزوده و ماده ۷ آن مربوط به دسترسی زنان به تصمیم گیری در زندگی سیاسی و عمومی است. ماده ۷ حق رای دادن زنان در همه انتخابات و همه پرسش‌های عمومی و داشتن شرایط برای انتخابات شدن به همه نهادهای عمومی انتخابی، حق شرکت در تدوین سیاست‌های دولت و اجرای آن، تصدی مناصب عمومی و انجام همه وظایف عمومی در همه سطوح دولت و حق مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی (NGO) یا انجمن‌های مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور را تضمین می‌کند. ماده ۸ از دولت‌های عضو می‌خواهد «همه اقدامات متناسب برای تضمین شرایط برابر زنان با مردان و بدون هر گونه تبعیض را تضمین کرده، این فرصت را به عنوان نماینده دولت خود در سطح بین المللی برای مشارکت در کار سازمان‌های بین المللی داشته باشند.»

اگر چه حق رای دادن زنان در تقریبا همه کشورهای جهان تامین شده است، در عمل، حق رای دادن می‌تواند گاهی اوقات بی‌معنی باشد، آنگاه که شرایط دیگر آن را تقریبا ناشدنی ساخته و یا هم برای مردان و هم برای زنان رای دادن بسیار دشوار باشد، مانند شرایط نبود انتخابات آزاد و عادلانه، زیر پا نهادن آزادی بیان، و یا نبود امنیت، که بگونه نامتناسبی زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در برخی کشورها، زنان نمی‌توانند برای رای دادن ثبت نام کنند زیرا فاقد شناسنامه یا اوراق هویتی‌اند که تنها برای مردان صادر شده است. موانع دیگر مانند قالبها و برداشتهای سنتی از نقش مردان و زنان در جامعه، و همچنین

²⁶ Françoise Gaspard, "Unfinished battles: political and public life", in *The Circle of Empowerment: Twenty-five Years of the UN Committee on the Elimination of Discrimination against Women*, Hanna Beate Schöpp-Schilling and Cees Flinterman, eds. (New York, Feminist Press at the City University of New York, 2007), pp. 145–153.

²⁷ Ibid., p. 148.

نبود دسترسی به اطلاعات و منابع مربوط نیز، فرصت و یا تمایل زنان به اعمال حق خود به رای دادن کامل را مهار می‌کند. الگوهای کار سنتی در بسیاری از احزاب سیاسی و ساختارهای دولتی همچنان موانع مشارکت زنان در زندگی اجتماعی به شمار آمده، زنان ممکن است از تلاش برای تصدی مناصب سیاسی به دلیل دو دغدغه کار و هزینه‌های بالای جستوجو و نگه داشتن منصب عمومی، افزون بر نگرش و رفتارهای تبعیض آمیز دلسرد شوند. در بین کشورهایی که کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را تصویب کرده اند اندکی دارای معیار قانونی درباره وجود شرایط برای زنان بوده و در عین حال زنان همچنان به گونه جدی در همه سطوح دولت با نمایندگانی اندک حضور یافته اند.

اعلامیه و برنامه اقدام پکن به طور گسترده به موضوع زنان دخیل در قدرت و تصمیم گیری می‌پردازد. از راه اعلامیه و برنامه اقدام، دولت‌ها متعهدند اقدامات قاطعی انجام دهند تا از دسترسی برابر زنان به مشارکت کامل در ساختار قدرت و تصمیم گیری اطمینان یابند و ظرفیت زنان برای شرکت در تصمیم گیری و رهبری، هم راستا با توصیه‌های دقیق اعلامیه و برنامه اقدام، را افزایش دهند.

برنامه اقدام پکن نیل به تعادل بین زنان و مردان در کسب موقعیت‌های تصمیم گیری ملی را هدف قرار است. با این حال، هدف برابری هنوز هم در بسیاری کشورها تحقق نیافته است. بنا به اعلام اتحادیه بین المجالس (IPU)، در سال ۲۰۱۳، زنان به گونه متوسط ۲۱.۲ درصد کل نمایندگان مجلس در ۱۸۷ کشور را تشکیل می‌دادند. بررسی IPU نشان می‌دهد پس از همایش پکن نگرش و آگاهی بهبود یافته است، اما این هنوز باید به تغییرات شایانی در اقدام برای دسترسی برابر زنان به زندگی عمومی و سیاسی منجر شود²⁸.

"	جنوب صحرای آفریقا"	آمریکای شمالی و جنوبی"	آسیا"	اروپا"	خاوربینه و شمال آفریقا"	اقیانوس آرام"
درصد نمایندگان زن مجلس در ژوئیه ۲۰۰۰"	۱۲.۴	۱۵.۳	۱۴.۵	۱۶.۲	۳.۸	۱۱.۹
درصد نمایندگان زن مجلس در ژوئیه ۲۰۱۳"	۲۱.۳	۲۴.۸	۱۸.۸	۲۴.۴	۱۵.۷	۱۲.۸

"

²⁸ Data available at www.ipu.org.

اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، و به ویژه هدف سوم درباره برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، نیازمند تعهد دولت‌ها به گسترش ساز و کارهایی است که به زنان در سیاست و نهادهای فرمانروایی مجال می‌دهد. بررسی پیشرفت‌های به دست آمده درباره اهداف نشان می‌دهد زنان، بیشتر به یمن وجود سهمیه‌ها و راهکارهای ویژه، به آرامی در حال به دست آوردن قدرت سیاسی‌اند. گوناگونی‌های منطقه‌ای با این حال همچنان باقیست²⁹.

II

توصیه عمومی شماره ۲۵ (۲۰۰۴) کمیته رفع تبعیض علیه زنان روشن می‌سازد که اصطلاح «راهکارهای ویژه» می‌تواند طیف گسترده‌ای از اسناد قانونگذاری، اجرایی، اداری و دیگر مقررات، سیاست‌ها و رویه‌ها، مانند برنامه‌های کمک رسانی یا پشتیبانی، تخصیص یا باز تخصیص منابع، رفتار ترجیحی، به کار گماردن، اجیر کردن و ارتقاء هدفمند، اهداف قابل شمارش در پیوند با چارچوب‌های زمانی و نظام سهمیه بندی را شامل شود. آن‌ها باید با هدف دستیابی به برابری جنسیتی اساسی، که در کنوانسیون خواسته شده است به تصویب برسند.

دولت‌ها اشکال گوناگون نظام سهمیه بندی را وضع کرده‌اند. شایع‌ترین آن‌ها سهمیه بندی در حزب سیاسی، سهمیه بندی مراجع قانونگذاری و کرسی‌های تخصیص یافته است. سهمیه‌های احزاب سیاسی معمولاً داوطلبانه و مربوط به حزب خاصی بوده، برای افزایش شمار زنان نامزد حزب یا نمایندگان منتخب، از راه تنظیم درصدی برای زنان برقرار شده است. سهمیه‌های قانونی سیاست‌های ملی الزام آوری است که از راه قانونگذاری اجرا شده، همه احزاب سیاسی را به داخل کردن شمار معینی از زنان در فهرست نامزدهای انتخاباتی ملزم می‌کند. روش دیگر این است که از راه یک سیاست ملی، برای زنان در مجلس کرسی‌هایی در نظر گرفته شود که شمار معینی از قانونگذاران زن را تضمین می‌کند³⁰. از همایش جهانی پکن، دولت‌ها به گونه فزاینده سهمیه‌هایی برای افزایش مشارکت زنان، پیکار با تبعیض و شتاب دادن به روند کندی که شمار زنان در سیاست با آن در حال افزایش است به تصویب رسانده‌اند. این اقدامات برای اصلاح برخی موانع، به ویژه موانع نهادی و سازمانی بوده، که هنوز هم از دسترسی برابر زنان به سیاست جلوگیری کرده‌اند.

با این حال، این راهکارها اگر جداگانه به تصویب برسند، معمولاً برای تضمین برابری کفایت نمی‌کنند. افزون بر این، آن‌ها به همخوانی با بافت محلی نیاز دارند. سهمیه برای زنان بیشتر به دلایل گوناگون، مورد انتقاد قرار داشته است، مثلاً اگر زنان توسط احزاب یا رهبران سیاسی برای خدمت به منافع سیاسی انتخاب شوند که ممکن است خلاف تضمین برابری باشد یا مثلاً به دلیل اینکه سهمیه بندی بر شایستگی راستین اشخاص تاکید بسیار کمی دارد³¹.

²⁹ See United Nations Department of Public Information, "Goal 3: promote gender equality and empower women", Fact Sheet (DPI/2650 C), September 2010. Available from www.un.org/millenniumgoals/pdf/MDG_FS_3_EN.pdf.

³⁰ Homa Hoodfar and Mona Tajali, *Electoral Politics: Making Quotas Work for Women* (London, Women Living under Muslim Laws, 2011), pp. 42-49.

³¹ *Ibid.*, pp. 43-45 and 50-57.

سهمیۀ بندی برای زنان باید با دیگر اقدامات لازم برای ایجاد محیطی مساعد برای مشارکت زنان همراه باشد. به ویژه، تاثیر مثبت افزایش نمایندگی زنان در زندگی عمومی و سیاسی احساس نخواهد شد، اگر زنانی که قدرت را به دست می‌آورند این اختیار را نداشته باشند که در گفت و گو ها به گونه فعال شرکت جویند و در روند تصمیم گیری اعمال نفوذ کنند³².

مشارکت در زندگی اجتماعی با این حال، از انتخابات یا به مناصب عمومی انتخاب شدن بسیار گسترده‌تر است. کمیته رفع تبعیض علیه زنان روشن کرده است که ماده ۷ کنوانسیون به همه شئون زندگی عمومی و سیاسی تعمیم داده شده است و در نتیجه تنها به موارد مشخص شده در خود ماده محدود نمی‌شود. به گزارش کمیته، زندگی سیاسی و عمومی کشور مفهوم گسترده‌ای است، و می‌تواند به اعمال قدرت سیاسی، به ویژه قدرت‌های تقنینی، قضایی، اجرایی و اداری، همه جنبه‌های مدیریت عمومی و تدوین و اجرای سیاست در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی هم اطلاق شود. حق زنان به مشارکت همچنین در بر دارنده مشارکت در جامعه مدنی، هیات‌های عمومی، شوراهای محلی و کوشش احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های حرفه‌ای یا صنعتی، سازمان‌های زنان، سازمان‌های بر پایه اجتماعات و دیگر سازمان‌های مربوط به زندگی عمومی و سیاسی است. توصیه عمومی شماره ۲۳ (۱۹۹۷) کمیته در امور مربوط به زندگی سیاسی و عمومی زنان بر مسئولیت دولت بر انتصاب زنان به پست‌های ارشد رهبری، در همه سطوح دولت (محلی، ملی، بین‌المللی) و در همه نهادهای دولتی و قوه قضائیه و تشویق احزاب سیاسی به پیروی از این مشی تاکید می‌کند. دولت‌ها باید از دسترسی زنان به اطلاعات اطمینان حاصل کنند و برای چیره شدن بر موانعی مانند بی‌سوادی، ندانستن زبان، تنگدستی و موانع آزادی جابجایی زنان اقداماتی انجام دهند.

مشارکت زنان به ویژه در نهادینه کردن صلح و برقراری آن مهم است، اگر قرار باشد جوامع پس از جنگ بر پایه احترام به حقوق بشر و ارزش‌های مردمسالاری بازسازی شود. قطعنامه شماره ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) شورای امنیت سازمان ملل متحد و قطعنامه پیگیری آن و گزارش‌های درباره زنان، صلح و امنیت به سهم مهم زنان در صلح اذعان دارند و خواهان افزایش حضور زنان در همه سطوح تصمیم‌گیری، همه ساز و کارهای پیشگیری، مدیریت و حل و فصل اختلافات می‌باشند. این موضوع با دقت بیشتر بعداً در این مجلد مورد بررسی قرار گرفته است.

اعلامیه حقوق و مسئولیت اشخاص، گروه‌ها و نهادهای جامعه برای گسترش و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های اساسی به رسمیت شناخته شده جهانی بشر، که به اعلامیه مدافعان حقوق بشر هم موسوم است، نقش مهم مدافعان حقوق بشر، از جمله زنان مدافع را به رسمیت می‌شناسد و حقوق همه مدافعان حقوق بشر و تعهدات کشورها را مورد تاکید قرار می‌دهد.

³² Farzana Bari, "Women's political participation: issues and challenges", draft, United Nations Division for the Advancement of Women (EGM/WPD-EE/2005/EP.12), 3 November 2005, p. 6.

گزارشگر ویژه درباره وضعیت مدافعان حقوق بشر توجه عموم را به چالش‌های خاص پیش روی زنان مدافع حقوق بشر و کسانی که درباره حقوق زنان یا مسائل جنسیتی کوشش می‌کنند (/ HRC / ۱۶A / ۴۴) جلب کرده است. مدافعان حقوق بشر زنان در معرض همان گونه خطرانی قرار دارند که دیگر مدافعان حقوق بشر با آن رویارویند، اما به عنوان زن نیز هدف و یا در معرض تهدیدات و خشونت‌های خاص جنسیتی قرار گرفته‌اند³³. علت این امر چند وجه داشته و پیچیده بوده، و به گستره خاصی که در آن یک نفر زن کار می‌کند بستگی دارد. بیشتر اوقات، کار زنان مدافع حقوق بشر به عنوان مفاهیم سنتی چالش برانگیز در برابر نقش خانواده و جنسیت در جامعه دیده شده است، که می‌تواند به دشمنی با جماعت عامه و مقامات منجر شود. به آنان بنابراین انگ زده شده و توسط رهبران جامعه، گروه‌های آیینی، خانواده و اجتماعی که آنان را تهدید کننده دین، شرافت یا فرهنگ از راه کوشش‌هایشان می‌داند رانده می‌شوند.

افزون بر این، خود کار یا آنچه کوشندگان در تلاش برای رسیدن به آنند (به عنوان نمونه، تحقق حقوق زنان یا هر حقوق مربوط به جنسیت) نیز باعث می‌شود هدف حملات قرار گیرند. خانواده‌های کوشندگان نیز، به منظور دلسرد کردن مدافعان حقوق بشر زنان از ادامه کارشان، هدف تهدید و خشونت قرار می‌گیرند. گزارشگر ویژه درباره وضعیت مدافعان حقوق بشر اذعان کرده است زنان مدافع بیشتر از همکاران مرد خود در معرض گونه‌های خاصی از خشونت و دیگر موارد زیر پا نهادن حقوق، تعصب، طرد و نفی قرار دارند. از این رو، تقویت ساز و کارهای پشتیبانی و دیگر پاسخ‌های محلی و بین‌المللی به دغدغه‌های خاص کوشندگان مهم است.

گزارشگر ویژه توصیه کرده است دولت‌ها باید اطمینان یابند برنامه‌های پشتیبانی از مدافعان حقوق بشر دیدگاه جنسیتی را دخیل دانسته و رسیدگی به نیازهای خاص زنان مدافع حقوق بشر را سرلوحه اعمال خود قرار داده است. این امر باید پژوهش‌های فوری در ترساندن، تهدید، خشونت و دیگر موارد سوء استفاده از زنان مدافع حقوق بشر که خواه توسط دولت و خواه توسط اشخاص غیر دولتی ارتکاب یافته باشد را دربر گیرد. با این حال، زنان مدافع حقوق بشر در عمل بیشتر فاقد سازوکارهای پشتیبانی موثرند.

اگر چه دولت مسئولیت اصلی پشتیبانی از مدافعان زمانی که در معرض تهدید و یا حمله قرار دارند را بر عهده دارد، حاضران در محل از سوی جامعه بین‌المللی و همچنین سازمان ملل متحد نیز با در نظر گرفتن اصول اساسی محرمانه بودن، ایجاد هیچ گونه آسیب و رضایت آگاهانه فرد مورد پشتیبانی، مسئولیت پشتیبانی و پاسداری از مدافعان را بر عهده دارند.

³³ Inmaculada Barcia, "Urgent responses for women human rights defenders at risk, mapping and preliminary assessment" (Association for Women's Rights in Development, June 2011), p. iii.

حق بر تابعیت"

توانایی زنان در مشارکت در زندگی عمومی و سیاسی هم با توانایی شان در ادعای حقوق شهروندی و تابعیت پیوند دارد. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان از دولت‌ها می‌خواهد «به زنان حقوق برابر با مردان در اکتساب، تغییر یا حفظ تابعیت خود اعطا کنند» و «به ویژه اطمینان یابند که نه ازدواج با بیگانه و نه تغییر شهروندی توسط شوهر در طول دوره ازدواج، شهروندی زن را به گونه خودکار تغییر نداده، او را بدون تابعیت نکرده یا شهروندی شوهر را بر او تحمیل نکرده است» (ماده ۹). همچنین دولت‌های عضو ملزم شده‌اند «به زنان حقوقی برابر با مردان درباره تابعیت کودکانشان اعطا کنند». کمیته روشن کرده است که شهروندی برای مشارکت کامل در جامعه مهم است و نداشتن شهروندی بر برخورداری از دیگر حقوق مثل حق رای، کسب منصب دولتی، دسترسی به منافع عمومی و انتخاب محل اقامت تاثیر جدی می‌گذارد. ماده ۱۵ دولت‌ها را ملزم کرده است «به زنان برابری با مردان در پیشگاه قانون اعطا نمایند» و این همچنین در بر دارنده اهلیت قانونی یکسان در امور مدنی هم است. کمیته آنگاه روشن کرده است که هر گونه محدودیت در این گستره توانایی زن به گذراندن زندگی خود و وابستگی‌اش را به گونه جدی محدود می‌کند. کمیته همچنین با نگرانی به بالا بودن شمار اعمال حق شرط (رزرو) دولت‌ها بر مواد ۹، ۱۵ و ۱۶ اشاره می‌کند، و از دولت‌ها می‌خواهد برای به اجرا گذاشتن قوانین هم راستا با این مواد، رزرو را مسترد دارند.

ب. حقوق و سلامت جنسی و باروری

در برنامه اقدام همایش بین المللی جمعیت و توسعه، بهداشت باروری به عنوان «حالت سلامت کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و نه فقط نبود بیماری یا معلولیت، در همه امور مربوط به ساختار تناسل و همه کارکردها و فرآیندهای آن» تعریف می‌شود. «در سال ۲۰۰۴، گزارشگر ویژه حقوق همگان به برخورداری از بالاترین میزان قابل حصول سلامت جسمی و روانی، سلامت جنسی را به عنوان وضعیت جسمی، عاطفی، روانی و اجتماعی تعریف کرد که تنها معطوف به نبود بیماری، اختلال عملکرد یا معلولیت نیست (CN. / ۴E / ۲۰۰۴ / ۴۹). این تعریف بر پایه شناسایی هدف از سلامت جنسی در برنامه اقدام است که اشعار داشته «بهبودی زندگی و روابط شخصی، و نه صرفا رایزنی و مراقبت‌های مربوط به تولید مثل و بیماری‌های آمیزشی است.»

سلامت جنسی و باروری زنان با حقوق گوناگون بشر، از جمله حق بر زندگی، حق آزادی از شکنجه، حق بهداشت، حق برخورداری از حریم خصوصی، حق بر آموزش و پرورش و منع تبعیض مربوط می‌شود. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته رفع تبعیض علیه زنان هر دو حق زنان بر سلامت در بر دارنده سلامت جنسی و باروری را به روشنی قید کرده‌اند.

این یعنی دولت‌ها به احترام، پشتیبانی و تحقق حقوق مربوط به سلامت جنسی و باروری زنان متعهدند. گزارشگر ویژه در حق بر بهداشت تاکید دارد زنان نسبت به خدمات بهداشت، محصولات و امکانات باروری: (الف)

در شمار بسنده، (ب) با قابلیت دسترسی فیزیکی و اقتصادی، (ج) دسترسی بدون تبعیض و (د) با کیفیت خوب (A/61/338) ذیحق می‌باشند.

با وجود این تعهدات، زیر پا نهادن حقوق سلامت باروری و جنسی زنان مکرر است. این‌ها اشکالات بسیاری مانند: منع دسترسی به خدماتی که تنها زنان نیازمندشان می‌باشند، ارائه خدمات با کیفیت ضعیف، وابسته کردن دسترسی به تجویز شخص ثالث یا طی مراحل از جمله نازا سازی بدون رضایت زن، معاینه بکارت اجباری و سقط جنین اجباری دارد. زمانی که زنان در معرض ختنه و ازدواج زودهنگام قرار دارند حقوق بهداشت جنسی و تناسلی آنان نیز در خطر است.

زیر پا نهادن حقوق سلامت جنسی و تناسل زنان بیشتر عمیقاً در ارزش‌های اجتماعی مربوط به تمایلات جنسی زنان ریشه دوانده است. مفاهیم پدرسالارانه نقش زنان در خانواده به این معنی است که زنان بیشتر با توجه به توانایی خود برای تولید مثل ارزش دارند. ازدواج و بارداری زودهنگام یا بارداری‌های مکرر با فاصله خیلی نزدیک به یکدیگر، بیشتر به عنوان نتیجه تلاش برای تولید فرزند پسر به دلیل اولویت برای پسران، تاثیر ویرانگری بر سلامت زنان با پیامد های گاه کشنده گذاشته است. زنان نیز به سبب ناباروری بیشتر مورد سرزنش و طرد قرار گرفته، سرانجام با موارد گوناگون زیر پا نهادن حقوق بشر روبرو می‌شوند.

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، حقوق برابر زنان در تصمیم گیری «آزادانه و مسئولانه درباره شمار و فاصله فرزندان و دسترسی به اطلاعات، آموزش و پرورش و وسایلی که آنان را به اجرای این حقوق توانمند می‌سازد» (ماده ۱۶) را تضمین می‌کند. کنوانسیون همچنین مشخص می‌کند که حق زنان به آموزش و پرورش دربردارنده «دسترسی به اطلاعات خاص آموزشی برای کمک به اطمینان از سلامت و رفاه خانواده، از جمله اطلاعات و رایزنی در تنظیم خانواده» (ماده ۱۰) است. افزون بر این، بهداشت جنسی و باروری می‌تواند عنصر مهم حق برخورداری از بالاترین میزان قابل حصول سلامت جسمی و روانی باشد. نقش باروری زنان نیز می‌تواند بر برخورداری آنان از حقوق دیگر مانند حق بر آموزش و کار تاثیر داشته باشد.

برنامه اقدام پکن اشعار می‌دارد «حقوق بشر زنان در بر دارنده حق آنان به نظارت و تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در مسائل مربوط به تمایلات جنسی‌شان، از جمله سلامت جنسی و باروری، عاری از اجبار، تبعیض و خشونت» است. کمیته رفع تبعیض علیه زنان، در توصیه عمومی شماره ۲۴ (۱۹۹۹) خود درباره زنان و بهداشت، توصیه می‌کند که دولت‌ها باید «پیشگیری از بارداری ناخواسته را از راه تنظیم خانواده و آموزش مسائل جنسی.» را در اولویت قرار دهند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در توضیحات کلی شماره ۱۴ (۲۰۰۰) خود درباره حق به بالاترین میزان قابل حصول سلامت، بیان داشت که ارائه خدمات سلامت مادران قابل مقایسه با تعهدی اساسی است که نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی مورد تخطی واقع شود، و دولت‌های عضو تعهد فوری دارند اقدام عمده، قاطع و هدفمند برای اعمال حق به سلامت در گستره بارداری و زایمان را اتخاذ کنند.

دسترسی به اطلاعات درباره سلامت جنسی و باروری"

حق زنان به تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه درباره شمار و فاصله سنی بین فرزندان و دسترسی به اطلاعات، آموزش به و وسایل اعمال این حق، نیازمند توجه به دسترسی آنان به اطلاعات در روش‌های جدید جلوگیری از بارداری و آموزش فراگیر مسائل جنسی است."

دسترسی زنان به روش‌های نوین جلوگیری از بارداری"

بنا به اعلام صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، چهار میلیارد و یکصد میلیون زن در سال ۲۰۰۸ میلادی در سن باروری (بین ۱۵ و ۴۹) قرار داشتند. در بین آنان ۸۱۸ میلیون نفر، و یا بیش از نیم، به جلوگیری از بارداری تمایل داشتند. از این شمار، ۶۰۳ میلیون تن از روش‌های نوین پیشگیری از بارداری استفاده می‌کردند و ۲۱۵ میلیون نفر آنها را به کار نگرفته بودند. بارداری‌های ناخواسته به شدت به نیازهای برآورده نشده برای پیشگیری نوین از بارداری وابسته است. در بین زنانی که ناخواسته بارور شدند، ۶۶ درصد از هیچ‌گونه روش پیشگیری از بارداری استفاده نمی‌کردند و ۱۶ درصد با تکیه بر روش‌های سنتی، مانند پرهیز دوره‌ای و خروج قبل از انزال، که میزان موفقیت کمتری به نسبت روش‌های نوین دارند از بارداری جلوگیری کردند. حساسیت زنان و دختران به ابتلا به ایدز و دیگر بیماری‌های آمیزشی پیامد جدی دیگر عدم استفاده از روش‌های نوین پیشگیری از بارداری است.

نبود آگاهی زنان از روش‌های پیشگیری از بارداری بر حق تصمیم گیری آنان درباره شمار و فاصله فرزندانشان و همچنین درباره حقشان به سلامت دارای تاثیر مستقیم است. کمیته رفع تبعیض علیه زنان، در توصیه عمومی شماره ۲۱ (۱۹۹۴)، بیان داشت «به منظور تصمیم گیری آگاهانه در اقدامات ایمن و قابل اعتماد پیشگیری از بارداری، زنان باید از اقدامات پیشگیری از بارداری و استفاده از روش‌ها اطلاعاتی داشته باشند، و دسترسی به خدمات آموزش مسائل جنسی و تنظیم خانواده آن‌سان که در ماده ۱۰ (H) کنوانسیون مقرر شده است، برایشان تضمین شده باشد». چنین داده‌هایی باید از نظر علمی دقیق و دور از تبعیض باشد. در حالی که پزشکان حق اعتراض آگاهانه به جلوگیری از بارداری دارند، پشتیبانی از این حق نباید حق زنان برای آگاهی دقیق و عینی از روش‌های پیشگیری از بارداری را زیر پا نهد. دادگاه حقوق بشر اروپا، برای نمونه، اعلام کرده است داروسازان نمی‌توانند از فروش داروهای ضد بارداری بر پایه اندیشه‌های آیینی شخصی خودداری کنند³⁴. کمیته حقوق کودک، در توضیحات کلی خود به شماره ۴ (۲۰۰۳) در سلامت نوجوانان و توسعه، مشخص کرده است «کشورهای عضو باید اطمینان یابند [نوجوانان] به اطلاعات شایسته [درباره مسائل جنسی و باروری، از جمله تنظیم خانواده، پیشگیری از بارداری و بیماری‌های آمیزشی] فارغ از وضعیت زناشویی‌شان و اینکه آیا پدر و مادر یا قیم آنان راضی است یا خیر، دسترسی دارند.»

³⁴ Pichon and Sajous v. France, application No. 49853/99, decision of 2 October 2001.

دسترسی به خدمات و داروها

تضمین اینکه زنان به خدماتی دسترسی دارند که تنها مورد نیاز آنان است در از بین بردن تبعیض علیه زنان جنبه کلیدی دارد. تضمین آماده و در دسترس بودن، کیفیت و قابلیت پذیرفتن این خدمات و داروها در تضمین حقوق بهداشت باروری و جنسی زنان اساسی است. کمیته رفع تبعیض علیه زنان، در توصیه عمومی شماره ۲۴ (۱۹۹۹) خود، پس از آن مشخص کرده «این تبعیض آمیز است که دولت عضو از ارائه قانونی برخی خدمات بهداشت باروری به زنان خودداری ورزد»، و تاکید کرده «قوانینی که روش‌های پزشکی تنها مورد نیاز زنان را جرم شناخته و زنانی که این روش را استفاده کرده‌اند مجازات می‌کنند» موانع دسترسی زنان به مراقبت‌های بهداشتی اند.

برآورد می‌شود ۲۸۷۰۰۰ زن در هنگام زایمان در سال ۲۰۱۰ درگذشته‌اند. افزون بر این، هر سال حدود ۱۰ میلیون زن به جراحی، عفونت، بیماری یا در برخی موارد به معلولیت دراز مدت مربوط به بارداری مبتلا می‌شوند. با تضمین دسترسی جهانی به حضور فرد ماهر زایمان، مراقبت از زنان و زایمان فوریت دار، مراقبت‌های بعد از زایمان، جلوگیری از سقط جنین خطرناک و گسترش انتخاب لوازم پیشگیری از بارداری برخی از اقداماتی بشمار می‌رود که کاهش مرگ و میر مادران را موجب شده است.

در پرونده آلین دا سیلوا پیمنتل تیخیرا (مرحوم) علیه دولت برزیل،³⁵ قربانی زنی آفریقایی تبار بود که پس از تولد یک نوزاد به علت عوارض جدی پسا زایمان درگذشت. ناکامی در تشخیص عوارض گرفتار قربانی، دیرکرد در درمان عوارض، دیرکرد در مراجعه به بیمارستان با امکانات و ناکامی در انتقال پرونده نامبرده به مراکز بهداشتی، و پس از آن نبود پاسخ بسنده و جبران این ناکامی، به احراز زیر پا نهادن کنوانسیون انجامید.

کمیته احراز کرد دولت عضو تعهدات از خود به موجب ماده ۱۲ (در خصوص دسترسی به بهداشت)، ماده ۲ (C) (در خصوص دسترسی به عدالت) و ماده ۲ (E) (در خصوص تعهد به سعی دولت عضو در تنظیم فعالیت ارائه دهندگان خدمات درمانی خصوصی)، با توجه به ماده ۱ کنوانسیون، تخطی کرده است. کمیته در تصمیم خود آشکار کرد دولت هنگامی که خدمات پزشکی اش را برون سپاری می‌کند به گونه مستقیم مسئول اعمال موسسات پزشکی خصوصی است، و بر وظیفه تنظیم مقررات و نظارت بر موسسات مراقبت بهداشتی خصوصی به موازات تعهدات دولت به سعی شایسته در این گستره تاکید دارد. کمیته سپس اشاره کرده که دولت باید اطمینان حاصل کند خدمات سلامت مادر منطبق با نیازهای خاص زنان است، و اینکه سیاست‌های مربوط به سلامت مادران در عمل اجرا شده است، و اینکه راه حل‌های قضایی بسنده و پشتیبانی موثر بدون تبعیض ارائه شده‌اند.

اطمینان یافتن از دسترسی به خدمات بهداشت باروری و جنسی امن و مقرون به صرفه نیازمند اطمینان از دسترسی به امکانات سقط جنین ایمن و مقرون به صرفه است. اگرچه دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری و

³⁵ Committee on the Elimination of Discrimination against Women, communication No. 17/2008, Views of 25 July 2011.

تنظیم خانواده نوین خطر بارداری ناخواسته را کاهش داده است، هیچ روش پیشگیری از بارداری ۱۰۰ درصد موثر نیست. عملکرد ساز و کارهای حقوق بشری نشان می‌دهد دولت‌ها دست کم آنجا که تهدیدی برای زندگی همراه با سلامت زن وجود دارد، یا آنجا که بارداری ناشی از تجاوز یا زنا با محارم است دسترسی به سقط جنین را باید تامین کنند.³⁶

کمیته رفع تبعیض علیه زنان نیز در توصیه عمومی شماره ۲۴ (۱۹۹۹) خود، اعلام داشت «در صورت امکان، قانونی که سقط جنین را جرم بیانگارد می‌تواند اصلاح شود تا مقررات تنبیهی تحمیل شده علیه زنانی که سقط جنین کرده‌اند حذف شود.» بر جرم زدایی از خدمات سقط جنین همچنین در برنامه اقدام پکن تاکید شد، که توصیه می‌کرد دولت‌ها باید قوانین حاوی اقدامات تنبیهی علیه زنانی که مورد سقط جنین غیرقانونی قرار گرفته‌اند را بررسی کنند.³⁷

هر آینه، دسترسی به خدمات بهداشتی بعد از سقط باید قابل دسترسی، امن و مقرون به صرفه باشد. سقط غیرایمن یکی از علل اصلی مرگ و میر مادران بوده، و اطمینان یافتن از در دسترس و امن بودن خدمات سقط جنین هم بخش مهمی از تعهد دولت به تامین توانایی زنان در زنده ماندن طی بارداری است.

رویه رکن معاهده درباره سقط جنین

L. M. R. دختر کم سن و سالی بود با ناتوانی ذهنی، که به سبب تجاوز جنسی عمویش از او باردار شده بود. از سقط جنین قانونی او خودداری شده بود. کمیته زیر پا نهادن ماده ۷ میثاق (شکنجه یا دیگر رفتارهای غیر انسانی یا اهانت آمیز) را احراز کرد، چرا که ناکامی دولت در تضمین حق او به پایان بارداری (که در این مورد طبق قانون آرژانتین می‌بود) «علت درد و رنج جسمی و روانی L. M. R و زیر پا نهادن ماده ۷ میثاق بود که به ویژه با توجه به وضعیت قربانی به عنوان یک دختر جوان با ناتوانی جدی اهمیت بسیاری داشت.» این کمیته از دولت عضو خواست خسارات قربانی را جبران کرده، از جمله غرامت کافی به او بپردازد.

³⁶ See, e.g., Human Rights Committee, general recommendation No. 28 (2000) on the equality of rights between men and women, para. 11, and its 2012 concluding observations on Guatemala (CCPR/C/GTM/CO/3, para. 20) and the Dominican Republic (CCPR/C/DOM/CO/5, para. 15).

³⁷ Report of the Fourth World Conference on Women, chap. I, resolution 1, annex II, para. 106 (k).

K. L. دختر ۱۷ ساله‌ای بود که جنین او دچار وضعیتی تشخیص داده شده بود که از بقای آن برای بیش از چند روز پس از تولد جلوگیری می‌کرد. او درخواست سقط جنین کرد، اما از ارائه خدمات خودداری شد چرا که سقط جنین تنها برای نجات زندگی مادر قانونی بود، نه در مواردی که مشکل برای جنین بود. K. L. مجبور به حمل جنین تا آخر بارداری بود و پس از آن وادار به شیر دادن به نوزادی شد که چهار روز پس از تولد درگذشت. با احراز زیر پا نهادن ماده ۷، کمیته حقوق بشر دریافت که افسردگی و ناراحتی عاطفی دختر ۱۷ ساله پیامد های قابل پیش بینی ناکامی دولت در اعطای اختیار انجام سقط درمانی به K. L. بوده است. (توجه داشته باشید که دولت عضو در جریان رسیدگی‌ها همکاری نمی‌کرد.)

||

L. C. دختر کم سن و سال و قربانی سوء استفاده جنسی، هنگامی که متوجه شد در نتیجه سوء استفاده مذکور حامله شده اقدام به خودکشی کرد. او جان سالم بدر برد اما دچار آسیب‌های جدی، از جمله در ستون فقراتش شد که نیازمند جراحی فوری بود. او و مادرش سقط جنین قانونی درخواست کردند، طوری که عمل جراحی بتواند انجام شود. این درخواست مورد موافقت بیمارستان قرار نگرفت، با این ادعا که زندگی قربانی در معرض خطر قرار ندارد. سر انجام، پس از ۳.۵ ماه و پس از سقط طبیعی، او مورد عمل جراحی قرار گرفت اما L. C. اکنون از گردن به پایین فلج شده است و تنها امکان حرکت دادن جزئی دستش را دارد. کمیته زیر پا نهادن حق او به سلامت را احراز کرد، چرا که تصمیم درباره سقط جنین آسیب در سلامت روانی و جسمانی او را به اندازه بسنده در نظر نگرفته بود. سلامت او نیازمند دسترسی به هر دو عمل جراحی و سقط درمانی بود، به ویژه با توجه به شرایط (سن او، اقدام به خودکشی و سوء استفاده جنسی).

درباره دسترسی به دارو، سازمان جهانی بهداشت داروهای نوین پیشگیری از بارداری، از جمله پیشگیری از بارداری اضطراری را در فهرست نمونه خود از داروهای بایسته وارد کرده است. با اذعان به اینکه دسترسی به دارو برای اطمینان از سلامت جنسی و باروری گاهی اوقات می‌تواند به جهات سیاسی، فرهنگی و حقوقی به جای وجوه پزشکی محدود شود، گزارشگر ویژه در حق بر بهداشت از کشورها خواسته است «اطمینان حاصل شود دسترسی به داروهای بایسته برای درمان... سلامت جنسی و باروری... صرفاً بر پایه نیازهای بهداشتی و دلایل بوده و بنا به ملاحظات خارجی غیر بهداشتی محدود نشده است» (HRC/۲۳A/۴۲، بند ۷۳ (ب)).

||

||

||

||

رضایت

تضمین حقوق بهداشت باروری و جنسی زنان بدان معنی است که اهلیت زنان برای تصمیم‌گیری درباره بدنشان باید محترم شمرده شود. نیاز به رضایت شخص ثالث به منظور دسترسی به خدمات خاص همواره توسط ساز و کارهای حقوق بشری به عنوان ضدیت با حقوق زنان مورد انتقاد قرار گرفته است.³⁸ به عنوان نمونه، کمیته حقوق بشر در توضیحات کلی شماره ۲۸ (۲۰۰۰) خود، مقررات قانونی الزامی دانستن رضایت شوهر برای انجام نازا سازی یک زن را زیر پا نهادن حق زن به حریم خصوصی‌اش تلقی کرد.

به اعلام کمیته رفع تبعیض علیه زنان، در توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) خود، نازا سازی اجباری یا سقط جنین بر سلامت جسمی و روانی زنان تاثیر می‌گذارد، و حق آنان به تصمیم‌گیری درباره شمار و فاصله سنی فرزندان را نقض می‌کند. در پرونده A.S علیه مجارستان³⁹، دکتري در یک بیمارستان دولتی روش نازا سازی اجباری را روی بیمار بدون ارائه اطلاعات بسنده برای اخذ رضایت او انجام داد. کمیته زیر پا نهادن حق خواهان به برابری در آموزش، به ویژه اطلاعات مربوط به تنظیم خانواده، حق برابری در دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و حق برابری درون خانواده، به ویژه درباره حق تصمیم‌گیری در شمار، فاصله سنی و زمان به دنیا آوردن کودکان را احراز کرد.

اشخاص معلول با خطراتی خاص رویارویند. روش‌های پزشکی خارج اراده آنان که بر سلامت جنسی و باروری شان موثر است از جمله چنین خطراتی است. ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، حق اشخاص معلول به تشکیل و حفظ خانواده و حفظ باروری شان بر پایه برابری با دیگران را تقویت می‌کند. ماده ۱۲ حق اشخاص معلول در به رسمیت شناخته شدن در همه جا به عنوان اشخاص موضوع قانون و دارای اهلیت بهره مندی از حقوقشان بر پایه برابری با دیگران را مورد تاکید قرار داده است. از آن جمله، دسترسی به پشتیبانی که ممکن است اهلیت بهره مندی از حقوقشان را تسهیل کرده به آنان در اعمال حقوق خود کمک می‌کند. ماده ۲۵ به روشنی بیان می‌دارد رضایت آزادانه و آگاهانه باید پایه و اساس ارائه مراقبت‌های بهداشتی به اشخاص معلول باشد. کمیته حقوق معلولان «لغو عمل جراحی و درمان بدون رضایت کامل و آگاهانه بیمار» را در یکی از مشاهدات پایانی به یک دولت عضو توصیه کرده است.⁴⁰

شکنجه و رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و اهانت آمیز در مراقبت‌های بهداشتی

³⁸ Committee on the Elimination of Discrimination against Women, general recommendation No. 24 (1999) on women and health, and its comments on State party reports, for instance on Indonesia (CEDAW/IDN/CO/5, para. 16) and on Turkey (A/52/38/ Rev.1, para. 196); and Committee on the Rights of the Child, general comment No. 15 (2013) on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health. (see its concluding observations on Kyrgyzstan (CRC/C/15/Add.127, para. 45))

گزارشگر ویژه شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز در گزارش سال ۲۰۱۳ خود به شورای حقوق بشر، زیر پا نهادن حقوق بشر در مراقبت‌های بهداشتی که شکنجه یا رفتار یا تنبیه غیر انسانی، بی‌رحمانه و اهانت آمیز بحساب می‌آید و شکاف‌های پشتیبانی موجود در این گستره را مورد کند و کاو قرار داد. او به موارد زیر پا نهادن حقوق باروری توجه خاصی مبذول داشته است. او روشن می‌کند «نازاسازی اجباری یک عمل خشونت آمیز، شکلی از نظارت اجتماعی، و تخلف از حق آزاد بودن از شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز است.» او از کشورها خواست «از رضایت آزاد و آگاهانه بر پایه برابری همه اشخاص و بدون هیچ‌گونه استثناء، همراه با آگاهی رسانی، از راه چارچوب قانونی و ساز و کارهای قضایی و اداری، از جمله از راه سیاست‌ها و رویه‌ها برای پشتیبانی در برابرسوء استفاده پشتیبانی کنند.»

در همین گزارش، او نگرانی کم‌مینه ضد شکنجه از ممنوعیت مطلق سقط جنین به عنوان زیر پا نهادن ممنوعیت شکنجه و دیگر اشکال رفتار بی‌رحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز را همچنین یادآوری می‌کند. او توصیه کرد دولت‌ها «اطمینان حاصل کنند زنان بدون ترس از مجازات‌های کیفری یا انتقام جویی به مراقبت‌های پزشکی اورژانس، از جمله مراقبت بعد از سقط، دسترسی داشته باشند.»

منبع: "A/HRC/22/53."

حق بر بارداری ایمن و بهداشتی

عوارض بارداری و زایمان یکی از علل اصلی مرگ و میر و ناتوانی در زنان در سنین باروری در کشورهای در حال توسعه است. هیچ عامل منحصری برای مرگ و ناتوانی مردان بین سنین ۱۵ و ۴۴ در قیاس با مرگ و میر مادران وجود ندارد⁴¹. سازمان بهداشت جهانی مرگ و میر مادر را، فارغ از مدت زمان و محل زایمان، علت (اما نه از علل تصادفی یا اتفاقی)، نتیجه بارداری یا نحوه مدیریت آن، در قالب مرگ یک زن در حال بارداری یا طی ۴۲ روز از پایان دوره بارداری اش تعریف کرده است. مرگ و میر مادران شرایطی خارج از بارداری طبیعی و زایمان است که بر سلامت یک زن طی آن زمان تاثیر می‌گذارد⁴².

دولت‌ها تحت حقوق بین‌المللی بشر موظفند به حقوق بشر در سلامت مادر، بارداری و زایمان احترام گذارده، آن را پشتیبانی و محقق کنند. هنگامی که زنان هنگام زایمان به سبب بیماری‌های قابل پیشگیری جان می‌بازند، پای بسیاری از تعهدات حقوق بشری دولت به میان می‌آید. به عنوان نمونه، برای پشتیبانی از حق زنان به زندگی، دولت‌ها نیازمندند

⁴¹ See D. Maine and A.E. Yamin, "Maternal mortality as a human rights issue: measuring compliance with international treaty obligations", *Human Rights Quarterly*, vol. 21, No. 3 (August 1999).

⁴² Susan A. Orshan, *Maternity, Newborn and Women's Health Nursing: Comprehensive Care across the Life Span* (Philadelphia, Wolters Kluwer/Lippincott Williams and Wilkins, 2008), p. 15.

اطمینان حاصل کنند از منابع در دسترس استفاده و اقدامات لازم اتخاذ شده تا آماده و در دسترس بودن، قابلیت پذیرفتن با کیفیت خوب خدمات بهداشت باروری و جنسی، از جمله متناسب بودن قیمتشان را بتوان تضمین کرد. مرگ و میر قابل پیشگیری مادران همچنین می‌تواند موارد زیر را نهادن حق به بالاترین سطوح قابل حصول در سلامت جسمی و روانی، از جمله سلامت جنسی و باروری، حقوق برابری و نبود تبعیض، حقوق به اطلاعات و آموزش و نیز بهره مندی از مزایای پیشرفت‌های علمی را در پی خود داشته باشد.

استفاده از رویکردی بر پایه حقوق بشر نسبت به مرگ و میر مادران از جمله بررسی مرگ و میر قابل پیشگیری مادران با دیدگاه بر پایه برابری و نبود تبعیض با کند و کاو در تعهدات دولت در چارچوب حقوق بشر و همچنین خلاء در پشتیبانی، مشارکت و مسئولیت پذیری را در بر دارد.

رویکرد بر پایه حقوق بشر پیدا کردن گروه‌های خاص زنان که از دسترسی به خدمات بهداشتی بایسته محروم مانده‌اند را آسان می‌کند.

رویکرد بر پایه حقوق بشر در کاهش مرگ و میر مادران

شورای حقوق بشر از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد درخواست کرد یک رشته گزارش از مرگ و میر مادران و عوارض آن به عنوان مسئله‌ای حقوق بشری آماده سازد. در گزارش نخست در سال ۲۰۱۰ (A/HRC/۳۹/۱۴)، کمیساریای عالی هفت اصل مهم در رویکرد بر پایه حقوق بشر را مشخص کرده است: نبود تبعیض، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، توانمند سازی، پایداری، و همکاری‌های بین المللی. در سال ۲۰۱۱، تلفیقی از شیوه‌های بهینه (A/HRC/۲۷/۱۸)، ارائه شد که در آن کمیساریای عالی پنج ویژگی مشترک شیوه‌های بهینه برای کاهش مرگ و میر مادران در تلازم با تعهدات حقوق بشری را مورد توجه قرار داد: توان بخشیدن به موقعیت زنان با از بین بردن موانع پیش روی رویکرد موثر بر پایه حقوق بشر برای از بین بردن مرگ و میر مادر و عوارض آن، تضمین حقوق بهداشت باروری و جنسی، تقویت نظام‌های بهداشتی برای افزایش دسترسی به مراقبت و استفاده از نیروی ماهر، با پرداختن به سقط جنین غیرایمن، و بهبودی نظارت و ارزیابی.

در سال ۲۰۱۲، کمیساریای عالی راهنمایی‌های فنی در استفاده از رویکرد بر پایه حقوق بشری در سیاست‌ها و برنامه‌های کاهش مرگ و میر مادران و عوارض آن (A/HRC/۲۲/۲۱) را آماده کرد. هدف اصلی راهنمایی‌ها سیاست‌گذارانی است که به دنبال طراحی سیاست‌های سلامت مادران هم راستا با الزامات حقوق بشری‌اند. پس از آن چرخه سیاست برنامه ریزی، بودجه بندی، اجراء، نظارت و پاسخگویی، از جمله در جزئیات مراحل مورد نیاز از دیدگاه حقوق بشر در هر مرحله قرار دارند.

||

||

ج. حق زنان به سطح شایسته زندگی

میثاق بین المللی حقوق مدنی، اجتماعی و فرهنگی حق بر غذا، پوشاک و مسکن، و بهبودی پیوسته شرایط زندگی به عنوان بخشی از حق به سطح شایسته زندگی برای خود و خانواده اشاره می‌کند (ماده ۱۱). حقوق زنان به زمین، اموال، مواد غذایی، آب و بهداشت آن، و همچنین کار و امنیت اجتماعی، ذاتاً با حق رسیدن به سطحی شایسته از زندگی پیوند دارد. همه این حقوق بموجب حقوق بین الملل بشر در بر دارنده حق بر بهره مندی بر پایه برابری با مردان و بدون تبعیض، تضمین شده است. دسترسی زنان به خدمات، به آموزش و پرورش و به منابع تولیدی در تحقق حقوق ذکر شده در بالا اهمیت دارد.

۱۱

زمین، اموال و خانه^{۴۳}

حقوق به زمین، خانه و اموال در برابری زنان و رفاهشان بایسته است. حقوق زنان در دسترسی و نظارت بر زمین، منزل و اموال عامل تعیین کننده ای در شرایط زندگی آنان به ویژه در اقتصاد روستایی به شمار می‌رود که برای زنان و بقای روزانه، امنیت اقتصادی و امنیت فیزیکی فرزندانشان بایسته است. با وجود اهمیت این حقوق برای زنان و زنان سرپرست خانوار، زنان هنوز هم به طور نامتناسبی فاقد امنیت برای تصدی می‌باشند^{۴۳}. بیشتر، این به دلیل ثبت اموال به نام یک مرد بوده که پدر، شوهر یا برادر زن است. در صورت جدایی، طلاق و یا بیوه گی، مرد یا خانواده او بیشتر حقوقشان به اموال یا زمین را حفظ می‌کنند در حالی که زن بی‌خانمان می‌شود یا در اموال با بستگان سببی خود بدون به دست آوردن نظارت یا حقوقی بر آن شریک خواهد شد.

۱۱

دسترسی به زمین و مسکن تحت حکومت نظام‌های تصرف زمین است. تصرف زمین رابطه ای است با تعریف قانونی یا عرفی بین مردم، اشخاص و گروه‌ها، با توجه به زمین. با توجه به گزارش عمومی شماره ۴ کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حق بر مسکن شایسته (۱۹۹۱) تصدی به شکل‌های گوناگون است، از جمله اجاره مسکن (عمومی و خصوصی)، تعاونی مسکن، اجاره، تصرف مالک، مسکن اضطراری و اسکان غیررسمی، از جمله تصرف زمین یا اموال. دوازده گونه تصدی، همه اشخاص باید درجه ای از امنیت را داشته باشند که تضمین کننده پشتیبانی قانونی در برابر تخلیه اجباری، آزار و اذیت و تهدیدات دیگر است.

قوانین تبعیض آمیز و نبود نظارت بر مال، زمین و مسکن به این معنی نیز می‌تواند باشد که زنان از فرایندهای تصمیم گیری جامعه توسط مردان که به گونه معمول صاحب زمینند حذف می‌شوند. در جوامع روستایی، مالکیت زمین هر دو وضعیت اجتماعی و روشی که در آن نظارت بر سر منابع و درآمد خانوار اعمال می‌شود را تعیین می‌کند. موقعیت اقتصادی محروم زنان در این گستره وابستگی ساختاری به مردان برای دسترسی به منابع ایجاد کرده، که به نوبه خود می‌تواند زنان را در معرض ناامنی و خشونت قرار دهد.

⁴³ United Nations Centre for Human Settlements, *Women's Rights to Land, Housing and Property in Post-Conflict Situations and During Reconstruction: A Global Overview*, Land Management Series No. 9 (Nairobi, 1999), p. 12.

رویه‌های فرهنگی و آیینی، و همچنین رویه‌های عرفی، همچنین می‌توانند بر حقوق زنان نسبت به زمین، اموال و مسکن تاثیر گذارند. این رویه‌ها بیشتر به صورت موازی با قوانین موضوعه وجود دارند. آن‌ها ممکن است درباره ملک، زمین و مسکن، علیه زنان تبعیض آمیز باشند و گاهی اوقات بر قوانین ملی چیره شوند (رویه‌های مذکور هرگز بدون نبوده اما می‌توانند در عمل جایگزین قوانین شوند، به عنوان نمونه زمانی که به صورت محلی اجراء شده یا زمانی که در مقام تفسیر قوانین موضوعه به کارگرفته می‌شوند). این امر به ویژه در مناطق روستایی اتفاق می‌افتد که در آن آداب و رسوم و رویه‌ها هنوز بر مسائل خانواده نفوذ داشته آن‌ها را شکل می‌دهد و موقعیت زنان را تعیین می‌کند. در اکثر موارد، این آداب و رسوم یا رویه‌ها موجب دسترسی زنان یا نظارت بر زمین، ملک و مسکن وابسته به یک مرد (شوهر، پدر یا برادر) می‌شود. در عمل، تفسیر قوانین موضوعه تحت تاثیر قوانین و رویه‌های عرفی و به زیان حقوق زنان است. جرگه‌های تصمیم گیری به گونه معمول تحت چیره گی مردان قرار دارند. زنان به ندرت می‌توانند در تصمیم گیری‌های مربوط به زمین، اموال و مسکن شرکت کنند، هرچند این مسائل آن‌ها را به گونه مستقیم و جدی تحت تاثیر قرار می‌دهد. تبعیض جنسیتی درون تشکیلات اداری رسمی نیز به محرومیت زنان از تصمیم گیری در سیاست‌ها و برنامه‌های درباره مسکن و زمین منجر می‌شود⁴⁴.

زنان درگیر با اشکال گوناگون تبعیض، به عنوان نمونه زنان سالمندتر، زنان معلول، زنان گرفتار HIV/ایدز یا زنان از آن به جوامع اقلیت یا گروه‌های بومی- با موانع اضافی در دسترسی به زمین و اموال زندگی می‌کنند. به عنوان نمونه، در بعضی نقاط زنان بیوه، بیشتر زنان سالمندتر، به قتل شوهرانشان از راه آلوده کردن آنان به ویروس اچ آی وی مقصر شناخته می‌شوند و بستگان سببی از این موضوع استفاده می‌کنند تا خلع ید و تخلیه آنان از املاک را توجیه کنند. زنان از دسترسی به منابع تولیدی که به آن‌ها نیاز شدید دارند برای برخورداری از مراقبت‌های پزشکی محروم می‌شوند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس به مالکیت، حق برخورداری از سطح زندگی شایسته از جمله مسکن (ماده ۱۷. ۱ و ۲) و حق بر تامین در صورت نبود امرار زندگی (ماده ۲۵) را بدون در نظر گرفتن جنس، برقرار ساخته است، و اعلام می‌کند هر کس باید از حقوق برابر در امر ازدواج در طول دوره زناشویی و هنگام فسخ آن (ماده ۱۶) برخوردار باشد. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، در مقررات گسترده ضد تبعیض خود (ماده ۲۶)، برابری در برابر قانون را تضمین و تبعیض بر پایه جنسیت را منع کرده است. این امر به همان اندازه بر وضع قوانین و سیاست‌ها در گستره اموال، مسکن و حقوق مربوط اعمال می‌شود. میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همچنین حق برخورداری از مسکن شایسته (ماده ۱۱) را تضمین می‌کند. افزون بر این، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان به گونه خاص از کشورها می‌خواهد همه اقدامات لازم برای از بین بردن تبعیض علیه زنان روستایی، و تضمین برخورداری آنان از شرایط زندگی شایسته، از جمله مسکن (ماده ۱۴. ۲)

⁴⁴ *Women and the Right to Adequate Housing*, chap. II, sects. C and F.

رابه انجام رساند. کنوانسیون همچنین آشکار می‌کند که دولت‌های عضو همه اقدامات لازم برای از بین بردن تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی را باید به انجام رسانده، به ویژه اطمینان یابند حقوق یکسان برای زوجین در خصوص مالکیت، تملک، مدیریت، تصدی و اداره، بهره مندی و انتقال ملک (ماده ۱۶. ۱) وجود دارد.⁴⁵

در برنامه اقدام پکن، دولت‌ها «تعهد به اصلاحات قانونگذاری و اداری برای اعطای حقوق برابر با مردان نسبت به منابع اقتصادی، از جمله دسترسی به مالکیت و نظارت بر اراضی و دیگر اشکال مالکیت، اعتبارات، ارث، منابع طبیعی و فن آوری‌های جدید شایسته به زنان» را پذیرفتند. همایش ۱۹۹۶ سازمان ملل متحد در مسکن بشر (همایش زیستگاه II) استانبول (ترکیه)، و بیانیه استانبول و دستور کار زیستگاه مربوط به آن، برنامه عملی را در گستره حقوق در پیوند، از جمله حق زنان در توسعه شهرک‌های انسانی ارائه داده است. برنامه مذکور دولت‌ها را به تامین حقوق تصدی و دسترسی برابر به اراضی برای همه، از جمله زنان و مردمانی که در تنگدستی زندگی می‌کنند متعهد کرده است.

زنان به گونه نامتناسبی با تخلیه اجباری تحت تاثیر قرار می‌گیرند، که پشتیبانی در برابر آن عنصر کلیدی در امنیت تصرف و حق بر مسکن شایسته است. تخلیه تنها تحت شرایط بسیار استثنایی و بموجب معیارهای دقیق وضع شده در حقوق بین الملل صورت پذیرد. دولت‌ها باید اقدامات خاصی هم راستا با معیارهای بین المللی مانند وضع و اجرای راهکارها ویژه برای پشتیبانی از زنان در برابر تخلیه، بعنوان نمونه از راه اعطای حق مالکیت زمین و مسکن به زنان اتخاذ کنند. دولت‌ها باید آنطور به ارزیابی تاثیر متفاوت اخراج بر زنان پردازند که به تاثیر خاص این امر بر آنان به درستی رسیدگی شود. زنان در دسترسی به اطلاعات مربوط، رایزنی و مشارکت کامل طی همه فرایندهای تخلیه حقوق برابر با مردان دارند. در صورت تخلیه، راه‌ها جبران خسارت و غرامت باید به یک اندازه در دسترس زنان قرار گیرد و دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند زنان در معرض تبعیض و یا خشونت‌های جنسی و یا بر پایه جنسیت قرار نمی‌گیرند. زنان باید در بهره‌مندی از هر بسته جبران خسارتی شریک باشند، و بیوه زنان یا زنان مجرد مستحق جبران خسارت مخصوص خودشانند.

⁴⁵ بنا به گزارش کمیته رفع تبعیض علیه زنان، زنان بموجب کنوانسیون باید از اهلیت قانونی مشابه مردان برخوردار شوند، بنحوی که یک زن بتواند قرارداد منعقد کند، مالک اموال باشد و از اعتبارات مالی برخوردار شود بدون اینکه شوهر یا عضو مرد خانواده رضایت دهد یا تضمین کند. حق مالکیت، اداره، بهره مندی و انتقال مال در حق زن به برخورداری از استقلال مالی اهمیت محوری داشته و همچنین در بسیاری کشورها در توانایی وی برای امرار معاش و فراهم آوردن مسکن و غذا برای خود و فرزندانش اهمیت اساسی دارد. در خصوص اموال متعلق به زوجین، حتی اگر قانون حق مالکیت در زمان ازدواج یا هنگام انحلال آن را به نسبت برابر به زن اعطاء کرده باشد، در عمل موانع زیادی وجود دارد از جمله قوانین یا عرف‌های تبعیض آمیز که مانع اعمال این حقوق زن می‌شوند و دولت‌ها باید به آنها بپردازند. همین امر در قوانین و عرف‌های درباره ارث هم وجود دارد و کمیته از دولت‌ها می‌خواهد مقررات درباره ارث که اصل مالکیت برابر بدست آمده در زمان ازدواج را تبیین نمی‌کنند لغو کنند.

(general recommendation No. 21 (1994)). See also Leilani Farha, "Women and housing", in *Women and International Human Rights Law*, Kelly D. Askin and Dorean M. Koenig, eds., vol. 1 (Ardslay, New York, Transnational Publishers, 1999), pp. 510-513.

”

پژوهش‌ها رابطه بین خشونت خانگی و حق زنان بر مسکن شایسته را نشان داده است و این امر در همه کارهای گزارشگران ویژه خشونت علیه زنان و حق بر مسکن شایسته تاکید شده است. اگر حق زنان بر مسکن شایسته به اندازه بسنده مورد پشتیبانی واقع نشده است، زنان در برابر خشونت بیشتر آسیب پذیر می‌شوند. کشف شده است که خشونت خانگی یکی از علل اصلی بی‌خانمانی زنان (و بیشتر فرزندان‌شان) بوده و بسیاری زنان سعی می‌کنند برای جلوگیری از بی‌خانمانی به روابط زناشویی توأم با سوء استفاده ادامه دهند. زنانی که مالک اموال یا زمین می‌باشند خشونت خانگی کمتر را تجربه کرده‌اند، که به اهمیت تامین امنیت تصدی زنان اشاره دارد.

”

فرض اینکه یک زن به جای از بین بردن سوء استفاده شوهر و نبود پشتیبانی مقامات محلی، جامعه یا قوانین و مقررات خانواده در از بین بردن سوء استفاده شریک زندگی، به «ترک» خانه محل سوء استفاده مجبور شده است، تا حد بسیاری نافی حق زنان بر مسکن شایسته و همچنین حق آنان به یک زندگی عاری از خشونت است. ازدحام بیش از حد، تنگدستی و بیکاری همچنین بر حقوق مندرج در فوق تاثیر گذاشته به گونه مستقیم سطح خشونت و سوء استفاده جنسی در منازل و جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. افزون بر این، پشتیبانی ناکافی از قربانیان خشونت خانگی، از جمله خانه و سرپناه نامناسب، کمک‌های حقوقی و اطلاعات ارائه شده به زنان درباره حقوقشان، دارای تاثیر بر سطح خشونت خانگی و بی‌خانمانی زنان است. در نتیجه، دولت‌ها باید به همه این مسائل به عنوان مسائل مربوط به حقوق زنان بر اموال، زمین، مسکن، زندگی، امنیت فردی، برابری جنسیتی و آزادی از خشونت و تبعیض بپردازند.”

در دعوی A. T. علیه دولت مجارستان، پرونده‌ای با موضوع خشونت خانگی، کمیته حکم داد که خانه و پناهگاه همیشه باید در دسترس باشد تا بتوان به ارائه پشتیبانی‌های موثر برای قربانیان خشونت خانگی پرداخت. افزون بر این، از دولت عضو خواسته شد اقدامات فوری و موثر برای تضمین سلامت جسمی و روانی A. T. و خانواده او را به عمل آورده اطمینان حاصل کند که به او خانه‌ای امن داده شده که در آن با کودکان خود زندگی می‌کند، پشتیبانی شایسته برای کودکان و معاضدت حقوقی را دریافت داشته و همچنین جبران خسارت او متناسب با آسیب جسمی و روانی تحمل شده و هم شدت با زیر پا نهادن حقوق او بوده است.

”

”

”

حق بر غذا، آب و بهداشت به یک اندازه برای رفاه و عزت و بهره‌مندی زنان از دیگر حقوق بشری بسیار مهم است. تغذیه اندک زنان در اوایل زندگی توان بالقوه یادگیری و تولید را کاهش می‌دهد و خطرات تناسل و سلامت مادر را افزایش می‌دهد. این امر تلاش برای از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی در همه عمر یک زن را نفی کرده، دارای اثرات بر مواردی مانند دسترسی زنان به منابع است. سرمایه گذاری در تغذیه زنان با توجه به نقش زنان خانواده در تولید و آماده سازی مواد غذایی و مراقبت از کودک، ظرفیت توسعه کلی هر کشور را بهبود می‌بخشد⁴⁶. وضعیت سلامت و خیم دختران و زنان و نقش سنتی آنان در گردآوری و مدیریت بهداشت آب در بسیاری جوامع تاثیر منفی بر روی آنان گذاشته است، و اذعان داشته شده که کمبود آب و بهداشت آن همچنین به گونه نامتناسبی بر آنها تاثیر می‌گذارد. زنان و دختران هنگام استفاده از آبریزگاه و هنگام استحمام نیاز بیشتری به حفظ حریم خصوصیشان دارند، به ویژه هنگامی که عادت ماهانه‌شان است، و افزون بر این، نداشتن دسترسی آسان به آبریزگاه و حمام، آنان را بیشتر در برابر تجاوز به عنف و دیگر اشکال خشونت بر پایه جنسیت آسیب پذیر می‌کند.

II

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی حق دسترسی به غذا را به رسمیت شناخته، و اذعان دارد که گام‌های بایسته‌تر و فوری‌تر ممکن است لازم باشد تا بتوان از حق اساسی همه به رهایی از گرسنگی و سوء تغذیه اطمینان حاصل کرد (ماده ۱۱). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در توضیحات کلی خود به شماره ۱۲ (۱۹۹۹) درباره حق بر غذای بسنده، مشخص کرده است که این حق نیازمند آن است که مواد غذایی به لحاظ فیزیکی و اقتصادی در دسترس همگان باشد. به گزارش کمیته، تعهد دولت این است که هر گام لازم را بردارد تا اطمینان حاصل شود که همه از گرسنگی رها شده‌اند و در اسرع وقت می‌توانند از حق به غذای بسنده بهره‌مند شوند. این امر به توسعه راهبردی ملی در امنیت غذایی نیاز دارد که به گونه خاص باید به نیاز جلوگیری از تبعیض دسترسی به مواد غذایی یا منابع غذایی پردازد، از جمله تضمین دسترسی کامل و برابر زنان به منابع اقتصادی، «از جمله حق ارث و مالکیت زمین و اموال دیگر، اعتبارات، منابع طبیعی و فن آوری شایسته؛ اقدامات برای احترام و پشتیبانی از خود اشتغالی و کاری که پاداشی فراهم می‌کند و زندگی شایسته برای مزدبگیران و خانواده‌های آنها تضمین می‌کند.»

به اعلام گزارشگر ویژه حق بر غذا، بسته شدن شکاف جنسیتی در کشاورزی برای دستیابی به هدف نخست توسعه هزاره بایسته است. برای این منظور، گزارشگر ویژه اقداماتی مانند «حذف قوانین و رویه‌های فرهنگی تبعیض آمیز؛ پشتیبانی از توسعه تعاونی‌های زنان؛ به کار گماردن زنان بیشتر در بخش خدمات گسترش؛ طرح‌های ایجاد حق مالکیت بر زمین همراه با پشتیبانی گسترده‌تر کشاورزی؛ صدور اسناد مالکیت زمین به نام هر دوی

⁴⁶ *Women and the Right to Food: International Law and State Practice*, Right to Food Studies (Rome, Food and Agriculture Organization of the United Nations, 2008), p. 8.

زن و شوهر؛ و تشویق کوشش های کشاورزی متنوع تر مانند کشت محصولات متنوع و ترکیب محصولات نقدی با محصولات امرار زندگی» را توصیه می‌کند⁴⁷. گزارشگر ویژه اشاره می‌کند زنان گروه ذینفع بزرگ و فعال اصلی در تحقق حق بر غذا می‌باشند، اما صدایشان به ندرت شنیده می‌شود چرا که در امور حقوقی، اقتصادی و سیاسی نمایندگان کمی دارند. در حالی که زنان ۸۰ درصد نیروی کار کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهند، آنان کمتر از یک درصد گسترها را مالکند و کمتر از یک درصد اعتبارات ارائه شده به کشاورزان در جهان از آن به ایشان است⁴⁸.

در سال ۲۰۱۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد حق بر آب سالم و بهداشت را به عنوان یک حق انسانی، از راه قطعنامه ۶۴/۲۹۲ به رسمیت شناخت. بنا به اعلام کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، این حق ذاتا با حق هرکس به برخورداری از سطح زندگی شایسته (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۱. ۱) و حق برخورداری از بالاترین سطح قابل حصول سلامت جسمی و روانی (همان، ماده ۱۲. ۱) مربوط است. آب لازمه یک زندگی درخور و باارج بوده و بهره وری از برخی حقوق دیگر بشر بستگی به دسترسی به آب دارد. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان قید می‌کند که دولت‌های عضو باید اطمینان یابند شرایط زندگی شایسته زنان، از جمله در خصوص ذخایر آب (ماده ۱۴. ۲) تامین شده است. اطمینان حاصل شود. کمیته حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در نظر عمومی شماره ۱۵ (۲۰۰۲) خود بر حق بر آب تاکید دارد که دولت‌ها باید توجه خاص به کشاورزان به حاشیه رانده شده از جمله زنان کشاورز میزبان دارد و اطمینان یابد به آب و مدیریت نظام‌های آبی دسترسی منصفانه دارند. آب باید در دسترس، دارای کیفیت به اندازه بسنده خوب، و از نظر اقتصادی و عینی، بدون تبعیض، در دسترس باشد.

دولت‌های عضو تعهدات فوری در خصوص حق بر آب دارند، از جمله بعضی تعهدات اساسی و خاص که مبین حداقل سطحی است که تعهدات مقرر در میثاق در هر زمان باید آن را فراهم سازند. تضمین حق دسترسی به آب و امکانات و خدمات آب بر مبنایی غیر تبعیض آمیز، به ویژه برای گروه‌های در حاشیه یا محروم، بخشی از این تعهدات اساسی است. در خصوص حق زنان بر آب، نظر عمومی شماره ۱۵ (۲۰۰۲) مشخص می‌کند دولت‌ها برای اطمینان یافتن از مستثنی نشدن زنان در فرایندهای تصمیم گیری درباره منابع آب و استحقاق نسبت به آن مراحل را باید طی کنند، و تضمین کنند فشار مضاعف بر زنان گردآورنده آب کاهش یافته است.

۱۱

گزارشگر ویژه حقوق بشر به آب آشامیدنی سالم و بهداشت در گزارش خود بر انگا و تحقق حقوق بشر بر آب و بهداشت (HRC/۲۱A/۴۲) روشن کرده است چگونه تلاقی ویژگی‌های گوناگون می‌تواند ترکیبی از تبعیض‌های گریبانگیر گروه‌ها یا اشخاص خاص، مانند یک زن و یک کارگر جنسی، یک زن آلوده به HIV، یا زن بودن و تعلق به یک گروه به حاشیه رانده شده را بوجود آورد. انگی که بر این گروه از زنان زده شده تا حد بسیاری بر دسترسی آنان به آب و بهداشت تاثیر می‌گذارد. زنان در قاعده گی

⁴⁷ www.srfood.org/en/gender (accessed 8 November 2013).

⁴⁸ Ibid. See also gender resources on the website of the Food and Agriculture Organization of the United Nations: www.fao.org/gender/gender-home/gender-resources/en/ (accessed 8 November 2013).

نیز با این انگ رویارویند و قاعدگی هنوز به عنوان یک تابو در بسیاری از کشورها باقی مانده است. زنان بیشتر فاقد امکانات شایسته و حریم خصوصی مورد نیاز برای تعویض یا شست و شو در دوران قاعدگی‌اند، و ادراکات فرهنگی که زنان قاعده را «آلوده» یا «ناخالص» می‌دانند به کاسته شدن تحرک یا حتی انزوایشان و همچنین محدودیت‌های رژیم غذایی و دسترسی محدود به منابع آب و غذا در دوران قاعده گی منجر می‌شود. تابوها و رویه‌های ریشه دار و عمیق درباره قاعده گی نیز تاثیر منفی بر حق دختران به آموزش دارند، چرا که دختران ممکن است در دوران قاعده گی از مدرسه غایب باشند، یا به دلیل اینکه هیچ امکانات شایسته ای در مدرسه نیست یا اینکه آنان از سوی خانواده‌هایشان به سبب رویه‌های فرهنگی جدا شده‌اند. برای پیکار با سکوت و انگ زدن، دولت‌ها باید مطمئن شوند دسترسی بسنده به اطلاعات درباره قاعده گی و بهداشت، از جمله آموزش‌های جنسی فراگیر در مدارس درباره قاعده گی، با مخاطب قرار دادن هر دو گروه دختران و پسران وجود دارد. ارائه تسهیلات بهداشتی کافی هم باید تضمین شود.

۱۱

حق بر کار و تامین اجتماعی شایسته

افزون بر دیگر حقوق، حق بر کار و امنیت اجتماعی با حق به برخورداری از سطح شایسته زندگی و بهبودی پیوسته شرایط زندگی برای خود و خانواده ارتباط دارد. بنا به گزارش سازمان بین المللی کار (ILO)، زنان موانع سازمانی را تقریباً در هر جنبه از کار تجربه می‌کنند، از جمله اینکه آیا بابت کارشان مزدی پرداخته شده است، یا نوع کاری که یافته‌اند و یا از گرفتنش محروم شده‌اند، یا در دسترس بودن پشتیبانی‌هایی مانند مراقبت از کودکان هنگام کار مادران، یا سطح حقوق و دستمزدشان، یا شرایط کاری آنان، یا دسترسی‌شان به مشاغل «مردانه» با حقوق بالاتر، یا ناامنی شغل آنان، یا نبود حقوق بازنشستگی یا مزایا، و یا کمبود وقت، منابع یا اطلاعات لازم برای اعمال حقوقشان⁴⁹. زنان اکثریت فقیر در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را تشکیل می‌دهند، و همچنین با توجه به نقش آنان به عنوان مادر، پرستار، کارگر غیر رسمی، مهاجر و کارگر موقت و پاره وقت، با موانع بسیار برای دسترسی به تامین اجتماعی رویارویند. حق کلی به کار در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۶) مقرر شده است. میثاق افزون بر این، حق همگان برای بهره‌مند شدن از شرایط کار عادلانه و مساعد، به ویژه حق بر شرایط کاری ایمن (ماده ۷) را به رسمیت می‌شناسد. میثاق همچنین به حقوق جمعی مربوط به کار، مانند حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حق اختیاری پیوستن به اتحادیه صنفی (ماده ۸) می‌پردازد. آنطور که کمیته در نظر عمومی شماره ۱۸ (۲۰۰۵) درباره ماده ۶ میثاق توضیح می‌دهد، کار باید شایسته و معقول باشد، یعنی به حقوق اساسی فرد و همچنین حقوق کارگر به کار ایمن و همراه با دستمزد احترام گذارد. بنابراین دولت‌ها باید راهکارهایی اتخاذ کنند تا در حد امکان شمار کارگران خارج اقتصاد رسمی (عمدتاً زنان) که در نتیجه فاقد هر گونه پشتیبانی از جانب دولتند را کاهش دهند. کار باید فراهم و از هر حیث بدون تبعیض در دسترس و قابل پذیرفتن برای شخص کارگر باشد. باشد. باز،

⁴⁹ See www.ilo.org/public/english/support/lib/resource/subject/gender.htm (accessed 8 November 2013).

دولت تکلیف فوری دارد که تضمین کند حق به کار بدون تبعیض رعایت شده و به سوی تحقق حق به کار و اشتغال کامل گام‌های ارادی، قطعی و هدفمندی را بردارد.

||

کمیت‌افزون بر این نیاز به «یک نظام فراگیر پشتیبانی برای پیکار با تبعیض جنسیتی و اطمینان از فرصت‌ها و رفتار برابر نسبت به زنان و مردان در خصوص حقتشان به کار با تضمین دستمزد برابر در برابرکار با ارزش برابر» را مورد تاکید قرار داده و اینکه «به گونه خاص، بارداری‌ها نباید مانعی برای اشتغال تلقی شود و نباید توجیهی برای از دست دادن شغل در شمارآید.»

||

کنوانسیون اصلی سازمان بین‌المللی کار در امر برابری جنسیتی و در موضوع کار، کنوانسیون شماره ۱۱۱ (۱۹۵۸) در منع تبعیض (به کار گماردن و اشتغال) است که مقرر می‌کند دولت‌ها باید سیاست ملی برای گسترش برابری فرصت‌ها و رفتارها درباره به کار گماردن و اشتغال با هدف از بین بردن تبعیض بر پایه جنسیت را اعلام و پیگیری کنند. دیگر کنوانسیون قابل توجه، کنوانسیون شماره ۱۰۰ (۱۹۵۱) درباره دستمزد و پاداش برابر برای کار با ارزش برابر است که به گونه خاص به پرداخت دستمزد برابر برای کار برابر زن و مرد می‌پردازد. همچنین، کنوانسیون شماره ۱۵۶ (۱۹۸۱) درباره کارگران با مسئولیت‌های خانوادگی و کنوانسیون شماره ۱۸۳ (۲۰۰۰) در پشتیبانی از مادران از این دسته‌اند. شمار بسیاری از دیگر کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار از دیدگاه جنسیتی وجود دارد، از جمله کنوانسیون درباره ارتقاء شغلی، شرایط کار، و همچنین پشتیبانی از دسته‌های خاص، مانند اشخاص گرفتار HIV/AIDS، مردمان بومی و قبیله‌ها، کارگران مهاجر و کارگران داخلی⁵⁰.

||

همچنین، حق برخورداری از تامین اجتماعی، از جمله بیمه‌های اجتماعی، در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۹) پیش‌بینی شده است. بنا بر توضیح کلی شماره ۱۹ (۲۰۰۷) کمیته حق برخورداری از تامین اجتماعی، این امر در تضمین شایستگی انسانی برای همه اشخاص، زمانی که با شرایطی رویارویند که آنان را از اهلیتشان برای تحقق کامل حقوق برخاسته از میثاق محروم می‌کند اهمیت محوری دارد. حق بر تامین اجتماعی در بر دارنده حق دسترسی و حفظ منافع بدون تبعیض به منظور تضمین پشتیبانی‌ها هم است، از جمله، در برابر نبود درآمد حاصل شده از کار که به علت بیماری، ناتوانی، زایمان، آسیب‌های کار، بیکاری، کهولت یا مرگ یکی از اعضای خانواده، مراقبت‌های بهداشتی گزاف و یا پشتیبانی نابسند خانواده، به ویژه نسبت به کودکان وابستگان بزرگسال است.

||

مردان و زنان باید به یک اندازه از حق تامین اجتماعی برخوردار باشند (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مواد ۲.۲ و ۳). در توضیح کلی شماره ۱۶ (۲۰۰۵) خود در حق برابر مردان و زنان در بهره‌مندی از تمامی حقوق اقتصادی، اجتماعی و

⁵⁰ ILO, *Gender Equality and Decent Work: Selected ILO Conventions and Recommendations that Promote Gender Equality as of 2012*, 3rd rev. ed. (Geneva, 2012). Available from www.ilo.int/global/standards/information-resources-and-publications/publications/WCMS_088023/lang-en/index.htm.

فرهنگی، کمیته اشاره می‌کند که اجرای ماده ۳ توام با ماده ۹ نیازمند این است که، برای نمونه، سن بازنشستگی اجباری مردان و زنان برابر بوده، تضمین شود زنان مزایای برابر برنامه‌های بازنشستگی بخش‌های دولتی و خصوصی را دریافت می‌کنند و تضمین مرخصی زایمان برای زنان، و مرخصی پدران برای مردان و همچنین مرخصی والدین برای هر دو مردان و زنان در این مواقع تضمین شود. در توضیح کلی شماره ۱۹ (۲۰۰۷) خود در حق بر تامین اجتماعی، کمیته اشعار می‌دارد دولت‌های عضو برای از بین بردن عواملی که از کمک برابر زنان به طرح‌های تامین اجتماعی و پیوند مزایا با کمک‌ها جلوگیری کرده است، گام‌هایی باید بردارند. تفاوت در متوسط عمر مردان و زنان نیازمند در شمارآمدن در طراحی نقشه‌ها است، چرا که آن‌ها می‌توانند به تبعیض بالفعل منجر شوند، و طرح‌های غیر مشارکتی نیز باید در شمارآوردن که زنان بیشتر از مردان در تنگدستی زندگی کرده و به تنهایی مسئولیت مراقبت از کودکانشان را بر عهده دارند. برنامه‌های بازنشستگی مشارکتی، با احتمال دریافت حقوق بازنشستگی و دیگر مزایای مشارکتی کمتر زنان سالمندتر می‌تواند نابرابری‌ها را برجسته سازد⁵¹. توصیه عمومی شماره ۲۷ (۲۰۱۰) درباره زنان سالمندتر و پشتیبانی از حقوق بشر آنان پس از آن درباره گونه‌های بسیار تبعیض‌گرایانگیر زنان سالمندتر بحث می‌کند. زنان در بخش‌های رسمی اشتغال کمتر حضور دارند و گرایش به پرداخت حقوق کمتر برای کار همسان یا کار با ارزش برابر به این دسته است. به گزارش کمیته، این تبعیض بر پایه جنسیت در سراسر زندگی زنان دارای اثر جمعی در سن بالاتر بوده، به درآمد به طور نامتناسب کم و حقوق بازنشستگی کم و یا حتی نبود حقوق بازنشستگی منجر می‌شود.

د. خشونت علیه زنان

اعلامیه زدودن خشونت علیه زنان «خشونت علیه زنان» را «هر عمل خشونت بار مربوط به جنسیت که منجر به آسیب فیزیکی، جنسی و یا روانی، یا درد و رنج زنان شده یا به احتمال زیاد می‌شود، از جمله تهدید به انجام آن گونه اعمال، وارد کردن فشارها یا محروم کردن خودسرانه از آزادی، که خواه در منظر عموم یا در زندگی خصوصی اتفاق می‌افتد.» تعریف می‌کند.

||

از آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، خشونت علیه زنان توجه بسیاری را در گفتمان حقوق بشری جلب کرده است. با این حال، برای متقاعد کردن جامعه بین‌المللی به بحث درباره خشونت علیه زنان به عنوان یک نگرانی حقوق بشری و اذعان به این امر که خشونت بر پایه جنسیت زیر پا نهادن جدی حقوق بشر و دارای اهمیت جهانی و تهدیدی علیه توسعه انسانی و نیز صلح و امنیت بین‌المللی است، پیکار دراز و مداومی از سوی جنبش حقوق زنان درگرفت.

||

دستور کار همایش جهانی ۱۹۹۳ حقوق بشر برگزار شده در وین نخست به زنان یا هر وجه جنسیتی حقوق بشر اشاره نکرده است. این جنبش حقوق

⁵¹ See also the report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the human rights situation of older persons (E/2012/51), para. 51.

زنان بود که توجهات را به موضوع خشونت علیه زنان را طی همایش جلب کرد و از جمله به شناسایی از بین بردن خشونت علیه زنان در زندگی خصوصی و عمومی به عنوان یک تعهد حقوق بشری انجامید⁵².

پس از آن، مجمع عمومی اعلامیه زدودن خشونت علیه زنان را در دسامبر سال ۱۹۹۳ تصویب کرد. این نخستین سند بین المللی بود که به گونه خاص به این موضوع می‌پرداخت. اعلامیه اذعان می‌دارد خشونت علیه زنان زیر پا نهادن حقوق و آزادی‌های اساسی زنان و مظهر روابط قدرت نابرابر به لحاظ تاریخی بین مردان و زنان است. اعلامیه از دولت‌ها می‌خواهد خشونت علیه زنان را محکوم کرده به سوی ریشه کن کردن آن حرکت کنند. کمیسیون حقوق بشر گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن را در سال ۱۹۹۴ منصوب کرد. ایجاد این مأموریت توسعه پویای معیارهای حقوق بشری برای پاسخ به چالش‌های معاصر و مسائل در حال پیدایی با توجه به خشونت علیه زنان را موجب شده است. گزارشگر ویژه، از راه پژوهش‌های خود، مفاهیم و چارچوب‌های حقوقی مربوط به حقوق بشر زنان و خشونت علیه زنان را به گونه شایانی توسعه داده است⁵³. چهارمین همایش جهانی زنان، دوباره بر نتیجه گیری‌های همایش جهانی وین تاکید کرده، خشونت علیه زنان را در فهرست گستره‌های ۱۲ گانه بسیار مهم لحاظ کرده است⁵⁴.

||

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان به روشنی خشونت علیه زنان اشاره نمی‌کند، اما کمیته، در توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) خود با موضوع خشونت علیه زنان، اظهار داشته «خشونت اعمال شده علیه یک زن به علت این است که او یک زن است یا زنان را به گونه نامتناسبی تحت تاثیر قرار می‌دهد». چنین خشونتی به گونه جدی توانایی زنان به بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها بر پایه برابری با مردان را مهار می‌کند. تصویب این توصیه عمومی مقدمه‌ای زندگی بر شناسایی مساله در همایش جهانی وین به شمار می‌رفت.

زنان در همه کشورها، دوران وضعیت، طبقه اجتماعی، سن، گروه یا آیین، تقریباً در همه گستره‌های زندگی خشونت را تجربه می‌کنند، خواه در خانه و در محل کار، خواه در خیابان، در سازمان‌های دولتی، و یا در زمان جنگ یا بحران. خشونت همچنین در همه طول عمر یک زن حضور داشته، بر دختران و زنان سالمندتر هم اثر می‌گذارد. گروه‌های خاص زنان گرفتار اشکال گوناگون تبعیض، مانند زنان معلول یا زنان مهاجر، لزبین، دوجنسی و ترانسیستی، به ویژه در برابر خشونت آسیب پذیر می‌باشند. یک

⁵² Charlotte Bunch and Niamh Reilly, *Demanding Accountability: The Global Campaign and Vienna Tribunal for Women's Human Rights* (Center for Women's Global Leadership, 1994), pp. 2-8.

کند و کاو بر حقوق بشر با آگاهی اینکه خشونت علیه زنان جلوه‌ای از روابط قدرت نابرابر بین زنان و مردان در طول تاریخ است اشعار می‌دارد علل خاص این خشونت‌ها و عواملی که خطر وقوع آن را افزایش می‌دهند با گستره گسترده‌تر تبعیض بر پایه جنسیت سازمان یافته علیه زنان و دیگر اشکال در بند بودن آنان رخ داده است. آسیب پذیری در برابر خشونت به عنوان شرایط بوجود آمده در نتیجه نبود یا محرومیت از حقوق قابل آگاهی است.⁵⁵

خشونت علیه زنان در خانواده می‌تواند به شکل خشونت خانگی یا رفتارهای زیان بار یا اهانت آمیز درآید که علیه زنان به طور خشن و یا انقیاد آمیز در جریان بوده است. بازدیدهای کشوری گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان نشان داده است خشونت خانگی به طور گسترده باقی مانده است و زنان را در همه اقصای اجتماعی تحت تاثیر قرار می‌دهد (A / ۶۶ / ۲۱۵). شیوه‌های زیان بار و اهانت آمیز مانند خشونت مربوط به جهیزیه و یا به اصطلاح قتل‌های ناموسی، همچنان بدون نظارت، مجازات یا جبران زیان سازمان یافته، با وجود پیشرفت‌های قانونگذاری در منع آن‌ها در جریان است. نمونه‌های دیگر خشونت در خانواده، حمله‌های درون منزل (خشونت فیزیکی، روانی، عاطفی، مالی یا جنسی)، تجاوز از سوی شوهر، زن کشی یا قتل با انگیزه جنسیتی (قتل درون منزل، قتل تشریفاتی یا کشتار زنان متهم به جادوگری با مجازات توسط عوام و یا قتل‌های مربوط به هویت بومی و قومی و همچنین هویت جنسیتی و گرایش مربوط به جنس)، ازدواج کودکان، ختنه زنان و سقط‌های انجام شده برای انتخاب جنس اولاد است.⁵⁶

دیگر اشکال خشونت علیه زنان در جامعه رخ می‌دهد. نمونه‌هایی از این خشونت می‌تواند تجاوز، آزار جنسی، خشونت درون نهادهای اجتماعی، خشونت علیه کارگران زن مهاجر، خشونت‌های مربوط به جادوگری یا قتل (A / ۶۶ / ۲۱۵ و / HRC / A / ۱۱۲ / ۲) باشد. اگر چه در اکثر موارد زنان جوان در معرض خطر بالاتر خشونت‌های مربوط به جادوگری قرار دارند، در برخی نقاط آفریقا زنان سالمندتر با توجه به وابستگی اقتصادی به دیگران یا حقوق مالکیتشان، در زن کشی‌های مربوط به جادوگری بیشتر آسیب پذیرند (/ HRC / A / ۲۰ / ۱۶).

خشونت علیه زنان توسط دولت نیز ارتکاب می‌یابد یا از آن چشم پوشی می‌شود. این گونه خشونت می‌تواند در بر دارنده خشونت بر پایه جنسیت طی جنگ، ناپدید شدن یا قتل‌های فراقضایی، خشونت طی بازداشت، خشونت علیه پناهندگان و زنان آواره، یا زنان از آن به گروه‌های بومی یا اقلیت باشد (/ A / ۶۶ / ۲۱۵). همانطور که در زیر توضیح داده خواهد شد، مسئولیت دولت همچنین می‌تواند بابت اعمال خصوصی مورد استناد قرار گیرد. به عنوان نمونه، هنگامی که مقامات دولت مرتکبین مستقیم اعمال خشونت بار نبوده‌اند.

⁵⁵ "In-depth study on all forms of violence against women" (A/61/122/Add.1), para. 65.

⁵⁶ Radhika Coomaraswamy and Lisa M. Kois, "Violence against women", in *Women and International Human Rights Law*, vol. 1, pp. 184-186. See also the Special Rapporteur on violence against women's report on gender-related killings of women (A/HRC/20/16), para. 16.

رویه کمیته رفع تبعیض علیه زنان

در پرونده Şahide Goekce (مرحوم) علیه دولت اتریش، بیانیه شماره ۲۰۰۵/۵، دودلیات ادعا کردند دولت در تضمین حق زندگی و امنیت شخصی خانم Goekce ناکام مانده است. متعاقب ادامه خشونت‌های خانگی گزارش شده به پلیس، این زن توسط شوهرش کشته شده بود. پلیس آگاه بود که شوهر خانم Goekce دارای تپانچه‌ای است و نامبرده را در موارد بسیار به کشتن تهدید کرده است.

در پرونده فاطمه ییلدریم (مرحوم) علیه دولت اتریش، بیانیه شماره ۲۰۰۵/۶ هم، قربانی توسط شوهرش پس از چند تهدید به مرگ گزارش شده به پلیس، کشته شده بود. شاکیان ادعا کردند دولت در اتخاذ اقدامات مثبت شایسته برای پشتیبانی از حق قربانی به زندگی و امنیت شخصی ناکام مانده است.

در هر دو مورد، کمیته توصیه کرد دولت عضو اجراء و نظارتش بر قوانین ملی در موضوع خشونت خانگی را با «اقدام و تلاش برای پیشگیری و پاسخ دادن به چنین خشونتی علیه زنان تقویت کرده ضمانت اجرای بسنده برای نبود انجام این مهم را پیش بینی کند.» کمیته زیر پا نهادن حقوق متوفی به زندگی و سلامت جسمی و روانی موضوع ماده ۲ (a) و (f) - (c) و ماده ۳ در ارتباط با ماده ۱ کنوانسیون و توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) را احراز کرد. کمیته در نظر گرفت با توجه به ترکیبی از عوامل، پلیس می‌دانسته یا بایست می‌دانست که قربانیان در معرض خطر جدی قرار دارند، و در نتیجه بر این باور بود که پلیس بابت نبود توجه و کوشش برای پشتیبانی از بزه دیده مسوول است.

۱۱

کمیته در توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) خود روشن می‌کند دولت‌های عضو می‌توانند بابت اعمال خصوصی خشونت بار مسئول شناخته شوند، اگر «نتوانند در پیشگیری از زیر پا نهادن حقوق یا پیگرد و مجازات اعمال خشونت آمیز و تامین غرامت سعی و دقت لازم را بعمل آورند.» این تعهد دولت‌ها به سعی و دقت همچنین در اعلامیه سازمان ملل متحد بر زدودن خشونت علیه زنان تکرار می‌شود. گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان به موازین سعی و کوشش از منظر تعهدات دولت به پیشگیری، پیگرد، مجازات و جبران خسارت اعمال خشونت آمیز علیه زنان (۴E/CN.۴/۲۰۰۶/۶۱) اشاره می‌کند⁵⁷. گزارشگر ویژه در گزارش سال ۲۰۱۱ خود به مجمع عمومی (A/۶۶/۲۱۵)، شیوه‌های در حال تحول در ملاک‌های سعی و کوشش، رویه قضائی و

⁵⁷ در بسیاری حوزه‌های حقوق، معیارهای دقت و سعی بایسته به کار می‌رود تا ارزیابی شود آیا یک دولت به تعهدات خود عمل کرده است یا خیر. در حقوق بشر، معیار مذکور به عنوان ابزاری برای صاحبان حق بکاربرده می‌شود تا صاحبان تکلیف را از طریق ارائه یک چهارچوب ارزیابی برای احراز آنچه ایفاء موثر تعهد بشمار می‌آید، مسوول بشناسند و فعل یا ترک فعل صاحب تکلیف را تحلیل کنند. این امر خصوصاً در صورتی مهم است که نقض بالقوه با عدم ادای تکلیفی محقق شود که بر عهده شخص مکلف بوده است، چرا که بر صاحبان حق احراز این که ترک فعل نقض حقوق آنان بدون مبنایی هنجاری برای ارزیابی بشمار آمده است می‌تواند دشوار باشد.

چالش‌های باقی مانده را مورد بررسی قرار داد. به عقیده گزارشگر ویژه، تعهد به سعی و کوشش دولت تحت حقوق بشر بین الملل، در بر دارنده پیشگیری، پیگرد، مجازات اعمال خشونت آمیز علیه زنان، پشتیبانی از زنان در برابر خشونت، و تامین جبران خسارت و غرامتی موثر به قربانیان خشونت است.

۱۱

دادگاه حقوق بشر کشورهای آمریکایی: رویه قضائی

پرونده گونزالس و دیگران («مزرعه پنبه») علیه مکزیک (حکم مورخ ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹)، با موضوع آدم ربایی، خشونت جنسی و قتل دو کودک و یک زن توسط مرتکبین غیر دولتی، یکی از صدها مورد متشابه ناپدید شدن، تجاوز و قتل عمدتاً زنان و دختران مهاجر بود که در سیوداد خوارز مکزیک رخ داده بود. دادگاه برای نخستین بار تعهدات مثبت دولتها برای پاسخ دادن به خشونت علیه زنان از سوی عوامل خصوصی را در نظر گرفت. دادگاه به موضوعات در چهارچوب خشونت گسترده علیه زنان و تبعیض ساختاری پرداخت و دریافت که خشونت علیه زنان تشکیل دهنده گونهی از تبعیض است. دادگاه حقوق بشر قاره آمریکا از تعهد به سعی و دقت دولت برای پیشگیری، پیگرد و اعمال مجازات در برابر خشونت علیه زنان تفسیر موسعی ارائه کرده است. دادگاه با استفاده از مفهوم غرامت حساس به جنسیت و رویکردی متحول و تلاش نه تنها برای اعاده که برای اصلاح، اعلام کرد غرامت باید «برای شناسایی و از بین بردن عواملی که سبب تبعیض می‌شود طراحی شده باشد» و در انجام این مهم باید هدف تبدیل گستره نابرابری جنسیتی که مسبب خشونت است را داشته باشد. افزون بر این، دادگاه به مکزیک دستور داد از مجموعه گسترده‌ای از اقدامات جبرانی تبعیت کند، از جمله ساخت یک بنای یادبود ملی، انجام پژوهش‌های تازه و تامین غرامت بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ دلاری برای هر خانواده طرف قضیه.

گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقانونی، سریع یا خودسرانه همچنین به قتل‌های ارتكابی اشخاص خصوصی، مانند قتل توسط گروه‌های غیرقانونی، ضابطین مردمی عدالت، «قتل‌های ناموسی» یا خشونت خانگی منجر به قتل پرداخته است. بنا به ماموریت تعریف شده، یک قتل خصوصی جدا، در زمره جرائم داخلی بحساب آمده به مسئولیت دولت منجر نمی‌شود. با این حال، آنجا که الگویی برای قتل و پاسخ دولت (خواه نسبت به پیشگیری و خواه پاسخگویی) وجود داشته و نابسندیده بوده است، مسئولیت دولت به بین می‌آید. بر پایه حقوق بشر، دولت نه تنها از زیر پا نهادن مستقیم حق زندگی ممنوع است، بلکه همچنین لازم است از حق بر زندگی اطمینان یابد، و باید تعهداتش به سعی و دقت و اتخاذ اقدامات شایسته برای پیشگیری، مهار، تحقیق، تعقیب و مجازات عاملان را ایفاء کند (HRC//۱۴/ A ۲۴).

درباره قتل زنان بر پایه جنسیت شان، گزارشگر ویژه درباره خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۲ گزارش داد که گسترش آن‌ها در حال افزایش است و نبود پاسخگویی برای این گونه جنایات هنجار رایج به شمار می‌آید/ A

(/ HRC ۲۰۱۶) گزارشگر ویژه بیان داشت که این رویدادها جداگانه نبوده بلکه نشان دهنده عمل نهایی است که در یک زنجیره خشونت در برابر زنان تحت شرایط تبعیض جنسیتی انجام می‌شود. گزارشگر ویژه افزوده است بر یک رویکرد فراگیر برای جلوگیری از قتل‌های جنسیت محور در همه اقدامات انجام شده توسط دولت‌ها باید تاکید شود تا خشونت موضوع تحقیق و مجازات قرار گیرد، به ویژه در طراحی، پیاده سازی و ارزیابی قوانین و سیاست‌ها.

کمیته حقوق بشر در توضیح عمومی شماره ۲۸ (۲۰۰۰) خود، تاکید کرد همه حقوق مدنی و سیاسی میثاق باید بر پایه برابری مردان و زنان تضمین شود و، در نظر عمومی شماره ۲۰ (۱۹۹۲) خود در منع شکنجه یا دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز، اعلام کرد این وظیفه دولت عضو است که پشتیبانی هر کس از راه قانونگذاری و دیگر اقدامات لازم را مقابل شکنجه یا هر رفتار یا مجازات ستمگرانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز فراهم آورد، چه توسط مردم و در اقدام بموجب اهلیت رسمیشان یا، خارج اهلیت رسمیشان و در قالب اهلیت خصوصی. افزون بر این، گزارشگر ویژه شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز استدلال می‌کند برای اعمال چارچوب پشتیبانی در شکنجه به شیوه جنسیت فراگیر با هدف تقویت پشتیبانی از زنان از شکنجه باید راهکاری اتخاذ شود. بنا به اظهار گزارشگر ویژه، تعهدات دولت تحت کنوانسیون پیکار با شکنجه، افزون بر موارد زیر پا نهادن حقوق بشر توسط مقامات دولتی، به روشنی به گستره خصوصی هم توسعه یافته است (A/HRC/۳/۷)

کمیته ضد شکنجه، در توضیح کلی خود به شماره ۲ (۲۰۰۸) درباره اجرای ماده ۲ توسط کشورهای عضو، همچنین بیشتر روشن ساخت که نیاز موضوع ماده یک کنوانسیون علیه شکنجه به «رضایت یا پذیرفتن» دولت، معادل تعهدی است که به سعی و دقت آن دولت به پیشگیری، تحقیق، تعقیب و مجازات شکنجه توسط مقامات دولتی یا بخش خصوصی در همخوانی با کنوانسیون شده است. کمیته این اصل را در برابر موارد ناکامی دولت‌های عضو در پیشگیری و پشتیبانی از قربانیان خشونت بر پایه جنسیت، مانند تجاوز، خشونت خانگی، ختنه زنان و قاچاق استفاده کرده است.

گزارشگر ویژه درباره شکنجه با اشاره به تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی مانند تهدید به تجاوز جنسی، لمس کردن، «معاینه بکارت»، عریان کردن اشخاص، تفتیش بدنی خارج از حدود متعارف، توهین و تحقیر با مضامین جنسی، و همچنین سقط جنین اجباری و محرومیت از دسترسی به سقط جنین ایمن برای زنان بارداری که به علت تجاوز به عنف باردار شده‌اند، به عنوان اشکال خشونت یاد کرده است که می‌تواند شکنجه‌های بر پایه جنسیت در شمار آید. بنا به اعلام گزارشگر ویژه، ناتوانی قربانی و هدف از انجام عمل، مهم‌ترین عناصر برای تعیین این است که آیا عمل مذکور شکنجه در شمار می‌آید یا اینکه در زمره دیگر رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار دارد. گزارشگر ویژه فراتر اشاره کرد به اینکه با توجه به آسیب پذیری خاص زنان معلول،

سقط جنین و نازا سازی اجباری این دسته از زنان در صورتی که نتیجه یک فرآیند قانونی باشد که طی آن، تصمیمات از سوی «قیم قانونی» شان مقابل اراده آنان گرفته شده باشد، هم ممکن است شکنجه یا بدرفتاری در شمار آید. بنا به اعلام گزارشگر ویژه، خشونت به نام ناموس، خشونت و آزار جنسی، و همچنین شیوه‌های همسان برده داری که بیشتر با ماهیت جنسی است، خشونت خانگی (در قالب خشونت اعمال شده از سوی شریک زندگی خصوصی)، ختنه زنان و قاچاق انسان هم می‌تواند از شکنجه‌های بر پایه جنسیت و یا دیگر رفتارهای ستمگرانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز در شمار آید (/HRC/ ۳/۷A).

گروه کار درباره ناپدید شدن‌های اجباری یا غیر داوطلبانه نیز، جنبه‌های خاص جنسیتی ناپدید شدن را به رسمیت شناخته شده است، هنگامی که زنان خود قربانیان ناپدید شدن به شمار می‌آیند یا از اعضای خانواده اشخاص ناپدید شده‌اند. در این راستا، گروه کار بر تعهدات دولت برای جلوگیری و پاسخ دهی به همه مصادیق خشونت بر پایه جنسیت، از جمله ناپدید شدن‌های اجباری، تامین مشارکت زنان در رسیدگی‌های حقیقت یابی، و پشتیبانی از حق زنان به جبران زیان، در بین دیگر موارد مورد نیاز تاکید کرد (/HRC/WGEID/ ۲/۹۸A).

به گونه کلی، هر دو امر آگاهی وسیع‌تر خشونت علیه زنان و تفسیر بیشتر حساس به جنسیت در حقوق بشر در حال توسعه بوده است، و در سطح جهان آگاهی بیشتر نسبت به شدت مشکل خشونت علیه زنان وجود دارد. بسیاری کشورها با اتخاذ قوانین جدید درباره خشونت علیه زنان پیشرفت‌های شایانی کرده‌اند، اما اعمال قانون، آموزش شایسته مقامات مجری قانون، و همچنین اقدامات قابل دسترسی و بسنده در گستره پشتیبانی از قربانی، پیشگیری از جرم و همگرایی مجدد بزهکار در جامعه به مثابه یک چالش باقی می‌ماند⁵⁸.

⁵⁸ A/61/122/Add.1; *Progress of the World's Women 2011–2012*; "Advancement of women" (A/66/215), chap. III; and A/HRC/17/23, chap. III.

در پرونده Opuz علیه دولت ترکیه، درخواست شماره ۰۲/۳۳۴۰۱، درخواست کننده مدعی شد مقامات ترکیه در پشتیبانی از حق بر زندگی مادرش ناکام بوده‌اند و در برابر تکرار خشونت، تهدید به مرگ و آسیب بدنی که او خود در معرض آن قرار گرفته بود غفلت کرده‌اند.

دادگاه موارد زیر را احراز کرد:

- ماده ۲ (حق بر زندگی) مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نسبت به مادر خواهان زیر پا نهاده شده است. نامبرده توسط شوهر پیشین خواهان کشته شد، علیرغم اینکه مقامات همواره از رفتار خشونت آمیز مرتکب آگاه شده بودند؛

- ماده ۳ (منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و اهانت آمیز) با در شمار آوردن ناکامی مقامات در پشتیبانی از خواهان در برابر رفتار خشونت بار و سوء استفاده شوهر پیشین او، زیر پا نهاده شده است؛

- ماده ۱۴ (ممنوعیت تبعیض) در خصوص مواد ۲ و ۳ با در شمار آوردن خشونت وارده بر خواهان و مادر او تحت عناوین بر پایه جنسیت، که شکلی از تبعیض علیه زنان به شمار می‌آید، زیر پا نهاده شده است؛ به ویژه، با لحاظ اینکه در موارد خشونت خانگی در ترکیه، انفعال کلی دستگاه قضایی و نبود تنبیه متجاوزان، زنان را به گونه عمده تحت تاثیر قرار داده است.

||

تبعیض را می‌توان به جهات بسیار با قچاق مربوط دانست. این امر اتفاقی نیست که کسانی که احتمال قچاق شدنشان زیاد است (مهاجران غیر قانونی، اشخاص بی‌تابعیت و غیر شهروند و پناهجویان، اعضای اقلیت‌ها) به گونه خاص در برابر تبعیض و نبود رواداری، بر پایه جنسیت، نژاد، قومیت، آیین و دیگر عوامل متمایز کننده آسیب پذیر ترند. افزون بر افزایش خطر گرفتار شدن در دام قچاق، رویکرد تبعیض آمیز، برداشتها و رویه‌ها به شکل دادن و دامن زدن به تقاضا قچاق کمک می‌کند.

بر پایه پروتکل پالرمو برای پیشگیری، بازداشتن و مجازات قچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان، قچاق انسان به معنی "به کار گماردن، جابجایی، انتقال، اسکان دادن یا وارد کردن اشخاص، از راه تهدید یا استفاده از زور و یا دیگر اشکال اجبار، آدم ربایی، کلاهبرداری، فریب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت آسیب پذیر یا تادیه یا اخذ مبالغ یا منافع با نیت تحصیل رضایت یک شخص که شخص دیگر را در نظارت دارد، به منظور استثمار است. بهره کشی حداقل در بر دارنده بهره برداری از تن فروشی دیگران یا دیگر اشکال بهره کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، بردگی یا اعمال همسان برده داری، بندگی یا برداشتن اعضای بدن است" (ماده 3 (الف)).

تبعیض نژادی و جنسیتی در انکار حقوق اقتصادی و اجتماعی یک عامل مهم حساس تر شدن بعضی اشخاص به قاچاق نسبت به دیگران است. در هر دو مورد، تاثیر تبعیض به گزینه‌های کمتر و محرومانه‌تر زندگی منجر می‌شود. این نبود انتخاب راستین به نوبه خود می‌تواند زنان و دختران را بیشتر از مردان در برابر قاچاق آسیب پذیر کند، به ویژه در شرایط خاص و نسبت به زنان و دختران بعضی ملل و اقوام. به عنوان نمونه، زنان و دختران اقلیت، زنان و دخترانی که در تنگدستی زندگی می‌کنند، یا زنان و دخترانی که در محیط‌های جنگ یا پس از جنگ زندگی می‌کنند ممکن است با افزایش خطر قاچاق روبرو شوند.

اگرچه قاچاق همچنین می‌تواند مردان را تحت تاثیر قرار دهد، شکلی از خشونت بوده که به ویژه توسط زنان آن را تجربه می‌کنند. خشونت به کار گرفته شده علیه زنان یا خشونتی که در درجه نخست زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد می‌تواند عاملی باشد که آنان را در برابر قاچاق آسیب پذیرتر می‌کند. به عنوان نمونه، زنان ممکن است ترتیبات مهاجرت خطرناک به منظور فرار از پیامدهای تبعیض استقرار یافته از جمله خشونت خانوادگی و نبود پشتیبانی در برابر چنین خشونتی را بپذیرند. زنان همچنین ممکن است از مردان در برابراعمال قدرت و فشار در مرحله به کار گماردن آسیب پذیرتر باشند و احتمال قاچاق شدنشان در وهله نخست افزایش یابد. کشورها، به ویژه کشورهای مبدا مهاجرت، می‌توانند افزایش آسیب پذیری نسبت به تبعیض‌های مربوط به قاچاق و خشونت علیه زنان را از راه طیف وسیعی از اقدامات عملی، مانند فراهم آوردن سرپناه امن با تجهیزات پزشکی، روانشناسی و حقوقی برای زنان تحت خشونت چاره کنند. اقدامات بلند مدت تر که به دنبال رسیدگی به اسباب اجتماعی، فرهنگی و ساختاری خشونت می‌باشند نیز مهم هستند. آنها ممکن است به اصلاح قانونی بیانجامند که یا علیه زنان تبعیض قائل شده و یا نتوانسته به خشونت علیه زنان بپردازد تا پژوهش‌ها و تعقیب فوری شکایات مربوط به خشونت علیه زنان را تضمین کرده، دسترسی به راه حل‌های موثر برای خشونت بر پایه جنسیت و اجرای طرح‌های با هدف آموزش عامه مردم و مقامات دولتی دخیل در رسیدگی به خشونت علیه زنان را فراهم سازد. ⁵⁹

گزارشگر ویژه درباره قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، شماری از مسائل مربوط به پشتیبانی از قربانیان قاچاق را گزارش کرده است، و کار او راهنمایی مفید است برای دولت‌ها در اتخاذ یک رویکرد بر پایه حقوق بشر نسبت به مقوله قاچاق. ⁵⁹ افزون بر این، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد اصول و دستورالعمل‌هایی در حقوق بشر و قاچاق انسان صادر کرده است و راهنمایی بیشتر در این موضوع ارائه کرده است. حقوق بشر اشخاص قاچاق شده باید در مرکز همه تلاش‌های دولت‌ها برای پیشگیری و پیکار با قاچاق باشد، و دولت‌ها به سعی و دقت در پژوهش، پیگرد و سزا دادن قاچاقچیان و ارائه کمک به قربانیان قاچاق انسان تعهد دارند. ⁶⁰

⁵⁹ See www.ohchr.org/EN/Issues/Trafficking/Pages/Annual.aspx (accessed 8 November 2013).

⁶⁰ *Recommended Principles and Guidelines on Human Rights and Human Trafficking: Commentary* (United Nations publication, Sales No. E.10.XIV.1).

ه. اثر مهاجرت و جابجایی در بهره مندی زنان از حقوقشان

II

اصل جهان شمولی در حقوق بین الملل بشر نشان می دهد کشور های مبدأ، محل گذر و مقصد مسئول پشتیبانی از حقوق مهاجران درون سرزمین خود می باشند. اگرچه کشورها از حق حاکمیتی تعیین شرایط ورود و اقامت در قلمرو خود برخوردارند، آنها همچنین متعهدند به حقوق بشری همه اشخاص درون قلمروشان احترام گذارده، آن را پشتیبانی کرده اسباب تحققش را دور از شهروندی، نژاد، جنسیت یا سن اشخاص و بدون در نظر گرفتن وضعیت مهاجرت آنان فراهم آورند⁶¹.

II

هر کشوری بعنوان مبدأ، محل گذر یا مقصد، و یا ترکیبی از اینها در برابر پدیده مهاجرت تحت تاثیر قرار گرفته است. اکنون بیش از ۲۰۰ میلیون نفر به دلایل گوناگون از جستجوی فرصتهای اقتصادی بهتر گرفته تا فرار از اذیت و آزار، خارج از کشورهای خود زندگی می کنند. مهاجران زن نیمی از جمعیت مهاجران جهان را تشکیل داده از مهاجران مرد در کشورهای توسعه یافته فزون ترند⁶². مهاجران از راه ارسال وجوه به اقتصاد کشورهای مبدأ خود کمک بسیاری می کنند، و به کشورهای میزبان شان از دسترنج خود یاری می رسانند ضمن این که تنوع فرهنگی و جمعیتی را هم برای آن جامعه به ارمغان می آورند.

به گونه سنتی، مهاجرت عمدتاً از منظر اقتصادی به عنوان یک محصول جهانی شدن و یا یک راه حل برای بیکاری و تنگدستی دیده شده است. این امر تا حدودی به رفتار با مهاجران به عنوان کالا بجای انسان دارای حقوق انجامیده است. تحلیلی صرفاً اقتصادی از مهاجرت نمی تواند ارزش انسانی فرد مهاجر و حق ذاتی انسان به یک زندگی درخور را در شمار آورد⁶³.

مهاجرت زن هر دو پیامد های مثبت و منفی را داراست. این پدیده از پتانسیل بزرگی برخوردار است و می تواند برابری جنسیتی را با قدرت بخشیدن به زنان مهاجر به پیش برد، چرا که امروزه بسیاری به گونه مستقل مهاجرت می کنند و به نان آور اصلی خانواده هایشان تبدیل می شوند. با این حال، مهاجرت همچنین می تواند آسیب پذیری را افزایش دهد و زنان مهاجر را در معرض خطر تبعیض و خشونت قرار دهد. زنان و کودکانی که مهاجرت می کنند نیز بیشتر در برابر دیگر اشکال سوء استفاده آسیب پذیر می شوند. کسانی که در یک وضعیت غیرقانونی به سر می برند به ویژه آسیب پذیرند. مهاجران زنان بیشتر در بخش های تفکیک شده و غیرقانونی اقتصاد، مانند کارهای خانگی، معمولاً دور از پشتیبانی های قوانین و سازمان های کار محلی به کوشش مشغولند⁶⁴.

⁶¹ See, e.g., Human Rights Committee, general comment No. 31 (2004), para. 10; Committee on the Elimination of Racial Discrimination, general recommendation No. 30 (2004) on discrimination against non-citizens, para. 7; and Committee on Economic, Social and Cultural Rights, general comment No. 20 (2009), para. 30.

⁶² See www.ohchr.org/EN/Issues/Migration/Pages/MigrationAndHumanRightsIndex.aspx (accessed 8 November 2013); and Global Migration Group, *International Migration and Human Rights: Challenges and Opportunities on the Threshold of the 60th Anniversary of the Universal Declaration of Human Rights* (2008), p. 1.

⁶³ Global Migration Group, *International Migration and Human Rights*, p. 5.

⁶⁴ See *ibid.*, pp. 1-2, 19 and 45.

مهاجران غیرقانونی بیشتر گرفتار بازداشت اداری می‌شوند. گزارشگر ویژه حقوق بشر مهاجران در گزارش سال ۲۰۱۲ خود به شورای حقوق بشر (A /HRC/ ۲۰/ ۲۴) اشاره کرد زنان مهاجر که بازداشت شده‌اند ممکن است در معرض خشونت جنسی بازداشت شدگان مرد یا نگهبانان قرار داشته باشند. گزارشگر ویژه دولت‌ها را تشویق کرد به وضعیت زنان مهاجر در بازداشت توجه ویژه نشان دهند. در حالی که زنان مهاجر که در حال سفر با خانواده‌هایشان و بازداشت شده‌اند باید با یکدیگر هم راستا با اصل یکپارچگی خانواده نگهداری شوند، زنان مهاجر دیگر بازداشت شده باید با حضور و نظارت تنها مسئولان زن از مردان جدا شده، و از آنان در برابر خشونت جنسی محافظت شود. گزارشگر ویژه همچنین توصیه کرد زنان باردار و مادران شیرده نباید بازداشت شوند.

نقطه عطف مهم، تصویب کنوانسیون بین المللی پشتیبانی از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان، توسط مجمع عمومی، در سال ۱۹۹۰ بود. این کنوانسیون حقوقی که اکنون در معاهدات اصلی حقوق بشری به همه اشخاص، دور از وضعیت مهاجرت آنان داده شده است را تکرار می‌کرد.

II

کنوانسیون حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌شان در هر دوی شرایط قانونی و غیرقانونی طی فرآیند مهاجرت را پشتیبانی می‌کند. این سند همه جنبه‌های زندگی مهاجران و خانواده‌های آنان را در بر داشته، متضمن تعهدات دولت‌ها به ارتقاء شرایط عادلانه، خردمندانه، انسانی و مشروع مهاجرت است. بموجب این کنوانسیون، کشورها باید اقداماتی را به عمل آورند تا اطمینان حاصل شود وضعیت مهاجران به شکل غیرقانونی باقی نمانده است (ماده ۶۹). وظیفه دولت‌ها به ارائه اطلاعات به مهاجران و اعضای خانواده‌های آنان درباره حقوق کنوانسیون (ماده ۳۳) به ویژه نسبت به زنان مهاجر مهم است که بیشتر اوقات به اطلاعات قابل اعتماد درباره شبکه‌های مهاجرت قانونی دسترسی محدود دارند⁶⁵

به حقوق مهاجران در همایش‌های بین المللی مانند همایش بین المللی جمعیت و توسعه قاهره در سال ۱۹۹۴ با اشاره به ضرورت بررسی علل ریشه‌ای مهاجرت، به ویژه‌انهایی که مربوط به تنگدستی است، پرداخته شده است. همایش سال ۲۰۰۱ دوربان آفریقای جنوبی هم بر موضوع پیکار بانژاد پرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و نبود رواداری مربوط به آن تاکید دارد. افزون بر این، برنامه اقدام همایش بین المللی جمعیت و توسعه، اعلامیه پکن و برنامه اقدام آن و نیز قطعنامه مجمع عمومی به شماره ۱۴۳/۵۸ درباره خشونت علیه زنان کارگر مهاجر از دولت‌ها می‌خواهد از حقوق زنان مهاجر پشتیبانی بهتری شود. برنامه اقدام پکن از دولت‌ها خواسته است:

از تحقق کامل حقوق بشری همه مهاجرین زن، از جمله زنان کارگر مهاجر، و پشتیبانی از آنان در برابر خشونت و استثمار اطمینان حاصل شود و اقداماتی برای توانمند سازی زنان مهاجر دارنده مدارک، از جمله زنان کارگر مهاجر به عمل آید؛ اشتغال مولد

⁶⁵ Ibid., p. 18.

زنان مهاجر دارنده مدارک از راه شناسایی مهارت ها، تحصیلات و اوراق آنان آسان شود و همگرایی شان در نیروی کار میسر باشد.

کنونسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، همه زنان از جمله زنان مهاجر را در برابر همه اشکال تبعیض پشتیبانی می کند، و از دول عضو می خواهد اطمینان حاصل شود که همه زنان می توانند از حقوق انسانی خود به لحاظ قانونی و عملی، بر پایه برابری با مردان در همه گستره ها بهره مند شوند. در بعضی کشورهای مبداء، زنان طیف وسیعی از محدودیت ها یا ممنوعیت های مهاجرتی تبعیض آمیز را، که منجر به مهاجرت بسیاری از مجاری غیرقانونی یا غیررسمی می شود و آنان را از پشتیبانی های قانون خارج و در برابر سوء استفاده قاچاقچیان و عوامل شان آسیب پذیر می کند تجربه می کنند. زنان بیشتر به اطلاعات و آموزش قابل اعتماد دسترسی محدود دارند، و این امر می تواند به تشدید آسیب پذیری آنان بیانجامد. در کشورهای محل گذر، زنان در معرض خطر گونه های مختلف سوء استفاده، مانند سوء استفاده جنسی و جسمی از سوی همراهان یا عاملان قاچاقچیان قرار دارند. زنان مهاجر سرانجام در محیط کار غیر حساس به جنسیت در کشور محل اشتغال، که در آنجا مفهوم کار شایسته برای زنان به گزینه های کار خانگی و گونه های خاصی از سرگرمی محدود می شود به کار می پردازند. در بسیاری کشورها، این گستره های کاری قانونمند نیست و در نتیجه زنان از هرگونه پشتیبانی قانونی محروم شده اند.

مهاجران زن ممکن است افزون بر تبعیض بر پایه جنسیت، اشکال گوناگون و مختلطی از تبعیض، مانند بیگانه ستیزی و نژادپرستی را تجربه کنند. زنان مهاجر سالمند تر ممکن است با چالش های اضافی روبرو شوند. به گونه کلی، برای آنان یادگیری زبان محلی، پیدا کردن کار و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی مورد نیاز سخت تر است. زنان سالمند تری که در کشور مبداء مانده اند هم به گونه خاص تحت تاثیر مهاجرت قرار دارند، چرا که بیشتر اوقات، باید به مراقبت از کودکان بجا گذارده شده پدران و مادران مهاجر پردازند. بعلاوه تبعیض، زنان کارگر مهاجر بیشتر دستمزد پایین تری دریافت می کنند و گرفتار شرایط کاری اندوه بار و فاقد دسترسی به خدمات بهداشتی شایسته، از جمله خدمات بهداشت باروری می باشند. کارگران خانگی به گونه خاص در برابر سوء استفاده جسمی، جنسی و دیگر گونه های آن از سوی کارفرمایان خود آسیب پذیرند. دسترسی به عدالت در کشورهای مقصد نیز برای بسیاری زنان مهاجر محدود شده است. زنان مهاجر در یک وضعیت نامنظم به ویژه در برابر سوء استفاده، انزوا و دسترسی محدود به خدمات بهداشتی یا به دستگاه قضائی آسیب پذیرند.

کمپته رفع تبعیض علیه زنان، در توصیه عمومی شماره ۲۶ (۲۰۰۸) خود درباره زنان کارگر مهاجر، تبعیض و خشونت که برخی دسته های زنان مهاجر با آن روبرویند را مورد بررسی قرار داد. به ویژه، کمپته به وضعیت زنان مهاجری پرداخت که «مشاغل کم درآمد دارند، و ممکن است در معرض خطر سوء استفاده و تبعیض قرار داشته باشند و ممکن است، برخلاف کارگران مهاجر حرفه ای، هرگز واجد شرایط اقامت دائم یا شهروندی کشور محل اشتغال نشوند» و به موارد زیر پا نهادن حقوق بشر زنان پرداخت که قبل خروج از کشور مبداء، در کشور محل گذر و در کشور مقصد رخ

می‌دهد. به گزارش کمیته، مهاجرت زنان و تاثیر مهاجرت بر زنان را باید از راه کند و کاو جنسیتی، با در شمار آوردن نابرابری جنسیتی، نقش‌های سنتی زنان، وجود یک بازار کار جنسیتی، گسترش جهانی خشونت بر پایه جنسیت، زنانه شدن تنگدستی و مهاجرت نیروی کار بررسی کرد. کمیته توصیه می‌کند دولت‌ها باید شماری از اقدامات با هدف بهبودی پشتیبانی قانونی از مهاجران زن و اطمینان از دسترسی به راهکارها و خدمات اتخاذ کنند.

گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور مهاجران، در گزارش سال ۲۰۰۴ خود به کمیسیون حقوق بشر (۷۶/۲۰۰۴/۴ E / CN) تاکید کرد پاره‌ای عوامل کارگران مهاجر داخلی را به گروهی به ویژه آسیب پذیر مبدل می‌سازد. به عنوان نمونه، او چندین گزارش سوء استفاده از کارگران خانگی مهاجر عمدتاً زن، که مورد تبعیض و آزار جسمی یا جنسی خانواده میزبان قرار گرفته و به افسردگی‌های مربوط به آن مبتلا بودند، دریافت کرده بود. در برخی موارد، زنان در شرایط همانند برده داری بسر می‌برند و کارفرمایانشان بیشتر گذرنامه آنان را می‌گیرند. این عده فاقد دسترسی به خدمات یا ساز و کارهای پشتیبانی بوده به خاطر ترس از اخراج شدن، موارد سوء استفاده را گزارش نمی‌دهند.

کمیته پشتیبانی از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان هم در توضیح کلی خود به شماره ۱ (۲۰۱۱) درباره حقوق کارگران خانگی مهاجر، چندین شکاف پشتیبانی درباره‌این کارگران از جمله پشتیبانی قانونی از آنان، را شناسایی کرده است. سبب این است که بسیاری قوانین ملی کارگران و کار خانگی را از دامنه پشتیبانی‌هایشان خارج می‌دانند، در نتیجه به ادامه شیوه‌های کاری استثمار و محدود کردن راه‌های قانونی جبران زیان کمک می‌رسانند. در بسیاری کشورها، کارگران خانگی به عنوان «کارگر»، مستحق پشتیبانی‌های قانون کار به رسمیت شناخته نمی‌شوند. قوانین مهاجرت سخت منجر به این امر می‌شود که بسیاری از کارگران خانگی مهاجر در یک وضعیت غیرقانونی به سر برند یا به کارفرما وابسته شوند، چرا که وضعیت مهاجر بودن آنان به ادامه پشتیبانی کارفرما بستگی دارد. حقوق قرارداد و تامین اجتماعی نیز بیشتر بر کارگران خانگی حکومت نمی‌کند. حتی اگر برخی کشورها قانونی برای پشتیبانی از کارگران خانگی داشته باشند، شکاف پشتیبانی در عمل باقی می‌ماند. عواملی مانند ماهیت کار، موانع زبانی، انزوا و وابستگی به این امر کمک می‌کنند.

گزارشگر ویژه درباره اشکال نوین برده داری، و نیز علل و پیامد های آن خاطرنشان کرده است که پیکار با برده داری خانگی و پشتیبانی از حقوق کارگران خانگی، دو روی یک سکه در شمارمی‌آید (/ HRC / ۱۵A / ۲۰). گزارشگر ویژه از دولت‌ها خواسته است مقررات خاصی برای جرم انگاری برده داری در همه اشکال و مصادیق آن وضع کنند و بزه کاران را با سعی و دقت مجازات کنند. همچنین از دولت‌ها خواسته شده است پشتیبانی برابر قوانین کارشان را به کارگران خانگی از جمله کارگران خانگی مهاجر توسعه دهند و به هر گونه انکار تبعیض آمیز حقوق درباره ساعات

کاری، ایام استراحت، تعطیلات، مراقبت‌های بهداشتی، مرخصی زایمان و پشتیبانی در برابر اخراج ناعادلانه پایان دهند.⁶⁶

پناهندگان زن و زنان آواره داخلی از جمله به دلیل افزایش آسیب پذیری شان در برابر خشونت جنسی و جنسیتی نیازهای پشتیبانی خاصی دارند. عواملی مانند جابجایی تبعیض‌گرایانگیر زنان و دختران در شرایط عادی " در زمان حاضر یا در زمان صلح را تقویت می‌کند. پناهندگان زن و دختر یا زنان و دختران آواره داخلی در معرض مشکلات پشتیبانی خاص مربوط به موقعیت جنسیتی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی شان و همچنین وضعیت حقوقی خود می‌باشند. آنان به حقوق اساسی مانند حق بر غذا، مراقبت بهداشتی، مسکن، اسناد و مدارک و شهروندی، در قیاس با مردان پسران، دسترسی محدود دارند.⁶⁷

و. حقوق بشر زنان در کشمکش‌ها و بحران‌ها

در زد و خورد های مسلحانه یا درگیری های سیاسی، خشونت علیه زنان اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد. طی دهه گذشته، توجه بین‌المللی بسیاری به رابطه بین خشونت بر پایه جنسیت و زد و خورد ها معطوف شد. کشمکش‌ها آثار بسیاری بر بهره‌مند شدن زنان از حقوق بشری شان، خواه مدنی و سیاسی و خواه اقتصادی و اجتماعی، دارد.⁶⁸

با وجود افزایش تلاش جهانی برای پیکار با خشونت بر پایه جنسیت در شرایط جنگ و پس از جنگ، زنان همچنان در معرض خشونت بر پایه جنسیت مانند تجاوز، بردگی جنسی، آدم‌ربایی یا قاچاق، حمله شدن یا سقط جنین اجباری، و سوء استفاده جنسی مانند برهنگی اجباری، تفتیش بدنی با عریان کردن و دیگر اقدامات خوار کننده در منظر عامه و موارد زیر

⁶⁶ در شانزدهم ژوئن سال 2011 میلادی، کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار در مورد کار خانگی مناسب برای کارگران (شماره 189) تصویب شد تا به شکاف‌های حمایتی کارگران خانگی بپردازد. کنوانسیون قید می‌کند کارگران خانگی سراسر جهان که مراقبت خانواده‌ها و خانوارها را بر عهده دارند باید همان حقوق کار اولیه سایر کارگران را داشته باشند، از جمله حق به ساعات کار متعارف، حداقل 24 ساعت پشت هم استراحت هفتگی، حدی بر پرداخت جنسی، اطلاعات شفاف در مورد شرایط استخدامی، و همچنین رعایت اصول بنیادین و حقوق در کار، از جمله آزادی اجتماعات و حق به گفت و گو گروهی. در همان زمان، همایش عمومی سازمان بین‌المللی کار توصیه‌هایش درباره کار مناسب برای کارگران خانگی (شماره 201) را به عنوان رهنمود بیشتر برای دولت‌ها در اجرای کنوانسیون کارگران خانگی که در پنجم سپتامبر سال 2013 لازم الاجرا شد صادر کرد.

⁶⁷ See Office of the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), *UNHCR Handbook for the Protection of Women and Girls* (January 2008); UNHCR, *Sexual and Gender-based Violence against Refugees, Returnees and Internally Displaced Persons: Guidelines for Prevention and Response* (May 2003); and UNHCR, "Guidance note on refugee claims related to female genital mutilation", May 2009.

⁶⁸ رویه قضائی بین‌المللی و ادبیات غنی آن در تاکید بر نقش تکمیل‌کننده حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر در زمان درگیری‌های مسلحانه، بین‌المللی یا داخلی، صرفنظر از امکان تخطی از بعضی حقوق مدنی و سیاسی در شرایط اضطراری که تابع شرایط سختی می‌باشد بحث کرده است. اعمال هر دو مجموعه قوانین در درگیری‌های مسلحانه از جمله با رویه دولت‌ها و با ساز و کارهای حقوق بشری مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی سال ۱۹۹۶ خود در مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای و همچنین در عواقب حقوقی ساخت دیوار در زمین‌های اشغالی فلسطین در سال ۲۰۰۴ به این راهکار توسل جسته است. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، هر دوی حقوق مدنی و سیاسی زنان و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را تحت پوشش خود قرار داده و در همه زمان‌ها قابل اجرا است.

See Committee on the Elimination of Discrimination against Women, general recommendation No. 30 (2013) on women in conflict prevention, conflict and post-conflict situations, paras. 2 and 19-24.

پا نهادن در دوران جنگ و و بعد از جنگ قرار می گیرند⁶⁹. مطالعات نشان داده اند در حالی که مردان و پسران نیز از قربانیان خشونت بر پایه جنسیت می باشند، زنان اکثریت قریب به اتفاق اشخاص تحت تاثیر این گونه از خشونت را تشکیل می دهند⁷⁰. کمیته رفع تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) خود به رسمیت شناخته شده که «جنگ، درگیری مسلحانه و اشغال سرگسترها بیشتر به افزایش روسپی گری، قاچاق زنان و تجاوز جنسی به زنان بیانجامد، که نیازمند اقدامات خاص پشتیبانی و تنبیهی است.» هم مرتکبان دولتی و هم غیردولتی به این خشونت دست می یازند. با هدف ترساندن و تحقیر دشمن، تجاوز و خشونت جنسی نیز به گونه معمول از سوی همه طرفهای درگیری به عنوان تاکتیک جنگی استفاده می شود⁷¹. افزون بر این، در طول جنگ، خشونت خانگی و سوء استفاده جنسی به شیوه چشمگیری هم افزایش می یابد⁷².

خشونت علیه زنان در طول جنگ و پس از جنگ می تواند به عنوان زنجیره ای از تجربه زنان از تبعیض در زمان صلح مشاهده شود. درگیری الگوهای از پیش موجود تبعیض بر پایه جنسیت را تشدید می کند و زنان و دختران را در معرض خطر خشونت جنسی، جسمی و روانی قرار می دهد. علل بنیادین خشونت در صلح و در جنگ یکسانند: روابط تاریخی نابرابری قدرت بین زنان و مردان، اسباب ساختاری مانند تبعیض بر پایه جنسیت و نظام ارزشی پدرسالارانه. افزون بر این، جنگ باعث پذیرش سطوح بالاتری از خشونت، و در مرحله بعد از جنگ، پذیرش نابرابری ریشه دار موجود قبل از جنگ و تشدید آن می شود⁷³. لذا، پایان جنگ به معنای پایان دادن به خشونت که زنان و دختران تحملش می کنند نیست. زنان همچنان از پیامد های پزشکی، جسمی، روانی و اجتماعی-اقتصادی خشونت در طول جنگ پس از به پایان رسیدن آن رنج می برند. انگ مربوط به خشونت های جنسی همیشه، در درگیری ها و بعد آن، حاضر است. خشونت علیه زنان و دختران همچنین در جوامع بعد از جنگ، با توجه به شکست کلی حاکمیت قانون، در دسترس بودن سلاح های کوچک، تجزیه ساختارهای اجتماعی و خانوادگی و "عادی" شدن خشونت جنسی به عنوان عنصر اضافی تبعیض از قبل موجود رشد می کند.

تا دهه ۱۹۹۰ میلادی، خشونت جنسی در زمان جنگ با وجود ممنوعیت آن در حقوق بین الملل بشردوستانه، به عنوان جرم بین المللی تحت پیگرد قانونی قرار نمی گرفت⁷⁴. خشونت جنسی بیشتر به عنوان حمله به حیثیت یک زن یا به اخلاقیات دیده می شد تا به عنوان یک جرم مهم جداگانه، به عنوان نمونه، کنوانسیون چهارم ژنو نیاز به پشتیبانی ویژه از زنان

⁶⁹ Rashida Manjoo and Calleigh McRaith, "Gender-based violence and justice in conflict and post-conflict areas", *Cornell International Law Journal*, vol. 44, No. 11 (2011), pp. 11-12; and "Violence against women perpetrated and/or condoned by the State during times of armed conflict (1997-2000)" (E/CN.4/2001/73).

⁷⁰ E/CN.4/2001/73; and Elisabeth Rehn and Ellen Johnson Sirleaf, *Women, War, Peace: The Independent Experts' Assessment on the Impact of Armed Conflict on Women and Women's Role in Peace-Building*, Progress of the World's Women 2002, vol. 1 (United Nations Development Fund for Women, 2002).

⁷¹ Manjoo and McRaith, "Gender-based violence and justice in conflict and post-conflict areas", p. 12. See also United Nations Security Council resolution 1820 (2008) (and subsequent resolutions 1888 (2009) and 1960 (2010)) recognizing sexual violence as a tactic of war.

⁷² Rehn and Sirleaf, *Women, War, Peace*, p. 11.

⁷³ Niamh Reilly, *Women's Human Rights* (Polity Press, 2009), p. 98.

⁷⁴ Patricia Viseur Sellers, "The prosecution of sexual violence in conflict: the importance of human rights as means of interpretation", pp. 6-9. Available from http://www2.ohchr.org/english/issues/women/docs/Paper_Prosecution_of_Sexual_Violence.pdf (accessed 25 November 2013).

«در برابر هر گونه حمله به حیثیتشان، به ویژه در برابر تجاوز جنسی، تن فروشی اجباری یا هر شکل حمله غیراخلاقی» (ماده ۲۷) را بیان می‌دارد.^{۷۵} از دهه ۱۹۹۰ میلادی، رویه قضائی کیفری بین المللی به گونه چشمگیری به تبیین هنجارهای حقوقی قابل اعمال در جرایم بر پایه جنسیت در زمان جنگ کمک کرده است. هر دو محکمه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی پیشین و محکمه کیفری بین المللی برای رواندا در تصمیم گیری‌های مهم متفاوتی اعلام کرده‌اند تجاوز جنسی در زمان جنگ و خشونت جنسی می‌تواند تا زمانی که همه عناصر مربوط به جرم وجود دارند، به عنوان جرایم جنگی، جنایات علیه بشریت، اقدام به شکنجه و یا اعمال تشکیل دهنده نسل کشی تلقی شود.^{۷۶}»

دادستان علیه دراگولیوب کوناراک، رودومیر کوواچ و زوران ووکوویچ، پرونده شماره T/IT-۹۶-۲۳ و T-IT-۹۶-۲۳/۱، حکم مورخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۱: عناصر تجاوز به عنف

در پرونده کوناراک در سال ۲۰۰۱ میلادی، محکمه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی پیشین نیز احراز کرد تجاوز جنسی یک جرم تشکیل دهنده جنایت علیه بشریت است. این پرونده مربوط به یک کمپین در شهر فوکا بود که قصد داشت به ویژه از راه هدف قرار دادن زنان مسلمان، از شر مسلمانان منطقه خلاص شود. زنان مسلمان در مراکز گوناگون بازداشت و در معرض تجاوز جنسی سازمان یافته قرار گرفتند.

پرونده با ارائه تعریف زیر از عناصر جرم تجاوز با اهمیت بود: «دخول، ولو اندک: (الف) از سوی دبر یا قبل بزه دیده بوسیله آلت تناسلی مرد بزه کار یا هر جسم دیگر استفاده شده توسط مجرم؛ یا (ب) از سوی دهان قربانی بوسیله آلت تناسلی مرد بزه کار؛ آنجا که چنین دخول جنسی بدون رضایت بزه دیده رخ می‌دهد. آمادگی برای این فعل باید در قالب رضایت کامل و ناشی از اراده آزاد مفعول باشد که با لحاظ شرایط محیط اطراف ارزیابی می‌شود. عنصر معنوی جرم قصد انجام این دخول است، و علم به اینکه فعل بدون رضایت مفعول واقع می‌شود (بند ۴۶۰). این رویکرد محکمه در مرحله تجدید نظر مورد تأیید قرار گرفت.

اساسنامه رم دیوان کیفری بین المللی بر پایه این رویه قضائی، طیف گسترده ای از جرایم بر پایه جنسیت را تحت عنوان جنایات جنگی و

^{۷۵} ماده سه مشترک کنوانسیون ژنو، که به عنوان حقوق عرفی هم بر مخاصمات مسلحانه بین المللی و هم داخلی اعمال می‌شود، خشونت علیه حیات و شخص، شکنجه، گروگان گیری، حمله به حیثیت اشخاص، خصوصاً رفتار موهن و تحقیرآمیز را بر می‌شمارد، اما بطور صریح از تجاوز و خشونت جنسی یاد نمی‌کند. سیاهه "نقض های مهم" کنوانسیون ژنو همچنین مشخصاً اشاره ای به تجاوز یا خشونت جنسی نمی‌کند. پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ اما، بطور خاص تجاوز به عنف را ممنوع کرده است.

The Additional Protocols of 1977 do specifically prohibit rape. See Reilly, Women's Human Rights, p. 101.

جنایت علیه بشریت تعریف می‌کند⁷⁶. این اساسنامه همچنین مقررات حساس به جنسیت مانند ایجاد یک واحد پشتیبانی از قربانی و گواهان او در دادگاه، ارائه رایزنی و دیگر خدمات لازم به قربانیان خشونت‌های بر پایه جنسیت، و انتصاب مشاورین حقوقی با تخصص جنسیت و بر کار گماردن زنان قاضی و کارکنان را پیش‌بینی کرده است.

||

تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) درباره‌زنان، صلح و امنیت توسط شورای امنیت نیز نشان دهنده نقطه عطفی در شناخت و پرداختن به خشونت بر پایه جنسیت در خصوص جنگ است. در این قطعنامه از تاثیر ویرانگر جنگ بر زنان و دختران سخن به بین رفته است، و بر نیاز به پیاده سازی کامل تعهدات حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه در پشتیبانی از حقوق زنان و دختران در طول جنگ دوباره تاکید می‌شود. این قطعنامه بر چهار گستره اصلی متمرکز است: پیشگیری، مشارکت، پشتیبانی، و امداد رسانی. قطعنامه همچنین از دولت‌ها خواسته است اقدامات ویژه برای پشتیبانی از زنان و دختران برابر خشونت بر پایه جنسیت در طول درگیریها را اتخاذ کنند و به مصونیت از مجازات با پیگرد قانونی کسانی که مسئول جنایات زمان جنگ، از جمله جرایم بر پایه جنسیت بوده اند، پایان دهند. افزون بر این، قطعنامه خواهان افزایش حضور زنان در همه سطوح تصمیم‌گیری، و در همه ساز و کارها برای پیشگیری، مدیریت و حل و فصل اختلافات بوده، و گسترش همگرایی جنسیتی در عملیات پاسداری از صلح را تشویق می‌کند.

||

در قطعنامه پیرو این سند به شماره ۱۸۲۰ (۲۰۰۸)، شورای امنیت اذعان می‌کند خشونت جنسی می‌تواند اعاده صلح و امنیت بین المللی را مختل کند و بیشتر به عنوان یک تاکتیک جنگی استفاده می‌شود. این قطعنامه تاکید می‌کند خشونت جنسی باید از هر گونه مقررات عفو در روند صلح حذف شود و دسترسی برابر به عدالت برای قربانیان خشونت‌های جنسی باید تضمین شود. پس از آن، قطعنامه‌های تالی بر پیشگیری و پاسخ دهی به خشونت‌های جنسی مربوط به جنگ متمرکز شده‌اند، و از جمله، انتصاب یک نماینده ویژه خشونت جنسی در جنگ و یک تیم از کارشناسان و مشاوران زن در امور پشتیبانی برای توصیه به دولت‌ها و ماموریت‌های صلح بانی در برخورد با خشونت‌های جنسی را خواستار شده‌اند. شاخص‌های جهانی برای پیگیری اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) و همچنین ساز و کارهای نظارت و گزارش دهی خشونت‌های جنسی مربوط به درگیری‌ها توسعه داده شده‌اند.

⁷⁶ در ماده ۷ (۱) (G) اساسنامه، تجاوز، بردگی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی با شدت قابل قیاس با جنایت علیه بشریت فهرست شده است؛ ماده ۸ (۲) (ب) (XXII) اساسنامه رم تجاوز، بردگی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری... عقیم سازی اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی را به عنوان موارد نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو فهرست می‌کند؛ و ماده ۸ (ه) (VI) تجاوز، بردگی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری... عقیم سازی اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی را به عنوان موارد نقض فاحش ماده ۳ مشترک چهار کنوانسیون ژنو احصاء کرده است.

See Viseur Sellers, "The prosecution of sexual violence in conflict", for further analysis.

با وجود چالش‌هایی که حلاء پس از جنگ در بهره‌مندی زنان از حقوق بشر پدید می‌آورد، این امر می‌تواند به عنوان فرصتی برای تغییر ساختارها و هنجارهای اجتماعی مستقر قبل از جنگ که بدواً به خشونت علیه زنان انجامید هم دیده می‌شود. برای اطمینان از این تحول، بایسته است نقش‌های گوناگون زنان و تجارب گوناگونشان از جنگ، نه تنها به عنوان قربانیان بلکه به عنوان رزمندگان، و بخشی از جامعه مدنی سازمان یافته و در قالب مدافعان حقوق بشر، و نیز به عنوان اعضای جنبش مقاومت، و عوامل فعال در هر دو فرایندهای رسمی و غیر رسمی صلح در شمارآید.⁷⁷

شورای امنیت در قطعنامه شماره ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) خود و قطعنامه‌های بعدی، و دبیر کل، در گزارش خود درباره زنان، صلح و امنیت و خشونت جنسی در جنگ، نقش زنان در تلاش برای ایجاد صلح را به رسمیت می‌شناسند. قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) با اشاره به تاثیر ناشایست درگیری‌های مسلحانه بر زنان و کودکان، تایید کرد زنان صرفاً قربانیان درگیری‌ها نیستند، بلکه همچنین عوامل فعال با نقش مهمی بشمار می‌آیند که در پیشگیری از درگیری، طرح‌های پاسداری از صلح، حل و فصل درگیری‌ها و تلاش برای نهادینه کردن صلح وارد عمل می‌شوند.⁷⁸

این یک تغییر مهم در برشمردن زنان به عنوان قربانیان یا گروه‌های آسیب‌پذیر بود. قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره ۱۸۸۹ (۲۰۰۹) با تکرار نقش کلیدی زنان در پیشگیری از جنگ و نهادینه ساختن صلح، مشارکت زنان در سراسر فرآیند صلح، از جمله در حل و فصل درگیری‌ها و برنامه ریزی بعد از جنگ را خواستار شده است. قطعنامه بر توسعه راهبردهایی تاکید دارد که به نیازهای زنان و دختران در شرایط پس از جنگ می‌پردازد، از جمله دسترسی آنان به آموزش، خدمات بهداشتی و عدالت و برابری جنسیتی. این قطعنامه همچنین از کشورهای عضو می‌خواهد از همگرایی جنسیتی در همه وجوه مربوط به نهادینه سازی صلح و بازیابی‌های پس از جنگ اطمینان حاصل کنند.

بعضی اثرهای مثبت اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) اکنون می‌تواند بر این اساس دیده شود. تا ماه ژوئن سال ۲۰۱۲، ۳۷ کشور برنامه‌های اقدام ملی درباره زنان، صلح و امنیت را تصویب کرده بودند، و شماری دیگر در حال طرح چنین برنامه‌هایی بودند.⁷⁹ نکته مهم این است که کمیته رفع

Reilly, *Women's Human Rights*, pp. 93–98; and Committee on the Elimination of Discrimination against Women, general recommendation No. 30 (2013), paras. 36 and 42. Gender-sensitive transitional justice mechanisms and reparations can play an important role in post-conflict transition, as can the inclusion of women at all stages of the peace process/negotiations and all levels of political decision-making post-conflict, taking into account their different roles and experiences.

⁷⁸ Security Council resolutions 1325 (2000), 1820 (2008), 1888 (2009), 1889 (2009), 1960 (2010), 2106 (2013) and 2122 (2013); and the reports of the Secretary-General on women, peace and security (S/2002/1154, S/2004/814, S/2005/636, S/2006/770, S/2007/567, S/2008/622, S/2009/465, S/2010/498, S/2011/598, S/2012/732, S/2013/525), on women's participation in peacebuilding (A/65/354–S/2010/466, A/67/499–S/2012/746), on sexual violence in conflict and implementation of the relevant resolutions (S/2009/362, S/2010/173, A/65/592–S/2010/604, A/66/657–S/2012/33, A/67/792–S/2013/149, S/2014/181).

تبعیض علیه زنان از دولت‌ها درخواست کرده است با توجه به اینکه همه گستره‌های مورد نگرانی در قطعنامه‌ها بازتاب دهنده مقررات الزام آور کنوانسیون است، همخوانی با قطعنامه‌های شورای امنیت درباره زنان، صلح و امنیت را در گزارش‌های خود به آن کمیته قید کرده، آن را به نظارت بر اجرایشان اضافه کنند.⁸⁰

با وجود این پیشرفت‌ها و اصلاحات اکنون انجام شده، چالش‌های شایانی درباره اجرای این موازین بجا مانده است. گزارش سال ۲۰۱۲ دبیر کل درباره خشونت جنسی مربوط به درگیری‌ها (A / ۶۵۷/۶۶-S / ۲۰۱۲-۳۳) (این چالش را به خوبی نشان می‌دهد. خشونت بر پایه جنسیت در چنین شرایطی همچنان شایع بوده است و دسترسی زنان به عدالت، تصمیم‌گیری و خدمات محدود باقی مانده است. گزارش‌های پیشین دبیر کل نیز بر چالش‌های باقی مانده و موانع مشارکت موثر زنان در فرآیند صلح تاکید دارد، و با توصیه‌ها و برنامه‌های اقدام فراگیر برای کارگزاری‌های سازمان ملل متحد در همکاری با دیگر ذینفعان به نتایجی نائل آمده است تا در رسیدگی موثرتر به این چالش توانمند باشد (A / ۳۵۴/۶۵ S / ۲۰۱۰-۴۶۶). (گزارش‌های اخیر جامعه مدنی هم اشاره کرده‌اند که تجارب زنان از جنگ و بعد از جنگ همچنان از طرد، به حاشیه رانده شدن و محدودیت قدرت تصمیم‌گیری حکایت دارد.⁸¹ با این حال، شاخص‌های جهانی وضع شده با قطعنامه شماره ۱۸۹۹ (۲۰۰۹) شورای امنیت و نیز درخواست شورای امنیت از دبیر کل به اطمینان یافتن از اینکه نهادهای سازمان ملل متحد، در همکاری با کشورهای عضو و جامعه مدنی، داده‌های جنسیتی تفکیک نشده‌ای را گردآوری کنند، برای ارتقاء اجراء موثرتر قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) طراحی شده است. افزون بر این، قطعنامه شماره ۱۹۶۰ (۲۰۱۰) ساز و کاری را ایجاد می‌کند که به دبیر کل اجازه می‌دهد طرف‌هایی را «که به یقین مظنون به ارتکاب یا مسئول الگوهای تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی در شرایط درگیری‌های مسلحانه‌اند» را در فهرست دستورکار شورای امنیت وارد کند. قطعنامه همچنین از طرف‌های درگیری مسلحانه می‌خواهد به تعهدات خاص مقید به زمان برای پیکار با خشونت جنسی گردن نهند، و از دبیر کل می‌خواهد بر اجرای این تعهدات پیگیری و نظارت داشته باشد. در پایان، قطعنامه از دبیر کل می‌خواهد ترتیبات نظارت، تجزیه تحلیل و گزارش درباره خشونت جنسی مربوط به درگیری را مستقر سازد.

این چالش‌های باقی مانده نیاز به رویکردی فراگیر را بهتر نشان می‌دهد. روابط وابستگی متقابل حقوق بشر به دقت در همه حقوق بشر زنان و دختران در جنگ و پس از جنگ، هم حقوق مدنی و سیاسی، و هم حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیازمند است. همین امر نسبت به اصلاحات در عدالت انتقالی هم صادق است: تامین همه حقوق بشر زنان و دختران در تحول کامل پس از جنگ مهم است. به عنوان نمونه، تحقق حقوقی مانند حقوق اقتصادی و اجتماعی برای ریشه کن کردن خشونت بر پایه جنسیت و برای اینکه زنان توانمند باشند نقش فعال تری در نهادینه سازی صلح

⁸⁰ Reilly, *Women's Human Rights*, p. 113; and Committee on the Elimination of Discrimination against Women, general recommendation No. 30 (2013), paras. 25–28. See also its general recommendation No. 23 (1997) on women in political and public life.

⁸¹ Kavitha Suthanthiraraj and Cristina Ayo, *Promoting Women's Participation in Conflict and Post Conflict Societies: How Women Worldwide are Making and Building Peace* (Global Action to Prevent War, NGO Working Group on Women, Peace and Security, and Women's International League for Peace and Freedom), pp. 82–94; Global Network of Women Peacebuilders, "Women count: Security Council resolution 1325 – civil society monitoring report" (October 2010).

•		"	• "	
---	--	---	--------	--

آسیب پذیری خاص زنان در برابر محرومیت های اجتماعی و اقتصادی در شرایط جنگ و بعد از جنگ، از آنجا که درگیری تبعیض جنسیتی را تشدید می کند و با تلف معیشت و تخریب ساختارهای خانواده و جامعه همراه است، بدتر می شود⁸². رزمندگان زن پیشین ممکن است تبعیض را تجربه کنند، زیرا در برخی موارد خلع سلاح، و برنامه های همگرایی مجدد یا کمک های دیگر به رزمندگان پیشین، زنان حذف می شوند. زنانی که رزمنده بوده اند نیز مشکلات بیشتری را در همگرایی مجدد و بازگشت به زندگی غیر نظامی نسبت به رزمندگان پیشین مرد تجربه می کنند، چرا که از نقش های جنسیتی سنتی با تبدیل شدن به جنگجو سرپیچی کرده اند، امری که به راحتی از جانب خانواده ها و جوامع شان پذیرفته نیست. قوانین تبعیض آمیز ممکن است زنان و خانوارهای تحت سرپرستی زنان را از مالکیت، ارث بردن، تصرف یا دسترسی به زمین یا دیگر اشکال مالکیت جلوگیری کند، یا به دست آوردن اعتبار یا وام بدون ضامن مرد را مانع شود. دیگر چالش های جدی عبارتند از نبود پاسخ نهادی شایسته به خشونت بر پایه جنسیت، ماندمراقبت های بهداشتی، رایزنی یا سرپناه، و همچنین دسترسی نابسند به فرصت های آموزشی یا شغلی.

توجه ویژه باید به اجرای قضائی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بستر انتقال معطوف شود، به ویژه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان با توجه به افزایش آسیب پذیری آنان در جنگ و پس از جنگ. اصلاحات مربوط به حاکمیت قانون مانند بررسی قوانین کلیدی و نوشتن قانون اساسی، توافق های صلح، ساز و کارهای عدالت انتقالی و برنامه های تادیه غرامت و یا دیگر اصلاحات پس از جنگ زیر پا نهادن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان و حقوق مدنی و سیاسی را باید به همان اندازه در شمار آورد، همچنین به این دلیل که حقوق مذکور ذاتا با یکدیگر مربوط است. این امر انتقالی همه جانبه و پایدار پس از درگیری، و محیطی که در آن زنان از حقوق اساسی خود کاملاً بهره مند می شوند را تامین می کند.

زنان و کودکان همچنین اکثریت پناهندگان جهان و اشخاص آواره در جنگ های داخلی را تشکیل می دهند که به ویژه در معرض خشونت بر پایه جنسیت و تهدید علیه امنیت شخصی شان قرار دارند و نیز در معرض تبعیض برای دسترسی به غذا، آب، مسکن، آموزش، مراقبت پزشکی بسنده و بهداشت واقع شده اند⁸³. افزون بر این، حق زنان به مسکن در خور به ویژه در زمان جنگ، جابجایی گسترده یا تغییر مکان اجباری هنگامی که اخراج اجباری در شرف وقوع بوده و زنان را به طور نامتناسبی تحت تاثیر قرار دهد در معرض تهدید قرار دارد⁸⁴.

⁸² See the Montréal Principles on Women's Economic, Social and Cultural Rights; and the Centre on Housing Rights and Evictions (COHRE), the International Network for Economic, Social and Cultural Rights (ESCR.net) and International Women's Rights Action Watch IWRAP Asia-Pacific, "A primer on women's economic, social, and cultural rights". Available from www.escr-net.org/usr_doc/Primer_WESCR_English_rev1.pdf (accessed 27 November 2013). Today, women represent 70 per cent of the 1.2 billion people living in poverty worldwide.

⁸³ See E/CN.4/1996/52, para. 46.

⁸⁴ See Committee on Economic, Social and Cultural Rights, general comment No. 7 (1997) on the right to adequate housing: forced evictions; and "Women and adequate housing" (E/CN.4/2003/55).

در طول جنگ زنان بیشتر تبدیل به سرپرست بالفعل خانوار و در نتیجه مسئول همه چیز از مراقبت از کودکان، آموزش و پرورش آنان، دسترسی به غذا، آب و خدمات اساسی، تا درآمدزایی می شوند. یکی از جنبه های مثبت این امر آن است که مسئولیت های مذکور برای تصمیم گیری زنان درباره اداره منزل و کشت زمینی که به گونه معمول فاقد آن مسوولیت می باشند، فرصتی فراهم می کند. با این حال، مطالعات کاهش مشارکت زنان در زندگی عمومی و تصمیم گیری های پس از جنگ را نشان می دهد، با دلالت بر اینکه زنان بیشتر به طور اجباری به نقش های خانگی سنتی شان رجعت می کنند. زنان و خانوارهای تحت سرپرستی زنان موانع بسیار ی در تحقق حقوق در حال گذار شان را تجربه می کنند⁸⁵.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر عمومی خود به شماره ۱۵ (۲۰۰۲) بر حق به آب و در نظر عمومی شماره ۱۴ (۲۰۰۰) بر حق به برخورداری از بالاترین سطح قابل حصول سلامت، و این امر که بعضی تعهدات اساسی دولت‌ها تخطی ناپذیرند و لذا در همه اوضاع، از جمله در جنگ، درگیری‌های داخلی یا شرایط اضطرار اعمال می‌شوند تاکید ورزیده است. به گزارش کمیته، دولت‌ها به اطمینان از دسترسی امن و بدون تبعیض در همه زمان‌ها به حداقل میزان بایسته آب تعهدی بنیادین دارند. دیگر تعهدات بنیادین تخطی ناپذیر در بر دارنده تامین دسترسی به امکانات بهداشتی، محصولات و خدمات، حداقل مواد غذایی بایسته، سرپناه نخستین، مسکن و بهداشت، به داروهای بایسته و مراقبت‌های بهداشت تولید مثل، سلامت مادر (قبل و همچنین پس از تولد) و کودک، بدون هیچ گونه تبعیض، به ویژه برای گروه‌های آسیب پذیر یا به حاشیه رانده شده است. در توضیح کلی خود به شماره ۱۸ (۲۰۰۵) در حق به کار، کمیته روشن می کند که دسترسی به اشتغال، به ویژه برای گروه‌های در حاشیه، و همچنین تعهد به جلوگیری از هر گونه اقدامی که به تبعیض یا رفتار نابرابر در بخش‌های خصوصی یا عمومی نسبت به اشخاص یا گروه‌های محروم منجر شود، از تعهدات بنیادین (غیر قابل تخطی) دولت است.⁸⁵

نکته مهم آنکه، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نیز دسترسی زنان به مراقبت‌ها و خدمات درمانی (ماده ۱۲)، آموزش و کار آموزی (ماده ۱۰)، و فرصت‌های شغلی (ماده ۱۱) را تضمین می‌کند. کنوانسیون همچنین به کسانی که آواره یا بی‌تابعیت یا پناهنده یا پناهجو شده‌اند، با مقرر کردن حق زنان به برخورداری از شهروندی، جابجایی و انتخاب محل (ماده ۹ و ۱۵. ۴) پشتیبانی ویژه اعطا کرده است.

ز. دسترسی زنان به عدالت

اطمینان از دسترسی زنان به عدالت نیازمند آن است که زنان از حقشان به برابری در پیشگاه قانون بهره‌مند شوند و این امر که شیوه‌هایی به منظور تضمین دسترسی غیر تبعیض آمیز به عدالت وجود دارد و اینکه زنان هنگامی حقوقشان زیر پا نهادن شده، به جبران زیان دسترسی مؤثر

⁸⁵ E/CN.4/2003/55.

دارند. این حقوق تحت حقوق بین الملل بشر، از جمله مواد ۲. ۳ (حق به جبران زیان) و ۲۶ (برابری در برابر قانون) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است. حق به جبران موثر زیان برای تحقق همه حقوق بشری ذی مدخل است، و بر پایه برابری بدون تبعیض از هر گونه مثلا جنس یا جنسیت باید اعمال شود. کمیته حقوق بشر، در توضیح کلی خود به شماره ۳۱ (۲۰۰۴)، بیان داشت برای برآورده شدن حق به جبران موثر زیان، خسارت را برای قربانی زیر پا نهادن حقوق بشر باید فراهم آورد. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان از دولت‌های عضو می‌خواهد پشتیبانی قانونی از حقوق زنان بر پایه برابری با مردان را مستقر ساخته از راه مراجع قضایی ملی ذیصلاح و دیگر نهادهای عمومی پشتیبانی موثر از زنان در برابر هر عمل تبعیض آمیز را تضمین کند (ماده ۲ (ج)).

پیشرفت‌های شایانی در سطح جهانی در بازنگری قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و تهیه پیش نویس قوانین اساسی دربردارنده تضمینات برابری و نبود تبعیض شده است. چارچوب حقوقی و قانونی که حقوق زنان را در سطح ملی تضمین می‌کند برای دسترسی زنان به عدالت اساسی است. با این حال، قوانین تبعیض آمیز و از آن بدتر اجرای قوانین در کشورهای بسیاری به عنوان یک معضل باقی مانده است.⁸⁶

قوانینی که به ظاهر در امر جنسیت، خنثی عمل می‌کنند می‌توانند در عمل اثرات تبعیض آمیزی داشته باشند، و قوانینی که برابری بین زنان و مردان یا حقوق زنان را تضمین می‌کنند ممکن است اعمال نشوند و این یعنی برای پیشرفت زنان کار اندکی انجام می‌دهند. افزون بر این، زنانی که از خشونت رنج می‌برند یا کسانی که در بخش غیررسمی کار می‌کنند در بسیاری از موارد توسط قانون پشتیبانی نمی‌شوند. گسترش پشتیبانی قانونی برای دربر گرفتن مثلا خشونت‌های بر پایه جنس و جنسیت، کار در بخش غیررسمی و زنان مهاجر بایسته است.⁸⁷ تعهد دولت‌ها به اطمینان از این که قوانین اعمال شده بر زندگی زنان تاثیر راستین دارند نیز مهم است مورد تاکید قرار گیرد.

نظام‌های قضایی بازتاب دهنده نبود توازن قدرت جامعه اند، از جمله آنها که زنان را در موقع ضعف قرار داده اند. هر دوی موانع اجتماعی و نهادین دسترسی زنان به عدالت را مهار می‌کند. موانع اجتماعی در بر دارنده نبود آگاهی از حقوق خود، بی سوادی، نبود اطلاعات و وابستگی به خویشان مرد در برخورداری از کمک و منابع است. موانع نهادین مانند فاصله جغرافیایی، امکانات در خور، زیرساخت‌ها و زبان باید برای اطمینان از دسترسی زنان روستایی، اقلیت یا بومی و یا زنان معلول به عدالت در شمارآید.⁸⁸

افزون بر این موانع، زنان با بی تفاوتی یا تبعیض جنسیتی و قالب‌های مقامات دولتی مانند پلیس و قوه قضائیه به وقت تحقیق در جنایات ارتكابی علیه شان رویارویند.

⁸⁶ "Report of the Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers, Gabriela Knaut" (A/HRC/17/30), paras. 27–36; and *Progress of the World's Women 2011–2012*, pp. 28–31.

⁸⁷ *Progress of the World's Women 2011–2012*, pp. 32–37.

⁸⁸ *Ibid.*, pp. 52–55.

Vertido علیه دولت فیلیپین (کمیته رفع تبعیض علیه زنان، بیانیه شماره ۲۰۰۸/۱۸، نظرات مصوب در تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۱۰)

کمیته قالب های جنسیتی را در یک مورد تجاوز جنسی احراز کرد، با تاکید بر این که " نگاه قالبی حق زنان به محاکمه عادلانه و منصفانه را تحت تاثیر قرار می دهد و اینکه قوه قضائیه باید احتیاط به خرج دهد تا معیارهای انعطاف ناپذیری درباره اینکه زنان و دختران زمان مواجهه با وضعیت تجاوز جنسی چگونه باید باشند یا چه باید بکنند را صرفا بر پایه تصورات از پیش پنداشته شده از آنچه یک قربانی تجاوز جنسی و یا یک قربانی خشونت بر پایه جنسیت را به گونه کلی تعریف می کند، ایجاد نکند ". به گزارش کمیته، از حکم محکمه روشن بود که ارزیابی اعتبار روایت شاکی از وقایع توسط شماری از قالب ها تحت تاثیر قرار گرفته بود، شاکی در این وضعیت نمی توانسته از آنچه از یک "بزه دیده مطلوب" منطقی انتظار می رود یا آنچه قاضی پاسخ منطقی و مطلوب یک زن در وضعیت تجاوز به عنف در نظر گرفته می شود پیروی کند. کمیته افزون بردستور دادن به دولت عضو در پرداخت غرامت کافی، به دولت حکم کرد "اطمینان حاصل کند همه مراحل قانونی در رسیدگی به جرم تجاوز و دیگر جرایم جنسی بی طرفانه و منصفانه بوده، با تعصبات یا مفاهیم قالب ای جنسیتی تحت تاثیر قرار نگرفته است." برای رسیدن به این مقصود، طیف گسترده ای از اقدامات حکم شده توسط کمیته، نظام حقوقی را هدف قرار داد تا مدیریت قضایی موارد تجاوز، و همچنین آموزش و کارآموزی برای تغییر نگرش تبعیض آمیز نسبت به زنان را بهبودی بخشد.

گزارشگر ویژه درباره استقلال قضات و وکلاء ابراز نگرانی کرد که تنگدستی زنان و نابرابری اقتصادی تثبیت شده بین مردان و زنان همچنان به گونه جدی دسترسی زنان به عدالت را مانع است. انکار سنتی استقلال زنان برای تصمیم گیری درباره زندگیشان، نبود دسترسی آنان به آموزش و اطلاعات درباره حقوق، مشارکت حداقلی آنان در تصمیم گیری و نبود دسترسی به اموال، زمین و فرصت های کاری برابر، همگی عوامل مؤثری در به اصطلاح زنانه شدن تنگدستی و در نتیجه، نبود دسترسی زنان به عدالت است.⁸⁹ یک جنبه بایسته تعهد دولت برای اطمینان از حق دسترسی به عدالت برای زنان این است که قضات و وکلاء را در گستره حقوق زنان و حساسیت جنسیتی برای بالا بردن آگاهی آموزش دهد، یا کارآموزی هایی برای آگاهی زنان و جوامع از حقوق قانونی شان سازماندهی کند و اطمینان حاصل نماید که ارائه کمک های حقوقی و در دسترس بودن ساز و کارهای پشتیبانی موثر مانند سرپناه و رایزنی برای قربانیان بدون تبعیض برای همه زنان در دسترس است. اطمینان از حضور کافی زنان در قوه قضائیه نیز مهم است. کمیته حقوق بشر در نظر عمومی شماره ۲۸ (۲۰۰۰) خود مشخص کرد دولت های عضو باید اطلاعاتی ارائه کنند

⁸⁹ A/HRC/17/30, paras. 20–26.

که «آیا اقداماتی برای تامین دسترسی برابر زنان به کمک‌های حقوقی، به ویژه در مسائل خانواده، انجام شده است یا خیر».

۱۱

Airey علیه دولت ایرلند (دادگاه اروپایی حقوق بشر، درخواست شماره ۶۲۸۹/۷۳، حکم مورخ ۹ اکتبر ۱۹۷۹)

مدعی خواهان دستور قضایی افتراق ابدان از شوهر سوء استفاده گر خود بود، چرا که به انعقاد توافق جدایی با او توانمند نبود. با این حال، او نتوانست چنین دستوری را تحصیل کند چرا که او نتوانست از عهده مخارج مشاور حقوقی برآید و معاضدت حقوقی هم فراهم نبود. دادگاه حقوق بشر اروپا اعلام کرد این زیر پا نهادن حق او به دسترسی به دادگاه برای تعیین حقوق و تعهدات مدنی‌اش (ماده ۶) به شمار می‌رفت. با استناد به حقوق بین الملل و قصد کنوانسیون اروپایی، دادگاه اعلام داشت راه‌ها جبران باید موثر و نه واهی باشد، و اشاره کرد که بسیاری حقوق مدنی و سیاسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی دارد که تعهدات مثبتی را ایجاب می‌کند. بر این اساس، حقی به معاضدت حقوقی وجود دارد اگر کمک‌های حقوقی برای دسترسی مؤثر به دادگاه ضروری باشد.

کمیته رفع تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره ۲۸ (۲۰۱۰) خود بیان داشت «کشورهای عضو باید اطمینان بیشتر حاصل کنند که زنان به راه‌ها جبران خسارت مقرون به صرفه، در دسترس و به موقع، با کمک‌ها و رایزنی‌های حقوقی در صورت ضرورت دسترسی داشته باشند و اینکه دعوی طی دادرسی عادلانه در دادگاه یا محکمه صالح و مستقل در صورت اقتضاء حل و فصل شده است.» افزون بر این، اصول نخستین و رهنمودهای ناظر بر حق به دادخواهی و جبران خسارت برای قربانیان زیر پا نهادن فاحش حقوق بین الملل بشر و زیر پا نهادن جدی حقوق بین الملل بشردوستانه خواستار «کمک شایسته به قربانیان جویای دسترسی به عدالت» می‌باشند، از جمله معاضدت حقوقی و تامین راه‌های شایسته، موثر و سریع برای جبران خسارات وارد به قربانیان موارد زیر پا نهادن جدی یا فاحش (قطعنامه مجمع عمومی به شماره ۱۴۷/۶۰). افزون بر این، تعهد به سعی و دقت دولت‌ها در پیگرد، مجازات و جبران خسارت قانونی در برابر زیر پا نهادن حقوق بشر توسط عوامل غیر دولتی نیز هنجار بین المللی به رسمیت شناخته شده‌ای است. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند زنان قربانی زیر پا نهادن حقوق بشر دسترسی به وسایل فوری جبران خسارت و غرامت دارند، و اینکه مرتکبین تعقیب، محاکمه و مجازات می‌شوند، و نیز اینکه ساز و کارهای این مهم در دسترس زنان قرار دارند. تعهد به جبران خسارت بسنده در بر دارنده تضمین حق زنان به دسترسی به هر دو طریق کیفری و مدنی و استقرار خدمات پشتیبانی، پشتیبانی و توانبخشی مؤثر برای قربانیان خشونت است.

گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان اندیشه «غرامت تحول آور» را در گزارش سال ۲۰۱۰ خود درباره غرامت برای زنان در معرض خشونت (A/HRC/۲۲/۱۴)

مطرح کرد. با توجه به تاثیرات گوناگون و متمایز خشونت بر زنان و گروه‌های گوناگون زنان، نیاز به راه‌ها خاص جبران خسارت برای زدودن نیازها و اولویتهای ویژه وجود دارد. به اعلام گزارشگر ویژه، تمرکز غرامات باید بر انصاف نسبت به قربانیان موارد زیر پا نهادن حقوق بشر و «ترمیم» خسارت وارده باشد، و نه صرفاً بر بازگرداندن زنان به شرایطی که در آن قبل از تحمل خشونت به سر می‌بردند. از آنجا که خشونت مورد تجربه زنان زنجیره ایست از تبعیض ساختاری و نظاممند که زنان در زمان صلح، در طول جنگ و پس از جنگ با آن روبرو می‌شوند، علل ساختاری و نظام‌مند آن نیاز به رسیدگی با هدف تبدیل این شرایط از راه ترمیم دارد. او آنچه چنین غرامتی باید دارا باشد را مشخص می‌کند: اعاده و جبران خسارت، توانبخشی و همگرایی مجدد، به رسمیت شناختن نمادین و تضمین نبود تکرار. طرح‌های غرامت پیچیده، مانند آن‌ها که گونه‌های منافع را ارائه می‌کنند، بهتر می‌توانند به نیازهای ذینفعان زن رسیدگی کنند و امکانات دگرگون‌کننده‌ای، هم به لحاظ عملی و مادی و هم در چهارچوب تقویت شخصیت و اعتماد به نفس آنان دارند. این مهم است که خود زنان سهم قابل‌اعتنایی در همه مراحل تهیه یک برنامه جبران خسارت داشته باشند.

جسیکا لناهان (گونزالس) علیه دولت ایالات متحده آمریکا (کمیسیون حقوق بشر قاره آمریکا، تصمیم مورخ ۲۱ جولای ۲۰۱۱)

در سال ۱۹۹۹ میلادی، دختران جسیکا لناهان توسط شوهر پیشین او ربوده و کشته شدند، در حالی که پلیس مکرراً از اجرای دستور منع نزدیک شدن شوهر او به علت خشونت خانگی خودداری کرده بود. خانم لناهان دعوی قانون اساسی در علیه پلیس در دیوان عالی کشور ایالات متحده طرح کرد، که احراز شد پلیس هیچ وظیفه طبق قانون اساسی به اجرای دستور منع نزدیک شدن نداشته است، و در نتیجه او را بدون جبران زیان رها کرد.

کمیسیون قاره آمریکا حق زنان قربانی خشونت بر دسترسی به پشتیبانی قضایی را مورد تاکید قرار داد. با احراز این امر که پژوهش‌های درباره مرگ سه کودک نابسندیده بوده است، کمیسیون همچنین بر حق قربانی در دسترسی به اطلاعات و حق او به دریافت حقیقت تاکید کرد. کمیسیون خاطرنشان کرد پژوهش‌های باید جدی، سریع، دقیق و بی‌طرفانه بوده، هم راستا با معیارهای بین‌المللی انجام شود. افزون بر این، کمیسیون به معنای تعهد دولت به عمل با سعی و دقت برای پیشگیری، تحقیق، مجازات و ارائه راه‌های جبران زیان ناشی از زیر پا نهادن حقوق بشر زنان توسط مرتکبین خصوصی از جمله وظیفه دولت به سازماندهی ساختار دولت، مانند قوانین، نظم عمومی و نظام قضایی، به طوری که به اندازه بسنده و به گونه موثر به پیشگیری و پاسخ دهی به زیر پا نهادن‌های حقوق زنان از جمله خشونت جنسی و جنسیتی، توانمند بوده مثلاً بتواند به گونه ای کارساز دستور منع نزدیک شدن را اجرا کند پرداخت.

در برخی کشورها، به مسائل مربوط به حقوق زنان اهمیت کمی داده شده و همواره به گونه غیررسمی توسط ساز و کار های جایگزین یا محلی حل و فصل شده است. ممکن است دستورهای قانونی موازی وجود داشته باشد که توسط دولت تضمین نشده یا به گونه رسمی دستورهای قانونی دولت که جمعی شناخته شده، یعنی ترکیبی از ساز و کار های غیر رسمی (مثلا سنتی، آیینی یا عرفی) و رسمی (قضائی) محسوب نشود⁹⁰. این یعنی دستورهای قانونی گوناگون می توانند در کنار هم وجود داشته باشند و حتی با یکدیگر همپوشانی داشته باشند.

گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلاء، توجه را به مشکلات نظام های عدالت غیر رسمی در خصوص حقوق زنان برای دسترسی به عدالت و جبران موثر زیان معطوف کرده است. به عنوان نمونه، او موردی از خشونت بر پایه جنسیت را مورد تاکید قرار داده که در آن، کارکنان دادرسی عمومی قربانیان را برای گذشت از شکایات و حل و فصل موضوع از راه سازش یا میانجی گری تحت فشار گذاشته بودند (Add. ۳/۱۷A/HRC/۳).

گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان همچنین درباره ساز و کارهای عدالت غیررسمی یا ساز و کارهای جایگزین حل اختلاف در گزارشهای ماموریت کشوری خود اظهار نظر کرد. بازدیدهای کشوری او نشان داده است در بسیاری کشورها که در آن نظام عدالت رسمی به صورت موازی با نظام های سنتی یا عرفی حل اختلاف، و همچنین نظام های آیینی در برخی موارد وجود دارد، نظام عدالت رسمی ناتوان و بیشتر برای زنان غیر قابل دسترسی است. در سومالی به عنوان نمونه، روابط پیچیده متقابلی بین حل اختلاف عرفی، آیینی و رسمی وجود دارد. منافع قبیله ای بیشتر بر منافع اشخاص قربانی تقدم دارد و خانواده ها بهتر می دانند از راه نظام عرفی به جای درخواست خسارت برای قربانیان اختلاف را فیصله دهند. این امر به اجبار زنان قربانی تجاوز جنسی به ازدواج با متجاوز، متعاقب حکم بزرگان مرد روستا با اعمال شیوه های عرفی منجر می شود (A/HRC/۱۶/۲۰/ Add. ۳). (در غنا، مقامات سنتی، مانند سران قبایل در بسیاری مناطق روستایی، بر مسائل و اختلافات درباره زمین و حقوق مالکیت، و همچنین موارد مربوط به «دخالت عوامل فرا طبیعی»، از جمله اتهامات درباره جادوگری حکم صادر می کنند. زنانی که متهم به جادوگری می شوند، در نتیجه این اتهامات از طرف جوامعشان طرد و آواره و بیشتر با خشونت رانده می شوند، و مورد حمله جسمی یا حتی قتل واقع می شوند (A/HRC/۱۶/۲۰/ Add. ۳). (در افغانستان، حقوق شریعت، عرف، قوانین رسمی، نظام حقوقی سکولار و حقوق بین الملل به موازات یکدیگر وجود دارد. گزارشگر ویژه احراز کرده است قانون شریعت و آداب و رسوم قبیله ای بیشتر آمیخته شده اند، و شیوه هایی که آموزه های اسلامی را زیر پا می نهند در سطح محلی اعمال می شود، مانند ازدواج کودکان، «بد»، محرومیت زنان بیوه از حقوق و مسائل مربوط به ارث زنان. شوراها محلی (شورا یا جرگه)، متشکل از مردان با نفوذ محلی، میانجی گری موارد از جمله موارد مربوط به حقوق زنان و خشونت علیه آنان را بر عهده دارند. تصمیمات آنان الزام آور و مسلماً «ذاتا علیه زنان تبعیض آمیز است. E/CN.۴/۲۰۰۶/ Add. ۵)

⁹⁰ Progress of the World's Women 2011–2012, pp. 67–68.

این مسئولیت دولت هاست که یقین حاصل کنند اگر از نظام ها یا ساز و کارهای غیر رسمی عدالت مانند سازش استفاده می شود، بر پایه موازین بین المللی حقوق بشری است. با این حال در عمل، پژوهش ها نشان داده است ساز و کار های قضائی بیشتر علیه زنان تبعیض آمیز بوده، و این که زنان هنگامی که دعاوی شان در مرحله سازش و صدور رای است از فرایندهای تصمیم گیری دور نگاه داشته می شوند. ازدواج، طلاق، دسترسی به زمین، اموال و خشونت علیه زنان همگی نمونه هایی از موارد موثر بر حقوق زنانند که بیشتر از راه سازش یا دیگر ساز و کار های غیر رسمی قضایی به کار گرفته می شوند.⁹¹ افزون بر این، پژوهش ها نشان داده است در موارد خشونت میان خانواده، سازش به صلاح نیست. طرف های رسیدگی مواضع چانه زنی برابر ندارند و به اعلام کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر، در پاره ای کشورها روشن است که توافقات به دست آمده در چارچوب میانجی گری خطرات جسمی و روحی علیه زنان را ترکیب می کند. به طور کلی، مهاجم توافق را اجرا نمی کند و خود توافق به علل و پیامد های خشونت نمی پردازد.⁹²

||

گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلاء توصیه کرد حقوق بین الملل بشر نقطه آغازی باید باشد، و با در شمار آوردن نظام های عدالت سنتی، اما تلقی اعتبار آنها فقط تا آنجا که اصول و شیوه هایشان بر پایه موازین بین المللی است این مهم را به انجام رسانند (A/HRC/4/25).

برخی رویه های خوب که دسترسی زنان به عدالت را افزایش داده شبیه "فروشگاه عرضه یکجا" شده است. آنها خدمات را همگرایی کرده به زنان قربانی همه چیز از مراقبت های بهداشتی و رایزنی تا کمک های حقوقی و گردآوری ادله را بصورت یکجا عرضه می کنند، و موانع و هزینه ها را کاهش می دهند. دادگاه های تخصصی و سیار از دیگر نمونه های موفق این امر است که چگونه دسترسی زنان به عدالت می تواند در عمل بهبودی یابد. این دادگاه ها می توانند قربانیان، به ویژه زنانی که در مناطق دور افتاده زندگی می کنند، را به عدالت نزدیک تر کنند تا به مسائلی مانند خشونت بر پایه جنسیت به گونه کارساز پردازند.⁹³

||

افزایش حضور زنان در پلیس و نظام های قضایی و همچنین به عنوان جنسیت همگرای درون دستگاه قضایی نیز می تواند پاسخ دهی آنان به مسائل جنسیتی را بهبودی بخشد و کمک خواستن زنان یا گزارش پرونده های آنان را آسان تر می سازد.

⁹¹ Ibid., pp. 68–78.

⁹² Inter-American Commission on Human Rights, *Access to Justice for Women Victims of Sexual Violence in Mesoamerica* (OEA/Ser.L/V/II. Doc. 63), para. 269.

⁹³ See *Progress of the World's Women 2011–2012*, pp. 56–59.

Designed and Printed at United Nations, Geneva
1404379 (E) – November 2014 – 3,350 – HR/PUB/14/2
United Nations publication
Sales No. E.14.XIV.5 ISBN 978-92-1-154206-6